

﴿﴾ یا ایها الذین آمنوا، سبک زندگی مؤمنانه ﴿﴾ ۲۳

قرآن خطاب به ماست؛ به خوبی پاسخ دهیم

با شرح و تفسیر و ترجمه به نظم

یا ایها الرسول، یا ایها المزمّل، یا ایها المدثر،

یا ایها الذین آمنوا، سبک زندگی مؤمنانه

قرآن خطاب به ماست؛ به خوبی پاسخ دهیم
اطاعت از خدا و رسول و ولایت، پیروی نکردن از ولایت
بیگانگان و کافران یهود و نصاری

مؤلف: محمود زارع پور

سرشناسه: زارع پور، محمود، ۱۳۳۶

شمارگان: ۵۰۰۰ قیمت: ۷۰.۰۰۰ تومان نوبت چاپ سوم سال ۱۴۰۱

آیات به انضمام اشعار قرآنی امید مجد

آدرس نویسنده: m5736z.blog.ir لطفا پیام ارسال نمایید

آدرس کتاب های منتشر شده: zarepoorketab.blog.ir

حق چاپ برای مؤلف محفوظ است

فهرست مطالب

مقدمه مؤلف

بخش ۱: خطابه‌های خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله)

مقصود خداوند از خطابه‌های پیامبر خطابه‌های متفاوت

بخش ۲: خطاب های خدا به اهل ایمان

یا ایها الذین آمنوا چه کسانی هستید؟

بخش ۳: سبک زندگی مومنانه بر اساس آیات قرآن

جمع آیات (یا ایها الذین آمنوا) در قرآن مجید

اولین خطاب خداوند به اهل ایمان از سوره بقره و آخرین خطاب در سوره ممتحنه

جمع ۹۰ آیتی که در قرآن مجید با خطاب (یا ایها الذین آمنوا) نازل شده است به این ترتیب است.

سوره بقره آیه های: ۲۸۲، ۲۷۸، ۲۶۷، ۲۶۴، ۲۵۴، ۲۰۸، ۱۸۳، ۱۷۸، ۱۷۲، ۱۵۳، ۱۰۴

سوره آل عمران آیه های: ۲۰۰، ۱۵۶، ۱۴۹، ۱۳۰، ۱۱۸، ۱۰۲، ۱۰۰

سوره نسا آیه های: ۱۴۴، ۱۳۶، ۱۳۵، ۹۴، ۷۱، ۵۹، ۴۳، ۲۹، ۱۹

سوره مائده آیه های: ۱۰۶، ۱۰۵، ۱۰۱، ۹۵، ۹۴، ۹۰، ۸۷، ۵۷، ۵۴، ۵۱، ۳۵، ۱۱، ۸، ۲، ۶، ۱

سوره انفال آیه های: ۴۵، ۲۹، ۲۷، ۲۴، ۲۰، ۱۵

سوره توبه آیه های: ۱۲۳، ۱۱۹، ۳۸، ۳۴، ۲۸، ۲۳

سوره حج آیه های: ۷۷ سوره نور آیه های: ۵۸، ۲۷، ۲۱

سوره احزاب آیه های: ۷۰، ۶۹، ۵۶، ۵۳، ۴۹، ۴۱، ۹

سوره محمد آیه های: ۷، ۳۳ سوره حجرات آیه های: ۱۲، ۱۱، ۲، ۶، ۱

سوره حدید آیه: ۲۸ سوره مجادله آیه های: ۱۲، ۱۱، ۹

سوره حشر آیه: ۱۸ سوره ممتحنه آیه های: ۱۳، ۱۰، ۱

سوره صف آیه های: ۱۴، ۱۰، ۲ سوره جمعه آیه: ۹ سوره منافقون آیه: ۹

سوره تغابن آیه: ۱۴ سوره تحریم آیه های: ۸، ۶

مقدمه مؤلف

اسلام فقط با اخلاق ما کار ندارد بلکه با سبک زندگی ما نیز کار دارد. مثلاً اینکه ما عصبی مزاج هستیم یا نه، جزء سبک زندگی نیست (بلکه به اخلاق مربوط می‌شود)، اما اینکه چگونه عصبانیت خود را ابراز کنیم جزء سبک زندگی است، مثلاً اینکه با ناسزا گفتن، فریاد زدن، شکستن ظروف و ... عصبانیت خود را بروز دهیم جزء سبک زندگی محسوب می‌شود. دین به سبک زندگی ما کار دارد.

نمونه‌ای از اشاره قرآن به سبک زندگی را مطرح کرد که نشان می‌دهد سبک زندگی در دین چقدر اهمیت دارد. این عبارت قرآنی، اولین خطاب **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** (بر اساس زمان نزول) است اولین خطاب **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** مربوط به یک سبک رفتاری است نه یک اخلاق و عقیده یا علاقه، آن هم رفتاری که غیرعبادی و غیر حقوقی است و خداوند متعال اولاً آن را به عنوان یک «سبک» مورد نقد قرار می‌دهد و ثانیاً به زیبایی و عدم زیبایی آن توجه دارد.

در قرآن حدود ۹۰ خطاب **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** وجود دارد که تماماً در مدینه نازل شده است. گویا خطاب **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** به «جامعه» ایمانی است.

برخی علما می‌گویند دلیلش این بود که حاکمیت دینی در مکه نبوده است. علامه طباطبایی می‌فرمایند که معنای **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** با خطاب به مؤمنون یا **الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ** متفاوت است. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** خطاب است که دلالت بر احترام فوق العاده به گروهی از مؤمنین دارد لذا این یک خطاب برجسته است و بار روانی مثبت ویژه‌ای دارد و هر کسی که ایمان بیاورد را شامل نمی‌شود.

خداوند خطاب نمی‌دهد **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** آی مردگان، خطاب خدا برای زندگی سعادت‌مندان ی قبل از مرگ است. در کتاب سعی کرده ام آیات قرآن را که مربوط به اهل ایمان می‌باشد، سبک زندگی مومنانه را با استفاده از کتب تفسیر بیان نمایم. مؤلف: محمود زارع پور

پیامبر عظیم الشان (صلی الله علیه و آله) توسط عبدالمطلب جد بزرگوارش، محمد نام گرفت. محمد از تحمید گرفته شده و تحمید بالاتر از حمد است. محمد یعنی فرو رفته در تمامی خوبیها. اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) از جانب خداوند هیچ گاه با اسم مورد خطاب واقع نشده، بلکه با القاب و اوصاف خاصی چون **يا أَيُّهَا الرَّسُولُ، يا أَيُّهَا النَّبِيُّ، يا أَيُّهَا الْمُرْمَلُ، يا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ** از آن حضرت یاد کرده است و نیز با القابی همچون **طه** و **یس** مورد ستایش واقع شده است.

این در حالی است که در مورد دیگر پیامبران، آنان را با اسم مورد خطاب قرار داده است: **یا نوح، یا عیسی، یا موسی** و... تنها در چهار مورد در جمله های خبری نام محمد آورده شده، (آل عمران ۱۴۴، احزاب ۴۰، محمد ۲ و فتح ۲۹) و یک مورد هم با عنوان **احمد** (صف ۶) از ایشان یاد کرده است. اینکه حضرتش را به نام نخوانده، بلکه با اوصاف و القاب بسیار خطاب قرار داده؛ به این دلیل است که زیادتى اسماء و القاب دلیل بر علو شرف و عظمت مسمی خواهد بود و همچنین تا مقام و منزلت و علو مرتبه او را بر باقی پیامبران ظاهر بفرماید.

الف) خطاب پیامبر با رسول: رسول به پیامبری می گویند که کتابی همراه داشته باشد، در مقابل نبی که پیامبری را می گویند که از جانب خدا خبر

می دهد، هر چند کتابی با او نباشد. این نوع خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله با عنوان **أَيُّهَا الرَّسُولُ** تنها دو بار در قرآن آمده است که برای شرافت و بزرگداشت پیامبر صلی الله علیه و آله است. این معنی در آیات ۴۱ و ۶۷ مائده منظور شده و این شرافت و بزرگداشت تعلیم و تأدیبی برای مؤمنان است و متضمن نهی از خطاب آن حضرت با نام است و با این که امر شده او را با وصفش خطاب کنید، بعضی از اعراب این ادب را نگاه نمی داشتند و می گفتند: **يا مُحَمَّدَ لَذا آیه لا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ**. نازل شد. پس از این، دیگر هیچ کس او را با نام صدا نمی زد. همچنین در خطاب **يا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ... گفته شده این خطاب خاصی است به پیامبر صلی الله علیه و آله و می خواهد حس مسئولیت را در پیامبر بیشتر تحریک و اراده او را تقویت کند.**

صاحب منهج الصادقین نیز می گوید: چرا انبیای دیگر را با نام، مخاطب می ساخت اما چون نوبت به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید او را به صفات کمال خطاب کرد؛ چون «یا ایها الرسول» پس این گونه خطاب کردن نشانه تشریف است

علامه طباطبایی: چون در این آیه سخن از تبلیغ است و مناسب ترین القاب پیامبر صلی الله علیه و آله در این مقام عنوان رسالت است با این عنوان مورد خطاب قرار گرفته است. **ب) خطاب پیامبر صلی الله علیه و آله با نَبِيِّ : نبی**

صفت مشبیه از نبأ است به معنی خبری که دارای فایده بزرگی باشد که از آن علم حاصل شود. نبی ۴۳ بار در قرآن آمده است که خداوند پیامبرش را ۱۳ بار با عنوان **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ** مورد مخاطب قرار داده است که این نوع خطاب، برای آن است تا به مؤمنان روش خطاب کردن ایشان را یاد دهد.

مقصود خداوند از **خطابه‌های پیامبر** در بسیاری از **خطابه‌های قرآن** به پیامبر **صلی الله علیه و آله** با این عنوان، مراد و مقصود شخص پیامبر **صلی الله علیه و آله** نیست، بلکه دیگرانند؛ چه مردم زمان پیامبر و چه آیندگان. به عنوان مثال، در آیه اول احزاب: **يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَ لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ..** اگرچه خطاب به پیامبر **صلی الله علیه و آله** است، ولی مقصود امت آن جناب و دستوری عام است؛ چون اولاً **يَا أَيُّهَا** مخصوص مواردی است که هدف جلب توجه عموم به مطلبی است و ثانیاً **تقوا** سرلوحه زندگی آن حضرت بوده است و حاشا که اطاعت از کفار کرده باشد،

بنابراین مفهوم این دستورات به پیامبر **صلی الله علیه و آله** این نیست که او در مسأله تقوا و ترک اطاعت کافران و منافقان کوتاهی داشته، بلکه با این بیانات از یک سو جنبه تأکید در مورد وظایف پیامبری است. و از سوی دیگر، درسی برای مؤمنان. از این قبیل آیات که پیامبر **صلی الله علیه و آله** با افعال مخاطب و یا ضمائر به صورت عتاب آمیز مورد خطاب قرار گرفته، بسیار

است که می توان آنها را بیانگر مراقبت شدید خداوند از آن حضرت دانست. البته نباید نادیده انگاشت که نخستین مخاطب قرآن و ابلاغ کننده آیات بر مردم (در همه جا) پیامبر صلی الله علیه و آله است و برخی از این تویخات صرفاً برای ابلاغ و تبیین، بر پیامبر خطاب شده است.

آیه **وَلَقَدْ أَوْحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ ...** از جمله آیاتی است که خطاب عتاب آمیز به پیامبر صلی الله علیه و آله شده و مفسران، نظرات مختلفی بیان کرده اند. برخی معتقدند، مراد از آن تهییج پیامبر، مأیوس ساختن کافران و آگاه کردن امت به این حکم است و یا آیه **وَأَمَّا يَنْزِعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ...** که غالب مفسران این آیه را خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابله با غضب و وسوسه شیطانی دانسته اند،

اما صاحب «المیزان» در تفسیر آیه می گوید: با این که خطاب به رسول خدا است، اما مراد امت پیامبر است، زیرا پیامبر معصوم است. از این نوع خطابها در قرآن فراوان دیده می شود. اما پیامبر صلی الله علیه و آله با خطاب هایی همچون **يَا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ، يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ** هم مورد خطاب واقع شدند که خداوند می خواسته با این خطابها، پیامبرش دوستی خدا را حس کند و سنگینی بار رسالت را احساس نکند.

خطابهای متفاوت با وجود این موارد، خطابهای خدا به پیامبر صلی الله علیه و آله تنها با اوصاف و عناوین پروردگار همراه نبوده است؛ گاهی پیامبر با صیغه

های مختلف افعال و انواع خطابها از جانب خداوند مورد خطاب واقع شده است که عبارتند از:

الف) استعمال صیغه امر که بنابر آنچه گفته شد، یا منظور بیان مطلبی کلی بوده مثل آیه: **وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ ...** که خطاب به پیامبر در مورد احسان به والدین است؛ در حالی که پیامبر پدر خود را ندیده و مادرش را هم در کودکی از دست داده و یا حضرت تنها مأمور رساندن مطالب به مکلفین بوده است مثل خطاب با واژه **قُلْ** که ۳۳۲ بار در قرآن تکرار شده است.

ب) استعمال صیغه های مختلف فعل رأی (دیدن) است و جمعاً ۹۰ مرتبه پیامبر در قرآن با فعل رأی و مشتقات و افعال آن (۳۶ بار با کلمه تری، لَو تری ۳۶ مرتبه، أَلَمْ تَرَ ۱۵ بار، با رأی و آرَأَيْتَ ۴ بار، نَرَيْتَكَ و نَرِيكَ ۲۰ بار و یک مرتبه **أَرَأَيْنَاكَ و لِيُرِيكُمْ اللهُ** مورد خطاب واقع شده اند. ج) استعمال صیغه های مخاطب که نمونه هایی از آن بیان شد.

د) خطاب فرد با لفظ جمع که مخاطب اصلی آن پیامبر **صلى الله عليه و آله** است؛ هر چند جمع آورده شده: **يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ ... فَذَرَهُمْ فِي غَمَرَتِهِمْ** در این آیه پیامبر **صلى الله عليه و آله** مورد خطاب است؛ زیرا نه هیچ پیامبری معاصر و نه بعد از آن حضرت بوده است. همچنین به لحاظ زمانی، خطابهای خداوند به پیامبر **صلى الله عليه و آله** را می توان در سه دوره از لحاظ زمان تقسیم بندی کرد که خطابهایی همچون **يَا أَيُّهَا الْمُزَّمِّلُ، يَا أَيُّهَا**

المُدَّثِرُ به آغاز وحی مربوط است و دوره بعد ابتدای ابلاغ رسالت در مکه است که با القابی همچون نذیر، منذر، بشیر، مبشر مورد خطاب قرار می گیرد، تا ذهن و قلب مشرکان و منکرین پیامبر صلی الله علیه و آله را آماده کند و سپس با رَسُولٌ کریم، رسول الله، رَسُولٌ مُبِینٌ و نَبِیٌّ مورد خطاب قرار می گیرد و مرحله نهایی خطابهای خداوند بر پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه می باشد که در این مرحله، خداوند پیامبرش را با القاب و صفات پسندیده مورد خطاب قرار داده است.

بخش ۲: **خطاب های خدا به اهل ایمان**

اولین آیه ای که با عبارت **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** آغاز میشود آیه ۱۰۴ بقره یا **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا نُظْرْنَا وَ إِسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ** و آخرین آن آیه ۸ تحریم میباشد؟! **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**

۹۰ آیه در قرآن کریم است که با خطاب: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** شروع می شود و مستحب است انسان پس از شنیدن آن لبیک اللهم لبیک بگوید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قرآن خطاب به تو است؛ خدا با تو صحبت کرده و کلامش را بر پیغمبر فرو فرستاده و پیغمبر هم قرآن را به شما تحویل داده و گفته است که اینها حرفهایی است که خدا با شما زده است. خدا در این

خطاب‌هایی که در قرآن هست، مثل **يا أَيُّهَا النَّاسُ و يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**، دارد حرف می‌زند و به من و تو خطاب می‌کند. خوب، تو **نمی‌خواهی جوابش را بدهی**؟ او در ماه مبارک رمضان با تو سخن گفته است، تو هم باید در همین ماه با او سخن بگویی؛ (آیت الله مجتبی تهرانی)

يا أَيُّهَا النَّاسُ، خطاب به همهٔ مردمان (مسلمان و غیر مسلمان) است. **يا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمْ** عبادت کنید پروردگارتان را
خطاب زیبا، گامی برای تأثیر گذاری پیام است

يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا در حدیثی از تفسیر مجمع‌البیان می‌خوانیم: لذت خطاب **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** سختی روزه را آسان می‌کند. اگر والدین بخواهند که فرزندشان به سخنانشان گوش دهند، باید آنان را زیبا صدا زنند. **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا**: در برخی از آیات مشاهده می‌شود که خداوند با این لفظ ای کسانی‌که ایمان آورده اید، برخی از مسایل را مورد خطاب قرار داده، به دنبال این خطاب مومنین را امر به معروف و نهی از منکر می‌فرماید. و در سوره‌های مختلف که در ۹۰ آیه با **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** اجرا یا عدم اجرای برخی از امور را گوشزد می‌کند. سوال اینجاست که چرا خداوند متعال مومنین و ایمان آورندگان را مورد خطاب قرار میدهد، نه عموم مردم را، که چرا نگفت **(يا أَيُّهَا النَّاسُ)** ای مردم، بلکه فرمود **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** ای کسانی که ایمان آورده اید.؟ شاید جواب این باشد که خدای متعال افراد با ایمان را در اجرای امور پسندیده مورد تأکید ویژه قرار داده است نه از

این باب است که نباید سایر مردم به آن بی توجه باشند، بلکه از این جهت است که انتظار اجرای این موارد از سوی مؤمنان بیشتر است

یا ایها الذین آمنوا چه کسانی هستند؟ برخی از مفسرین خطاب را برای همه آنهایی که اسلام آورده‌اند نسبت می‌دهند، عده‌ای از مفسران نیز آن را برای همه آنهایی که خود را عبد و بنده خدا می‌دانند، تعبیر کرده‌اند و همچنین برخی از مفسران خطاب را به مؤمنان و ایمان آوردندگان به همه پیامبران که آئین و شریعت الهی را تبلیغ کردند عنوان کرده‌اند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان آورده است که: لفظ **الَّذِينَ آمَنُوا** مطلق است، و در صورت وجود قرینه عمومیت دارند مانند اینکه ایمان را تا روز قیامت شامل میشود، در روایتی از ابن عباس نقل شده است که هر جا که قرآن از **یا ایها الذین آمنوا** سخن به میان آمده است، اولین فردی که خطاب آن است، حضرت امیر است؛ متأسفانه مردم قدر علی علیه السلام را نشناختند؛ مقامات علی علیه السلام مسیحیان را به شگفت آورده است و حتی برای ایشان دیوان شعر می‌گفتند ولی متأسفانه مسلمانان آنچنان که باید قدر او را ندانستند. خطاب **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** هر جا مؤمنان به این خطاب و یا با جمله **الَّذِينَ آمَنُوا** تعبیر شده‌اند، منظور مؤمنان امت پیامبر صلی الله علیه و آله هستند. تعبیر به لفظ **الَّذِينَ آمَنُوا** تعبیر محترمانه‌ای است که این امت بدان مفتخر گردید. اما از امت‌های قبل

از اسلام به کلمه قوم قَوْمِ نُوحٍ أَوْ قَوْمِ هُودٍ قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُمْ عَلَى بَيِّنَةٍ ... یا به لفظ اصحاب: وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ تعبیر شده است. و در خصوص قوم موسی علیه السلام تعبیر به (بنی اسرائیل) کرده است. عبارت یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا در قرآن کریم در تمام موارد اشاره به مؤمنان واقعی ندارد؛ این ادعا با توجه به موارد کاربرد آن در قرآن به خوبی قابل درک است. چرا که گاهی سفارش و دستور صادر می شود که به طور مثال این گونه باشید نه آن طور که گذشتگان بودند. یعنی ارائه سبک زندگی مومنان را پیش می گیرید نه این که پیش گرفته اید. در آیات برخی از مسلمانان را با این که از دستور پیامبر صلی الله علیه و آله برای شرکت در جهاد سر باز زدند، با تعبیر یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خطاب کرده و مورد سرزنش قرار داده که نشان از وسعت مخاطبان این تعبیر دارد ایمان از واژگان تشکیکی است، از پایین ترین مراتب ایمان تا بالاترین مرتبه آن را شامل می شود؛ یعنی کسانی که از حداقل ایمان که همان اقرار به شهادتین باشد، تا بالاترین مرتبه اش را که مؤمنان واقعی در عمل و عقیده باشند در بر می گیرد. بنابراین، خطاب یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا در قرآن لزوماً در مورد مؤمنان واقعی نیست، بلکه در آیات زیادی، اشاره به مسلمانان عادی دارد. همچنین این خطابها مخصوص به مردم یک عصر نیست، بلکه همه ایمان آورندگان را تا روز قیامت به یک نحو شامل می شود.

بخش ۳ : سبک زندگی مومنانه بر اساس آیات قرآن

بشر امروز با طرح بحث سبک زندگی، به حقیقت دین نزدیک‌تر می‌شود. منطق دین ما به قدری جامعیت دارد که امکان گفتگوی علمی با بی‌دین‌ها هم وجود دارد، الان در مقام گفتگوی عالمانه ما می‌توانیم فقط اهداف دنیایی را در نظر بگیریم و ملاک قرار دهیم. دین در مورد سبک زندگی و جزئیات رفتار ظاهری ما هم نظر دارد.

رفتار ظاهری از منظر دین، اهمیت بسیاری دارد. دین فقط به اعتقادات نمی‌پردازد. دین فقط به تفکر و نگرش انسان نمی‌پردازد.

اگر چه نتایج نگرش و اعتقاد را همیشه می‌توان در رفتار دید، ولی چون بین اندیشه و اعتقاد تا رفتار انسان فاصله زیادی وجود دارد؛ دین، ما را معطل نمی‌گذارد و در جزئیات هم به بیان احکام و ارائه راهنمایی می‌پردازد. مثلاً اینطور نیست که دین یک توصیه کلی داشته باشد که باید محیط خانواده گرم باشد و به اینکه چگونه می‌توان محیط خانواده را گرم و صمیمی کرد، کاری نداشته باشد.

دین جزئیاتی را در مورد رعایت اخلاق و حقوق در محیط خانواده اعلام می‌کند که تأکید ائمه اطهار(ع) بر رعایت آنها گاهی این سؤال را ایجاد می‌کند که آیا واقعاً توجه به این مسائل جزئی این قدر اهمیت دارد؟ تفاوت ما با اندیشمندان غربی این است که آنها اهداف این دنیایی را مدنظر قرار می‌دهند یعنی فقط سود بیشتر، دوام، راحتی، لذت، شکوفایی

استعداد و خلاقیت را در نظر بگیریم. ولی ما اهداف دنیایی و آخرتی را با هم مدنظر قرار می‌دهیم. هر کسی هر هدف لائیکی هم بیاورد، می‌توان به او ثابت کرد که طرح دین برای تحقق همین اهداف، بهتر از طرحی است که اندیشمندان غربی در بخش‌های مختلف داشته‌اند. دین ارزش خود را اینجا نشان می‌دهد.

خداوند متعال روش بحث با مخالفان را به ما توضیح داده، می‌فرماید: بیائید روی اشتراکات و وجوه مشترک صحبت کنیم: قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ (آل عمران ۶۴). شما در دنیا چه چیزی می‌خواهید؟ مثلاً لذت جنسی با ثبات می‌خواهید؟ خب ما به روش دین توضیح می‌دهیم که چگونه می‌توانید به لذت جنسی بهتر برسید. اگر ما از طریق مطالعات علوم اجتماعی و علوم تجربی به فواید حجاب برسیم، دیگر نیازی نیست کسی بگوید به خاطر رعایت ارزش‌های اسلامی حجاب را رعایت کنید که منتهی هم سر دین گذاشته شود و برخی که قبول ندارند، عکس‌العمل‌های منفی نشان بدهند.

اهمیت سبک زندگی (نهج البلاغه خطبه متقین) فردی به نام همام همراه با عده‌ای به درب خانه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مراجعه کرد. گفتند ما از شیعیان شما هستیم. حضرت فرمودند بگویید از دوستان شما ما هستیم نه از شیعیان شما. همام گفت شیعیان شما چه صفاتی دارند؟

حضرت ابتدا قبول نمی‌کنند که وصف شیعیان یا متقین واقعی را بگویند، اما با اصرار همام، این مطلب را پذیرفته و به مسجد می‌روند. همام یکی از زهاد ثمانیه (هشت زاهد) بوده است که ۴ نفر از آنها خط و ربط درستی نداشته‌اند ولی همام جزء ۴ نفری بوده که در ردیف اویس قرنی مطرح بوده است. حضرت علی علیه السلام یکی از اخلاقی‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه را که در عین حال از بلندترین مباحث اخلاقی در مجموعه روایات است را در جواب همام بیان می‌کنند و همام تحت تأثیر این کلمات بلند جان می‌سپارد. حضرت علی علیه السلام نیز با این بیان که مواعظ رسا، اینگونه در دل مخاطبان خود اثر می‌گذارد» در واقع جان دادن او را تحسین می‌کند. همین خطبه همام با این اهمیت و عبارات بلند، در ۵ فراز به تبیین سبک زندگی پرداخته.

اولین وصف متقین در این خطبه این است که به صواب سخن می‌گویند: مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ.

این عبارت به احکام شرعی سخن گفتن نپرداخته، بلکه سبک سخن گفتن متقین را درست و به‌جا می‌داند.

دومین صفت متقین این است که لباسی میانه بر تن می‌کنند (وَ مَلَبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ) که لباس یکی از مصادیق مهم سبک زندگی است.

طریقه سلوک فرد متقی با مردم بر پایه تواضع است (وَ مَشِيئُهُمُ التَّوَّاضُعُ).

متواضعانه رفتار کردن فقط در راه رفتن این متقین نیست، بلکه تمام رفتارهای آنها را شکل می‌دهد.

اینجا از لزوم تواضع که می‌تواند در یک بحث روحی اخلاقی مطرح شود، صحبت نمی‌کند، از رفتار و منش متواضعانه صحبت می‌کند.

عَضُّوا أَبْصَارَهُمْ عَمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ این عبارت که در مورد چشم فرو بستن از حرام است، اگر چه به احکام شرعی هم مربوط است ولی به رفتار ظاهری هم مربوط است.

وَ وَقَفُوا أَسْمَاعَهُمْ عَلَى الْعِلْمِ النَّافِعِ لَهُمْ. متقین به مطالب مفید گوش می‌سپارند.

حضرت علی علیه السلام بعد از اشاره به این موارد که به منش و رفتار ظاهری مربوط است، می‌فرماید نُزِّلَتْ أَنْفُسُهُمْ مِنْهُمْ فِي الْبَلَاءِ كَالَّذِي نُزِّلَتْ فِي الرَّخَاءِ؛ روحیه آنها هم اینطور است که در بلاء و رخاء، حال یکسانی دارند.

يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوا الْأُبْطُنَ



اولین خطاب به اهل ایمان از سوره بقره و آخرین خطاب در سوره ممتحنه

عنایت داشتن جای مراعات کردن

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَ قُولُوا انظُرْنَا وَ اسْمَعُوا وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ (بقره ۱۰۴)

چو در صحبت آید با مصطفی مگوئید ای مؤمنان، راعنا

بگوئید بلکه بر احوال ما تو ای مرسل حق، نظارت نما

نیوشید گفتار یزدان پاک عذاب است بر کافران دردناک

نکته ها برخی از مسلمانان برای اینکه سخنان پیامبر را خوب درك کنند، درخواست می کردند که آن حضرت با تأنی و رعایت حال آنان سخن بگوید. این تقاضا را با کلمه راعنا می گفتند. ولی چون این تعبیر در عرف یهود، نوعی دشنام تلقی می شد، آیه نازل شد که بجای راعنا بگوئید: انظُرْنَا تا دشمن سوء استفاده نکند. این اولین آیه که با خطاب: «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع می شود.

پیام ها

- ۱ - توجه به انعکاس حرف ها داشته باشید. «لا تَقُولُوا رَاعِنَا...» ممکن است افرادی با حسن نیت سخن بگویند، ولی باید بازتاب آنرا نیز در نظر داشته باشند راعنا» از مادهی «رعی» به معنی مهلت دادن است. ولی یهود کلمه ی «راعنا» را از مادهی «الرعونة» که به معنی کودنی و حماقت است، می گرفتند.
- ۲ - دشمن، تمام حرکات و حتی کلمات ما را زیر نظر دارد و از هر فرصتی که بتواند می خواهد بهره برده و ضربه بزند. لا تَقُولُوا رَاعِنَا .

۳ - اسلام، به انتخاب واژه‌های مناسب، بیان سنجیده و نحوه‌ی طرح و ارائه مطلب توجه دارد. وَ قُولُوا انظُرْنَا.

۴ - باید در سخن گفتن با بزرگان و معلّم، ادب در گفتار رعایت شود لا تَقُولُوا

۵ - اگر دیگران را سفارش به مراعات ادب می‌کنیم، باید ابتدا خودمان در سخن با مردم، رعایت ادب را بکنیم. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» خطاب محترمانه است.

۶ - اگر از چیزی نهی می‌شود، بهتر است جایگزین مناسب آن معرفی شود. اولین خطاب «يا ايها الذين آمنوا» مربوط به یک سبک رفتاری است، آن هم رفتاری که غیرعبادی و غیر حقوقی است و خداوند متعال اولاً آن را به عنوان یک «سبک» مورد نقد قرار می‌دهد و ثانیاً به زیبایی و عدم زیبایی آن توجه دارد. .

چرا خداوند به مؤمنین دستور می‌دهد با کلمه «راعنا» پیامبر را خطاب ندهند؟ برای اینکه معلوم شود این آیه به سبک رفتار مربوط می‌شود (که سبک گفتار نیز بخشی از سبک رفتار است) باید به تاریخ مراجعه کنیم تا ببینیم شأن نزول این آیه چه بوده است. در آن زمان یهودی‌ها در بین خودشان اصطلاحی داشتند که در میان مردم مدینه رواج نداشته است و با طعنه و ناسزا به کسی بگویند «صبر کن» از عبارت «راعنا» استفاده می‌کردند. اگر با حالت اعتراض آمیز گفته شود «آدم!» با اینکه این لفظ بدی نیست (یعنی تو آدم نیستی) این آیه نشان می‌دهد که خدا به جزئیات رفتاری در مصداق گفتار (که مصداق برای سبک زندگی محسوب می‌شود) چقدر اهمیت می‌دهد. پروردگار مهربان، ذره‌ای اهانت به اولیاءالله را تحمل نمی‌کند. لذا در روایت دارد به همهٔ مردم احترام بگذار، مبادا در بین مردم یک نفر از اولیای خدا باشد که تو او را شناسی و به او بی‌حرمتی کنی. ائمه خیلی کوتاه می‌آمدند تا مردم بهشان بی‌احترامی نکنند.

توسل به نماز و صبر

۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ (بقره ۱۵۳)

پس ای اهل ایمان به صبر و نماز از الله یاری بجوئید باز

خداوند با صابران ست یار بود یاور صابران کردگار

نکته ها مشابه این کلام الهی را در همین سوره خواندیم که خداوند به بنی اسرائیل می فرمود: در برابر ناملایمات و سختی ها، از صبر و نماز کمک بگیرید.

در این آیه نیز به مسلمانان دستور داده می شود تا در برابر حوادث سخت زندگی، از صبر و نماز یاری بجویند. آری، دردهای یکسان، داروی یکسان لازم دارد..

اصولاً انسان محدود، در میان مشکلات متعدّد و حوادث ناگوار، اگر متصل به قدرت نامحدود الهی نباشد، متلاشی و منکوب می شود. و انسان مرتبط با خداوند، در حوادث و سختی ها، خود را نمی بازد و برای او حوادث، بزرگ نمی نماید.

کسی که نماز را با حضور قلب و با توجّه می خواند، به معراج می رود. هرچه پرواز معنوی او بیشتر باشد و بالاتر رود، دنیا و مشکلات آن و حتی خوشی های آن کوچکتر می شود..

انسان، یا در نعمت بسر می برد که باید به آیه قبل عمل کند؛ فَادْكُرُونِي، اشْكُرُوا لِي و یا در سختی بسر می برد که باید به این آیه عمل کند؛ اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ خداوند می فرماید: خدا با صابران است و نمی فرماید: با نمازگزاران است. زیرا نماز نیز نیاز به صبر و پایداری دارد. در روایات می خوانیم:

هرگاه کار سختی برای حضرت علی علیه السلام پیش می‌آمد حضرت دو رکعت نماز می‌خواند. این سیره را بوعلی سینا نیز عمل می‌کرد.

صبر، مادر همه کمالات است؛ صبر در جنگ، مایه شجاعت است.
صبر در برابر گناه، وسیله تقواست. صبر از دنیا، نشانه زهد است.
صبر در شهوت، سبب عفت است. صبر در عبادت، موجب طاعت، و صبر در شبهات، مایه‌ی ورع است.

پیام‌ها

۱. ایمان اگر همراه با عمل و توکل و صبر و عبادت باشد، کاربرد بیشتری دارد.
۲. نماز اهرم است، بار نیست. اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ
۳. صبر و نماز، وسیله جلب حمایت‌های الهی هستند اسْتَعِينُوا... إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
۴. اگر چه خداوند با هرکس و در هر جایی حضور دارد؛ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ و لکن همراهی خدا با صابران، معنای خاصی دارد و آن لطف، محبت و یاری رسانی خداوند به صابران است. إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ



روزی پاک و شکر الهی

۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (بقره ۱۷۲)

خورید اهل ایمان ز رزقی حلال عطائی که دادست آن ذوالجلال

گر اخلاص دارید بر کردگار اگر می پرستید پروردگار

پس الطاف او را بدارید پاس بگویند تنها خدا را سپاس

نکته ها از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که خداوند می فرماید: من مردم را خلق می کنم، اما آنان غیر مرا می پرستند. من به آنان روزی می دهم، اما آنان شکر دیگری را می نمایند.

قرآن، هرگاه بنا دارد انسان را از کاری منع کند، ابتدا راههای مباح آنرا مطرح کرده و سپس موارد نهی را بیان می کند. چون می خواهد در آیات بعد، مردم را از یک سری خوردنی، منع و نهی کند، در این آیه راههای حلال را بازگو نموده است.

شکر مراحل دارد. گاهی با زبان است و گاهی با عمل. شکر واقعی آن است که نعمت ها در راهی مصرف شود که خداوند مقرر نموده است.

هدف اصلی از آفرینش نعمت های طبیعی، بهره بردن مؤمنان است. در سه آیه قبل فرمود: ای مردم! از آنچه در زمین است بخورید. در این آیه می فرماید: ای مؤمنان! از نعمت های دلپسندی که برای شما روزی کرده ام بخورید.

شاید در این اختلاف تعبیر، رمزی باشد و آن اینکه هدف اصلی، رزق‌رسانی به مؤمنان است، ولی دیگر مردم هم در کنار آنها بهره‌می‌برند. همانگونه که هدف اصلی باغبان از آبیاری، رشد گله‌ها و درختان میوه است، گرچه علف‌های هرز و تیغها نیز به نوایی می‌رسند. شاید بتوان گفت که از هرکس توقع خاصی است. از مردم عادی، توقع آن است که پس از خوردن، دنبال گناه و وسوسه‌های شیطان و فساد نروند؛ یا **أَيُّهَا النَّاسُ كُلُّوا ... وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ** ولی از اهل ایمان این توقع است که پس از خوردن، به دنبال عمل صالح و شکرگزاری باشند. یا **أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُّوا ... وَ اشْكُرُوا وَ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُّوا ... وَ اعْمَلُوا صَالِحًا**

پیام‌ها

- ۱- خودسازی و زهد و تقوا، منافاتی با بهره‌گیری از طیبات ندارد **آمَنُوا كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ**
- ۲- در مکتب اسلام، مادیات مقدمه‌ی معنویات است. **كُلُوا، وَ اشْكُرُوا، تَعْبُدُونَ**
- ۳- اسلام در تغذیه، به بهداشت توجه دارد. **طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ**
- ۴- قبل از تأمین زندگی مردم و محبت به آنان، توقعی نداشته باشید **كُلُوا... وَ اشْكُرُوا**
- ۵- شکر، نشانه‌ی خداپرستی و توحید ناب است. اگر انسان رزق را نتیجه فکر اقتصادی، تلاش، مدیریت، سرمایه و اعتبارات خود بداند، برای خداوند سهمی قایل نخواهد بود تا او را شکر کند. **وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ**
- ۶- شکر، نمونه روشن عبادت است. **وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ ... تَعْبُدُونَ**
- ۷- شکر خداوند، واجب است. **كُلُوا ... وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ**
- ۸- خداپرست، آنچه را خدا حلال شمرده، از پیش خود حرام نمی‌کند **كُلُوا ... إِنَّ كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ**

قصاص ما یه ی حیات

۴. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ
وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبَعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ
ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ بقره ۱۷۸

الا اهل باور به پروردگار	که دارید ایمان بر کردگار
چو قتلی دهد روی بهر جزا	چنین است حکم قصاص از خدا
که آزاد کس را به آزاد کس	بود بنده را نیز یک بنده بس
در این حکم، زن را بجای زنی	توانی که چوب قصاصش زنی
به قاتل اگر حکم بخشش گذشت	ولی دم از خون او درگذشت
چه گیرد دیت یا نگیرد از او	چنین بخششی هست خوب و نکو
ولی دم از او اگر دیه خواست	دهد قاتل آن مال بی کم و کاست
دهد آن دیه در کمال رضا	به خشنودی آن را نماید ادا
که این حکم از سوی پروردگار	بود رحمت و سادگی بهر کار
پس از اینکه این حکم گشتی بیان	هرآن کس بپیچید گردن از آن
به قاتل تعدی بدارد روا	عذابی الیم است او را سزا

شان نزول: شیخ طوسی «گوید: این آیه درباره طایفه ای از اهل جاهلیت نازل گردیده که بر طائفه ای دیگر تفوق داشته اند و میخواستند از لحاظ قصاص بر

آن‌ها تعدی و تجاوز نمایند به قسمی که راضی نبودند که در قبال برده ای از خود برده ای از آن‌ها را قصاص کنند.

بلکه می‌خواستند شخص آزادی را از میان آن‌ها قصاص نمایند و در قبال زن، مردی از قبیله طرف مقابل خود را قصاص کنند و خداوند با نزول این آیه آن روش را نهی نمود

نکته ها قصاص « از ریشه «قص» به معنای پیگیری است. لذا به داستان دنباله‌دار و پی در پی «قصه» می‌گویند. پیگیری قتل تا مجازات قاتل را «قصاص» گویند. در هر اجتماعی گاه و بیگاه قتلی صورت می‌گیرد،

يك دين جامع و كامل همانند اسلام، در قبال چنین حوادثی باید طرح و برنامه‌ی عادلانه و منطقی ارائه دهد که بتواند جلوی ازدیاد و تکرار چنین حوادث و همچنین جلوی انتقام‌های نابجا و احیاناً سوءاستفاده‌ها را بگیرد، تا قاتلان، جسور نشوند و خون مظلوم به هدر نرود.

در جاهلیت قبل از اسلام، گاه به خاطر کشته شدن يك نفر، قبیله‌ای به خاك و خون کشیده می‌شد و جنگ‌های طولانی به راه می‌افتاد. اسلام با طرحی که در این آیه مطرح شده، هم حفاظت خون مردم و هم رضایت طرفین و رعایت حدود و اندازه را در نظر گرفته است.

البته قانون قصاص، حکم الهی که قابل عفو و اغماض نباشد، نیست، بلکه حقی است برای صاحبان خون که می‌توانند با گرفتن دیه و یا بدون آن، از حق خود صرف‌نظر کنند.

سؤال: چرا در قانون قصاص، جنسیت مطرح است؟ اگر قاتل مرد و مقتول زن باشد، مرد را قصاص نمی‌کنند؟

پاسخ: قتل زن و مرد، از نظر الهی و انسانی و کیفر اخروی یکسان است، لکن در کیفر دنیوی فرق دارد و این به خاطر آن است که معمولاً مرد نان‌آور خانه و قتل او سبب ضربه اقتصادی به خانواده است و قانون بر اساس نوع است، نه موارد نادر که ممکن است زنی نان‌آور باشد. البته مرد در برابر زن با پرداخت ما به التفاوت دیه، قصاص می‌شود.

پیام‌ها

- ۱- در قانون قصاص، اصول تساوی و عدالت مورد توجه است الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَ...
- ۲- قاطعیت و عطفیت در کنار هم لازم است. فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أُخِيهِ گویا اولیای مقتول، برادر قاتل هستند و قاتل، از مرز اسلام و اخوت بیرون نمی‌رود.
- ۳- حقوق اسلامی، آمیخته با اخلاق اسلامی است كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ ... فَمَنْ عَفِيَ
- ۴- اسلام، نه مانند یهود تنها راه را قصاص می‌داند و نه همچون مسیحیت بهترین راه را عفو، بلکه راههای مختلفی مثل قصاص، خون‌بها و عفو را مطرح می‌کند.
- ۵- جواز عفو قاتل و تبدیل قصاص به گرفتن خون‌بها، برای تربیت شماس است.
- ۶- تجاوز از حدود الهی و سوءاستفاده از آن ممنوع است. فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَيْهِ ... فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۷- اگر در قانونی تخفیف قرار دادید، به آن پا بند بایستید. ذَلِكَ تَخْفِيفٌ ... فَمَنْ اَعْتَدَى

روزه برای همه ی ادیان

۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره ۱۸۳)

الا اهل باور به یکتا خدا شده روزه واجب کنون بر شما

همان سان که بر سایر مؤمنان که بودند زین پیش اندر جهان

بشد واجب این امر از کردگار بود آنکه گردید پرهیزکار

تقوا، به معنای خویشتن داری از گناه است. بیشتر گناهان، از دو ریشه غضب و شهوت سرچشمه می گیرند و روزه، جلوی تندی های این دو غریزه را می گیرد و لذا سبب کاهش فساد و افزایش تقواست. آیاتی که با خطاب یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شروع شده اند، در مدینه نازل شده و جزء آیات مدنی می باشند. فرمان روزه نیز همچون دستور جهاد و پرداخت زکات در سال دوم هجری صادر گردیده است.

آثار و برکات روزه تقوا و خداترسی، در ظاهر و باطن، مهم ترین اثر روزه است. روزه، یگانه عبادت مخفی است. نماز، حج، جهاد، زکات و خمس را مردم می بینند، اما روزه دیدنی نیست. روزه، اراده انسان را تقویت می کند. کسی که يك ماه نان و آب و همسر خود را کنار گذاشت، می تواند نسبت به مال و ناموس دیگران خود را کنترل کند. روزه، باعث تقویت عاطفه است. کسی که يك ماه مزه ی گرسنگی را چشید، درد آشنا می شود و رنج گرسنگان را احساس و درک می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: روزه، نصف صبر است. روزه ی مردمان عادی، همان خودداری از نان و آب و همسر است، اما در روزه خواص علاوه بر اجتناب از مفطرات، اجتناب از گناهان نیز لازم است، و روزه ی خاصّ الخاص

علاوه بر اجتناب از مفطرات و پرهیز از گناهان، خالی بودن دل از غیر خداست. روزه، انسان را شبیه فرشتگان می‌کند، فرشتگانی که از خوردن و آشامیدن و شهوت دورند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: هرکس ماه رمضان را برای خدا روزه بدارد، تمام گناهانش بخشیده می‌شود. چنانکه در حدیث قدسی نیز آمده است که خداوند می‌فرماید: الصوم لی و انا اجزی به روزه برای من است و من آن را پاداش می‌دهم. اهمیت روزه به قدری است که در روایات پاداش بسیاری از عبادات را همچون پاداش روزه دانسته‌اند. هرچند که روزه بر امت‌های پیشین نیز واجب بوده، ولی روزه‌ی ماه رمضان، مخصوص انبیا بوده است و در امت اسلامی، روزه رمضان بر همه واجب شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: برای هر چیز زکاتی است و زکات بدنها، روزه است.

۱- خطاب زیبا، گامی برای تأثیر گذاری پیام است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَدَّتْ خطاب «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» سختی روزه را آسان می‌کند. اگر والدین بخواهند که فرزندشان به سخنانشان گوش دهند، باید آنان را زیبا صدا زنند.

۲- از شیوه‌های تبلیغ آن است که دستورات مشکل، آسان جلوه داده شود. این آیه می‌فرماید: فرمان روزه مختص شما مسلمانان نیست، در امت‌های پیشین نیز این قانون بوده است. و عمل به دستوری که برای همه امت‌ها بوده، آسان‌تر از دستوری است که تنها برای يك گروه باشد. گما كَتَبَ عَلَيَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ

۳- قرآن، فلسفه بعضی احکام همچون روزه را بیان داشته است. زیرا اگر مردم نتیجه‌ی کاری را بدانند، در انجام آن نشاط بیشتری از خود نشان می‌دهند. لَعَلَّكُمْ

تَتَّقُونَ

صلح و آشتی

۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (بقره ۲۰۸)

الا مؤمنان به پروردگار

بگردید تسلیم بر کردگار

ز شیطان مباشید پیرو که او

بود آشکارا شما را عدو

شان نزول: این آیه درباره یهودیانی که مسلمان شده بودند نازل گردید، اینان نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و درخواست کردند که به آنان اجازه داده شود روز شنبه را بزرگ شمارند و تورات را بخوانند و بنا به روش جاهلیت از گوشت و شیر شتر خوردن بپرهیزند.

قرآن، ایجاد رابطه‌ی مسالمت‌آمیز با گروه‌های زیر را مطرح کرده :

۱ - با مشرکان بی آزار. لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَ لَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَ تُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ با کسانی که سرچنگ با شما ندارند و مزاحم وطن شما نیستند، خوشرفتاری کنید.

۲ - با اهل کتاب. قُلْ ... تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ به اهل کتاب بگو: بیاید تا در آنچه ما و شما هم عقیده هستیم، متحد باشیم.

۳ - با دیگر مسلمانان. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً

در چند آیه قبل درباره اجتماع بزرگ سیاسی عبادی حج فرمود: در آنجا فسق و جدال نباشد. پس می‌توان جامعه‌ای بدون فسق و جدال تشکیل داد و چه بهتر که همیشه چنین باشیم و از گام‌های شیطانی که عامل تفرقه است دوری نمائیم.

روایات متعدّد، دخول در سلّم را ورود در تحت رهبری معصوم دانسته‌اند. چنانکه در روایات آمده است: ولایة علی بن ابی طالب حصنی و ناگفته پیداست که دخول در حصن و دژ، دخول در سلّم و سلامتی و آرامش است و چه آرامشی بالاتر از اینکه انسان احساس کند. رهبرش الهی، معصوم، آگاه، دلسوز و پیشگام‌ترین افراد در همه ارزشها و کمالات می‌باشد.

۱ - ورود در فضای سلّم و سلام و تسلیم امکان ندارد، مگر در سایه‌ی ایمان الذین آمنوا

۲ - سلیقه‌ها را کنار گذاشته، تنها تسلیم قانون خدا باشیم. ادخلوا فی السّلم کافّة

۳ - ایجاد صلح، وظیفه‌ی همه مسلمانان است. کافّة

۴ - وسوسه‌های شیطان، انسان را مجبور به گناه نمی‌کند، بلکه انسان قدرت مقابله با شیطان را دارد و به همین دلیل از اطاعت او نهی شده است. لا تتبعوا

۵ - شیطان، گام به گام انسان را منحرف می‌کند. خُطوات

۶ - راههای منحرف کردن شیطان، بسیار است. خُطوات

۷ - شیطان، دشمن صلح و وحدت است و همه‌ی ندهای تفرقه‌انگیز، بلندگوهای شیطانی هستند. ادخلوا فی السّلم کافّة و لا تتبعوا خُطوات الشّیطان



عدم تاخیر در انفاق

۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمْ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره ۲۵۴)

بسازید انفاق زانچه خدا شما مؤمنان را نموده عطا

نمایید انفاق خود پیش از آن که یک روز آید که در یک زمان

نه باشد رفاقت، نه دادوستد نه هرگز شفيعی بدادت رسد

در آن روز فهمند پس کافران چه ظلمی نمودند بر خود گران

نکته در این آیه خداوند اهرم‌هایی را برای تشویق مردم به انفاق بکار برده است، الف: آنچه داری، ما به تو دادیم از خودت نیست. رَزَقْنَاكُمْ

ب: مقداری از آنچه داری کمک کن، نه همه را. مِمَّا

ج: این انفاق برای قیامت تو، از هر دوستی بهتر است. يَأْتِي يَوْمٌ

۱ - قبل از دستور، مردم را با احترام صدا زنیم. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

۲ - استفاده از فرصت‌ها در کارهای خیر، ارزش است. مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِي يَوْمٌ

۳ - محروم کردن امروز، محروم شدن فرداست. اگر امروز انفاق و بخششی صورت نگیرد، فردا هم محبت و دوستی و وساطتی در بین نخواهد بود.

۴ - یاد معاد، عاملی برای تشویق به انفاق است. أَنْفِقُوا ... يَأْتِي يَوْمٌ

۵ - ایجاد روحیه‌ی سخاوت، توجه به دست‌خالی بودن انسان در قیامت است.

۶ - بخل، نشانه‌ی کفران نعمت و کفر به وعده‌های الهی است.

۷ - کفر، نمونه‌ی بارز ظلم است. الْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ

بخشش با منت و آزار

۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

شما! اهل ایمان به من و آذی بقره ۲۶۴ مسازید باطل به خود بر سخا

چو آن کس که می بخشد از مال خود که بر خلق بنماید افعال خود

نه بر قلبش ایمان بذات خداست نه او را یقینی بروز جزاست

وجودش چو سنگی بود صاف [و پاک] که پاشند بر سطح آن [بذر و] خاک

چو باران تند و درشتی بریخت سترون شد و خاک از آن گریخت

کسان را که کردار، این گونه هست [به فرجام] چیزی نماند به دست

خدانشناسان [کفران شعار] نه بنماید ارشادشان کردگار

نکته ها

این آیه نیز تشبیهی را با خود دارد و نمایانگر باطن اشخاصی است که به قصد ریا و تظاهر انفاق می کنند.

ظاهر عمل اینان مانند خاک، نرم ولی باطن آن چون سنگ، سفت است که قابلیت نفوذ ندارد.

بخاطر سفتی، دلهای سنگشان، از انفاق خود بهره ای نمی برند.

پیام ها

- ۱ - منت گذاری و آزار فقیر، پاداش انفاق و صدقات را از بین می برد. لا تُبْطِلُوا
- ۲ - ریا، نشانه عدم ایمان واقعی به پروردگار و قیامت است يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ
وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ
- ۳ - انفاق مهم نیست، انگیزه و روحیه‌ی انفاق کننده مهم است. رِئَاءَ النَّاسِ
- ۴ - اعمال شخص منت گذار، ریاکار و کافر، تباه است.
- ۵ - ریاکار، عاقبت رسوا می شود و حوادث، کاشف حقایق است. فَتَرَكَهُ صَلْدًا
- ۶ - ریاکار نه تنها از پاداش آخرت محروم است، بلکه رشد روحی را نیز کسب
نکرده
- ۷ - منت گذار و ریاکار، در مدار کفر و مورد تهدید است. لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

انفاق از میان بهترین ها

۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ
وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا
أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ بقره ۲۶۷

نمایید انفاق اموال خویش

الا اهل ایمان، نکوتر ز پیش

که از کسب آمد شما را بدست

خود از بهترین چیزهائی که هست

برویاند از خاک بهر شما

نمایید انفاق ز آنچه خدا

نمائید انفاق کاین ناسزد

مبادا از اموال ناچیز و بد

به اکراه افتد شما را پسند

اگرچه که آن چیز، بی چون وچند

بدانید باشد ستوده صفات

خدا بی نیازست حقا به ذات

آیات قبل، شرایط انفاق کننده را مطرح کرد و این آیه شرایط چیزهایی را بیان می کند که به محرومان انفاق می شود.

امام باقر علیه السلام ذیل این آیه فرمودند: بعضی از مسلمانان درآمدهای حرامی مانند ربا داشتند که صرف فقرا می کردند، این آیه آنان را نهی نمود.

۱- هدف از انفاق، رهایی از بخل است، نه رهایی از اشیای بی ارزش و نامطلوب.
أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ

۲- در انفاق، تفاوتی میان پول نقد یا کالا نیست. ما كَسَبْتُمْ ... مِمَّا أَخْرَجْنَا

۳- بخششِ باد آورده‌ها مهم نیست، بلکه بخشش از دست‌رنج، دارای ارزش است

۴- در انفاق باید کرامت محرومان محفوظ بماند. وَ لَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ

۵- نه تنها از چیزهای ناپاک و پست انفاق نکنید، بلکه به فکر آن نیز نیفتید وَ لَا تَيَمَّمُوا

۶- وجدان انسان، بهترین معیار برای شناخت پسندیده و ناپسند است.

هر آنچه را می‌پسندی که به تو انفاق کنند، شایسته است که انفاق کنی و اگر آنرا دوست نمی‌داری، شایسته‌ی انفاق نیست. لَسْتُمْ بِأَخِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا

۷- هر فرد ثروتمندی احتمال فقیر شدن خود را بدهد، شاید روزی دستِ دهنده شما، دستِ گیرنده شد. آخِذِيهِ

۸- گرفتن مال نامرغوب، نشانه رضایت فقرا نیست، بلکه نشانه‌ی استیصال آنان است.

«تغمضوا» یعنی شما هم با اغماض و سختی ممکن است چیزی را بگیرید، ولی این نشانه‌ی رضایت شما نیست.

۹- اثر انفاق به خود شما بر می‌گردد، وگرنه خدا غنی و بی‌نیاز است غَنِيٌّ حَمِيدٌ

۱۰- غنای الهی همراه با کمالات و محبوبیت است. غَنِيٌّ حَمِيدٌ

رهایی از رباخواری

۱۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

الا اهل ایمان ز پروردگار (بقره ۲۷۸) بترسید و باشید پرهیزگار

مگیرید هرگز ربائی ز مال چو دارید ایمان به آن ذوالجلال

در آیات قبل به مفسد ربا اشاره شد که ربا فرد و جامعه را از تعادل خارج و آشفته می کند؛ يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ و روشن شد که ربا در حقیقت کم شدن است، نه زیاد شدن؛ يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا اکنون نهی از ربا را صریحاً بیان می کند. ذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا وقتی آیه تحریم ربا نازل شد، برخی از صحابه همانند خالد بن ولید، عباس و عثمان، از مردم مقداری طلب از بابت ربا داشتند، آنها در مورد طلبکاری خود، از پیامبر صلی الله علیه و آله کسب تکلیف کردند و آیه نازل شد. پیامبر بعد از نزول این آیه فرمود: عباس، عموی من نیز حق مطالبه ربا ندارد و قبل از همه، باید خویشان من دست از ربا بردارند. همچنان که در طی خطبه ای فرمود: و کل ربا فی الجاهلیة موضوع تحت قدمی هاتین و اول ربا اضع ربا العباس تمام رباهای مقرر در دوره جاهلیت را زیر پای می اندازم و از همه پیشتر رباهایی که برای عباس است.

۱ - رباخواری، از عادات زمان جاهلیت بود که مسلمانان نیز به آن آلوده بودند.

۲ - تقوا، مرحله بالاتری از ایمان است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

۳ - رباخوار، مالک بهره نمی شود و اسلام سود ربوی را به رسمیت نمی شناسد

۴ - لازمه ی ایمان و تقوا، صرف نظر کردن از مال حرام است. إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

املاء معامله همراه شاهد حتی با نزدیکان

۱۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلَا يَمْلِكِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسَ مِنْهُ شَيْئًا.....

پس ای مؤمنان چون کسی از عباد	به وقتی معین به کس وام داد
بباید که متن فروش و قرار	نویسد نویسنده ای راستکار
نباید کند از نوشتن ابا	که آموخت او را نوشتن خدا
چو آنها نوشتند متن قرار	به امضاء کشاند سند، قرض دار
بباید بترسد ز یزدان خویش	نگیرد همی راه نیرنگ پیش
از آنچه که اندر سند گشت یاد	نه چیزی بکاهد، نه سازد زیاد
چو مدیون، سفیهست یا طفل خرد	نباید به امضاء زدن دست بُرد
بباید ولیش به انصاف و داد	تعهد پذیرد بدور از عناد
بباید بر این شیوه و وصف حال	بگردند شاهد دو تن از رجال
دو مرد ار نباشند در دسترس	دو زن با یکی مرد هستند بس
ز هرکس رضایند هر دو طرف	بگیرند شاهد برای هدف
که گر يك نفر را ز خاطر رود	دگر کس شهادت به یادش بود
شهود ار بخوانند بهر گواه	همی حاضر آیند در جایگاه
تجارت چه کوچک بود یا کبیر	چه باشد بزرگ و چه باشد صغیر

نویسید تاریخ آن را درست	درین کار هرگز نگردید سست
بود بهتر، این کار نزد اله	برای شهادت برای گواه
مبادا که آید گمانی به پیش	که راه جدل را بگیری پیش
تجارت اگر نقد و حاضر بود	که خود وجه آن نقد حاصل شود
اگر نانوشتید دادوستد	شما را گنه نیست ز آنچه رسد
به هر حال شاهد بگیری چند	که بر هر تجارت گواهی دهند
نباید نویسندگان و شهود	بمانند بی اجر در آنچه بود
اگر خود نکردید این گونه کار	نبردید فرمان پروردگار
بترسید از قهر یکتا خدا	نتابید صورت از آن کبریا
بلی هرچه دانی و داری به یاد	یکایک خداوند تعلیم داد
که داناست ایزد به کل وجود	به آینده و حال و بر هرچه بود

بزرگترین آیه‌ی قرآن، این آیه است که درباره‌ی مسائل حقوقی و نحوه‌ی تنظیم اسناد تجاری می‌باشد. این آیه نشانه‌ی دقت نظر و جامعیت اسلام است که در دوره جاهلیت و در میان مردمی عقب افتاده، دقیق‌ترین مسائل حقوقی را طرح کرده است.

کلمه «تداینتم» از «دین» به معنای بدهی، شامل هرگونه معامله غیر نقدی، وام و خرید سلف می‌شود. در حدیث: اگر کسی در معامله سند و شاهد نگیرد و مالش در معرض تلف قرار گیرد، هرچه دعا کند، خداوند مستجاب نمی‌کند و می‌فرماید: چرا به سفارشات من عمل نکردی؟! اگر دقت در حفظ حقوق فردی ضروری است، حفظ بیت‌المال بمراتب ضروری‌تر است!

تنظیم سند، حتی در معاملات نقدی مفید است، ولی ضرورت آن به اندازه‌ی معاملات نسبه نیست. چون در معاملات موعده‌دار، ممکن است طرفهای معامله و یا شاهدان از دنیا بروند یا فراموش کنند،

بنابراین لازم است نوشته هم بشود. از فرمان نوشتن، معلوم می‌شود که اسناد تنظیم شده‌ای که همراه با گواهی عادل باشد، قابل استشهاد است.

از این آیه استفاده می‌شود که جامعه اسلامی باید یکدیگر را در حفظ حقوق حمایت کنند. زیرا هر معامله‌ای، نیاز به کاتب و چند شاهد دارد.

در زمانی که در تمام جزیره العرب به گفته مورخان، ۱۷ باسواد بیشتر نبوده، این همه سخن از نوشتن، نشانه‌ی توجه اسلام به علم و حفظ حقوق است.

۱- ایمان، بستر و مقدمه عمل به احکام، و خطاب؛ «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» تشویقی برای عمل به احکام است.

۲- مدّت بدهکاری، باید روشن باشد. إِلَى أَجَلٍ مُّسَمًّى

۳- برای حفظ اعتماد و خوش‌بینی به همدیگر و آرامش روحی طرفین و جلوگیری از فراموشی، انکار و سوءظنّ، باید بدهی‌ها نوشته شود. فَالْكَتُوبَةُ

۴- برای اطمینان و حفظ قرارداد از دخل و تصرف احتمالی طرفین، سند باید با حضور طرفین و توسط شخص سوّمی نوشته شود. وَ لِيَكْتُبَ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ

۵- نویسنده‌ی قرار داد، حقّ را در نظر گرفته و عین واقع را بنویسد. «بِالْعَدْلِ» شرط‌گزینش نویسنده‌ی اسناد، داشتن عدالت در قلم است.

۶- به شکرانه سواد و علمی که خداوند به ما داده است، کارگشایی کنیم. وَ لَا يَأْتِ

۷- اهل هر فن و حرفه‌ای مسئولیت ویژه دارد، کسی که قلم دارد باید برای مردم بنویسد. وَ لَا يَأْتِ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ

۸- باید بدهکار که حق بر ذمه اوست، متن قرار داد را بگوید و کاتب بنویسد، نه آنچه را بستانکار ادعا نماید. وَ لِيُؤْمِلَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

۹- اقرار انسان علیه خودش، قابل قبول است. وَ لِيُؤْمِلَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

۱۰- بدهکار، هنگام املاي قرارداد باید خدا را در نظر بگیرد و چیزی را فروگذار نکند و تمام خصوصیات بدهی را بگوید. وَ لِيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ

۱۱- تدوین قانون باید به گونه‌ای باشد که حق ناتوان ضایع نشود. اگر بدهکار، سفیه یا ضعیف و ناتوان و یا گنگ و لال بود، سرپرست و ولی او متن قرارداد را بگوید و کاتب بنویسد. فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا ... فَلِيُؤْمِلَ وَلِيُّهُ

۱۲- سفیهان و ناتوانان در مناسبات اجتماعی، نیازمند ولی هستند. فَلِيُؤْمِلَ وَلِيُّهُ

۱۳- توجه به حقوق طبقه محروم و اقشار ضعیف، از سوی مسئولان و سرپرستان لازم است. «فَلِيُؤْمِلَ» صیغه امر نشانه لزوم این کار است.

۱۴- مردان، در گواه شدن و گواهی دادن بر زنان مقدم می‌باشند. شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ

۱۵- گواهان باید عادل و مورد اطمینان و رضایت طرفین باشند. مِمَّنْ تَرْضَوْنَ

۱۶- هر کدام از مردها به تنهایی می‌توانند شاهد باشند، ولی اگر شاهد يك مرد و دوزن بود، آن دوزن به اتفاق هم ادای شهادت کنند. تا اگر یکی لغزش یا اشتباه کرد، نفر دوّم یادآوری کند. فَتُدَكَّرُ إِحْدَاهُمَا

دوزن به جای يك مرد در گواهی، یا به خاطر روحیه‌ی ظریف و عاطفی آنهاست و یا به جهت آن است که معمولاً زنان در مسائل بازار و اقتصاد حضور فعال ندارند و آشنایی آنها با نحوه‌ی معاملات کمتر است.

۱۷- اگر برای شاهد گرفتن از شما دعوت کردند، خودداری نکنید، گرچه گواه شدن بدون دعوت واجب نیست. وَ لَا يَأْتِي الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا

۱۸- مبلغ قرارداد مهم نیست، حفظ اطمینان و حقّ الناس مهم است.

۱۹- ثبتِ سند به صورت دقیق و عادلانه سه فایده دارد:

الف: ضامن اجرای عدالت است. أَقْسَطُ

ب: موجب جرأت گواهان بر شهادت دادن است. أَقْوَمُ

ج: مانع ایجاد بدبینی در جامعه است. أَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا

۲۰- اگر فایده و اسرار احکام برای مردم گفته شود، پذیرفتن آن آسان می‌شود ذلِكُمْ أَقْسَطُ

۲۱- معطل شدن امروز برای نوشتن قرارداد، بهتر از فتنه و اختلاف فرداست أَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا

۲۲- در معاملات نقدی، لزومی به نوشتن نیست. إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً

۲۳- در معاملات نقدی، اگرچه نوشتن لازم نیست، ولی شاهد بگیرید و اَشْهَدُوا
إِذَا تَبَايَعْتُمْ

۲۴- کاتب و شاهد در امان هستند و نباید به خاطر حق نوشتن و حق گفتن مورد
آزار و اذیت یکی از طرفین قرار گیرند. لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ

۲۵- اگر ادای شهادت و یا نوشتن قرارداد، نیازمند زمان یا تحمل زحمتی بود، باید
شاهد و کاتب به نحوی تأمین مالی شوند وگرنه هر دو ضرر خواهند کرد و لَا يُضَارَّ
كَاتِبٌ

۲۶- کاتب و شاهد حق ندارند سند را به گونه‌ای تنظیم کنند که به یکی از طرفین
ضرری وارد شود. لَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ

۲۷- هرگونه خدشه در سند، از هرکس که باشد، فسق و گناه است. فَإِنَّهُ فُسُوقٌ

۲۸- کاتب و شاهد، مرزبان حقوق مردم هستند و شکستن مرزها همان خروج از
مرز و فسق است. فَإِنَّهُ فُسُوقٌ

۲۹- قلب پاک و با تقوا، همچون آینه علوم و حقایق را می‌گیرد. وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ
يُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ

۳۰- خداوند تمام نیازهای مادی و معنوی شما را می‌داند و بر اساس آن، احکام
و قوانین را برای شما بیان می‌کند.

قانون گذار باید آگاهی عمیق و گسترده داشته باشد.

عدم اطاعت از بیگانه

۱۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا فَرِيقًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ آل عمران ۱۰۰)

الا مسلمین به اسلام ناب

اگر ره بجوید از اهل کتاب

شما را پس از اعتقاد به رب

کشاند بر راه کفر و شغب

یکی از یهودیان وقتی صفا و صمیمیت مسلمانان مدینه به خصوص دو قبیله اوس و خزرج را دید بسیار ناراحت شد و با خود گفت: این دو قبیله روزگاری با هم جنگ می کردند، ولی حالا در سایه رهبری و مدیریت محمد صلی الله علیه و آله در کنار هم با صلح و صفا زندگی می کنند، اگر این وضع ادامه داشته باشد، کیان یهود در خطر است. او با برنامه ریزی، گروهی را با خود همراه و جوانی را در میان مسلمانان مأمور کرد تا با یادآوری خاطرات درگیری های بُغاث (محلّی که بین دو قبیله جنگ واقع شده بود) آنان را تحریک کند. نزدیک بود که نزاع و درگیری سختی شعله ور شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن دعوت به آرامش، به آنان هشدار داد و آنها را از توطئه های دشمن باخبر ساخت. آنها سلاح را بر زمین گذاشته، و از عمل خود پشیمان شدند. به گفته ی مفسران، در این حادثه این آیه و دو آیه ی قبل نازل شد که متضمّن توبیخ و سرزنش اهل کتاب و هشدار به مسلمانان است.

- ۱ - پیروی از دانشمندان منحرف اهل کتاب سبب ارتداد است إِنَّ تَطِيعُوا فَرِيقًا ...
- ۲ - عمل، در عقیده اثر می گذارد. اطاعت از منحرفان، سر از انحراف در می آورد.
- ۳ - چون اطاعت از کفار منجر به کفر می شود، پس برائت از آنان لازم است.
- ۴ - نتیجه پیروی از بیگانگان، کفر و بدعابتی است. يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

تقوی بالاتر از ایمان

۱۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

الا مؤمنان به پروردگار آل عمران ۱۰۲ بترسید از قدرت کردگار

هراسی که در شأن یکتا خداست که شایسته ذات آن کبریاست

مبادا ببندید رخت از جهان مگر آنکه باشید از مُسْلِمَان

شأن نزول :

مقاتل حیان چنین روایت کند که میان دو طائفه اوس و خزرج در زمان جاهلیت اغلب جنگ و نزاع می بود. وقتی که مسلمان شدند به نعمت اسلام به صلح و صفا گرائیدند تا این که میان دو نفر آنان تفاخر و مفاخره پیش آمد. آن دو نفر ثعلبة بن غنم از اوس و سعد بن زرارة از خزرج بود.

ثعلبة گفت: خزیمة بن ثابت که ذوالشهادتین بود از ماست و حنظلة غسیل الملائكة از ما است و سعد بن معاذ که به خاطر او عرش رحمن به لرزه در آمد نیز از ماست همچنین عاصم بن ثابت سردار لشکر اسلام از ما است.

اسعد بن زرارة در جواب گفت: چهار تن از بزرگان صحابه که حافظین قرآن بوده و اسامی آنها بدین شرح است: ابی بن کعب، معاذ بن جبل، زید بن ثابت و ابوزید از ماست و نیز سعد بن عبادة که خطیب و رئیس انصار است از ماست.

آن گاه سخن به درازا کشید و درشت گفتاری پدید آمد، نزدیک بود کار به نزاع و خصومت کشانیده شود. خبر به رسول خدا دادند.

پیامبر سوار بر استری شد و نزد آنان آمد و این آیات درباره آنها نازل گردید.

نکته ها

هر کمالی مثل ایمان، علم و تقوا، دارای مراحل است. مرحله‌ی ابتدایی و مراحل بالاتر، تا مرحله کمال مطلق. در قرآن می‌خوانیم: «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» خدایا! دانش مرا زیاد کن.

و یا در دعای مکارم الاخلاق می‌خوانیم: «بَلِّغْ بایمانی أَكْمَلَ الْإِيْمَانِ» خداوندا! ایمان مرا به کمال برسان. در این آیه نیز می‌خوانیم: «اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ» عالی‌ترین درجه‌ی تقوا را پیشه کنید.

پیام ها

- ۱- مؤمن، هر روز باید مرحله‌ی بالاتری را بییماید. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
- ۲- تقوای واقعی، در سایه ایمان به مبدأ و معاد است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
- ۳- تقوا، رمز حسن عاقبت است. اتَّقُوا اللَّهَ ... تَمُوتُنَّ ... مُسْلِمُونَ
- ۴- ایمان آوردن کافی نیست، با ایمان ماندن لازم است. پایان کار از شروع آن مهم‌تر است. لا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
- ۵- اسلام، نه تنها چگونه زیستن را به ما می‌آموزد، بلکه چگونه مردن را نیز به ما آموزش می‌دهد. لا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
- ۶- انسان در سرنوشت و عاقبت خود نقش دارد. لا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ
- ۷- اسلام، هم به کیفیت تقوا توجه دارد و هم به تداوم آن تا پایان عمر. اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ وَ لا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

اعتماد نکردن به غیر خودی

۱۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ آل عمران ۱۱۸

پس ای مؤمنان غیر هم دین خویش	مگیرید یار صمیمی و خویش
که آنها که هستند اهل عناد	ندارند کوتاهی از هر فساد
بخواهند آنان که دائم شما	بمانید در محنت و در بلا
بگویند ما با شما دشمنیم	چنین گفته را آشکارا زنیم
ولی آنچه دارند در دل نهان	بود بیشتر ز آنچه شد بر زبان
بکردیم آیات خود را عیان	خردمند عبرت بگیرد از آن

شأن نزول: از عبدالله بن عباس روایت کنند که بعضی از مسلمین با یهودیان قرابتی از لحاظ دوستی و خویشاوندی و همسایگی و شیرخوارگی داشتند و با این کیفیت با آنها نشست و برخاست زیادی می نمودند، این آیه در این باره نازل گردید. هم چنین عده ای از مؤمنین با منافقین دوستی و مخالطت داشتند با نزول این آیه از معاشرت و دوستی با آنها بازداشتند شدند، و نیز گویند که درباره یهودیان نازل شده است.

۱ - بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار ندهیم. «لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ» وجود مستشاران خارجی در کشورهای اسلامی، ممنوع است.

۲ - رازداری، يك وظیفه‌ی قطعی است. لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ

- ۳- هر مسلمانی هم که مصداق «دُونِکُمْ» باشد، نباید محرم اسرار قرار گیرد، زیرا در میان مسلمانان نیز افراد فتنه‌جو و جاسوس، کم نیستند. لا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً
- ۴- ملاک دوستی و روابط صمیمانه‌ی مسلمانان با سایر جوامع باید ایمان باشد
- ۵- دشمن در ضربه زدن به فکر و اندیشه کوتاهی نمی‌کند. لایَالُونُکُمْ خَبَالًا
- ۶- دشمنان با شگردهای گوناگون با ما برخورد می‌کنند: فساد. لا یَالُونُکُمْ خَبَالًا فشار. وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ نَفَاقًا. ما تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ
- ۷- دشمنان خود را بشناسید و هشیار باشید، آنان ذره‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کنند. لا یَالُونُکُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ.
- ۸- اوامر و نواهی الهی، دلیل و فلسفه دارد. اگر شما را از روابط صمیمانه با دشمنان نهی می‌کند، بخاطر آن است که آنان در توطئه علیه شما کوتاهی نمی‌کنند. لا تَتَّخِذُوا
- ۹- از کوزه همان برون تراود که در اوست. از دشمن انتظاری جز بغض و کینه؟
- ۱۰- دشمنان خود را از تبلیغات آنان بشناسید. قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ
- ۱۱- روابط صمیمی با دشمن توطئه‌گر، نشانه‌ی بی‌عقلی است. برخورد صمیمانه، با افراد بی‌صفا، کم عقلی است. ما تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ ... إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ
- ۱۲- خدا به درون همه آگاه است و نقشه‌های دشمنان اسلام را افشا می‌کند
- ۱۳- دشمنان شما منافق هستند، ظاهر و باطنشان یکی نیست. ما تُخْفِي صُدُورُهُمْ
- ۱۴- خداوند با معرفتی روحیات دشمن، با شما اتمام حجت کرده است.
- ۱۵- مؤمن بودن مسأله‌ای و عاقل بودن مسأله دیگر، کفار را محرم اسرار خود قرار ندهید.

نهی از رباخواری

۱۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

الا ای پرستندگان خدا آل عمران ۱۳۰ نگرید هرگز به گرد ربا

که افزون نماید بر مال، سود که چندین برابر شود ز آنچه بود

بترسید پیوسته از کردگار امید است گردید خود رستگار

شان نزول: طوائف در جاهلیت تا مدت معینی به یکدیگر قرض می دادند سپس وقتی که مدت مزبور منقضی می شد و مدیون نمی توانست قرض خویش را بپردازد هم مقدار پرداخت قرض را زیاد می کردند و هم مدت اجل دین را بیشتر می نمودند سپس این آیه نازل گردید. این آیه همراه با هشت آیه بعد که در میان آیات جنگ احد قرار گرفته. شاید به این جهت باشد که مسائل اخلاقی و اقتصادی، در يك نظام دفاعی مؤثر است. جامعه ای که افرادش اهل اخلاص و ایثار و سبقت در کارهای خیر، و اطاعت از رهبر باشند، در جنگ هم موفق خواهند بود، ولی جامعه ای پول پرست و بخیل و نافرمان و مصرّ بر ارتکاب گناه، به یقین شکست خواهد خورد. آیات تحریم ربا، در چند مرحله و به صورت تدریجی نازل شده: گام اوّل، انتقاد از رباخواری یهود: وَ أَخَذِهِمُ الرِّبَا وَ قَدْ نُهِوا عَنْهُ گام دوم، منع از ربای چندین برابر و گام سوم، تحریم و به منزله ی جنگ با خدا معرفّی شده. ایمان، زیر بنای عمل به دستورات است. - قبل از تحریم ربا، نمونه های زشت و برجسته آن تحریم شد. - رعایت تقوا در مسائل اقتصادی بشدّت لازم است. رستگاری با رباخواری بدست نمی آید، بلکه با تقوا حاصل می شود. - رباخوار، نه در دنیا رستگارست، و نه در آخرت. (به خاطر گرفتاری به قهر خدا).

نتیجه ی اطاعت از کافران

۱۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

الا مؤمنان به یکتا خدا آل عمران ۱۴۹ که گردن نهادید بر کبریا

گر از قوم کافر اطاعت کنید به گفتار آنها عنایت کنید

شما را از اسلام بار دگر کشانند بر سوی کفر و شرر

پس آنکه چو این امر آمد وجود شما هم زیانکار خواهید بود

شأن نزول: از امام علی علیه السلام روایت شده: این آیه درباره منافقین نازل گردیده که در روز غزوه احد به مؤمنین گفته بودند، فرار کنید و به طرف برادران خود بروید و به دین و آئین سابق خود برگردید. سردسته‌ی منافقان عبدالله بن ابی فریاد زد: به برادران مشرک ملحق شوید و همان بت پرستی را ادامه دهید.

۱- خطر ارتداد و انحراف در کمین مؤمنان است. آمَنُوا ... يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ

۲- در فراز و نشیب‌ها، مراقب تبلیغات و وسوسه‌های دشمن باشید، مبادا کم کم به آنان گرایش پیدا کنید. إِنَّ تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا

۳- کفر پس از ایمان، ارتجاع و سقوط است. عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ... خَاسِرِينَ

۴- خسارت واقعی، به هدر دادن سرمایه‌های ایمانی، فکری و روحی است، از دست دادن بهشت و گرفتن دوزخ است. فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

۵- شکست در میدان جنگ خسارت نیست، شکست اعتقادی و ارتداد، خسارتی بس بزرگ است. فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ. - از آنجا که دنیای کافران ظاهری رنگین دارد و جذاب است، انحراف راحت است.

حسرت بردن به شهدا نه دلسوزی

۱۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًى لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ آل عمران ۱۵۶

نباشید چون کافران پلید

الا مؤمنان ای گروه سعید

بگفتند این گفته ها و سخن

همان کافرانی که با خویشان

نرفته بُدندی به جنگ و سفر

که اخوان و خویشان ما خود اگر

نخوابیده بودند در زیر خاک

نگردیده بودند اکنون هلاک

کند حسرت قلب آنها اله

چنین آرزوهای خام و تباه

هرآنگاه خواهد بیارد ممات

خداوند باشد، که بخشد حیات

بداند همه رازهای ضمیر

به هرچه نمایند باشد بصیر

۱ - دشمن پس از پایان جنگ، دست به شایعات دلسرد کننده می زند. «لَوْ كَانُوا

عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَ مَا قُتِلُوا» اگر مجاهدان نزد ما می ماندند کشته نمی شدند.

۲ - دشمن در لباس دلسوزی و حسرت، سمپاشی می کند. لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا .

۳ - کسی که زندگی مادی هدف اوست، شهادت را خسارت می داند ما... اَوْ مَا قُتِلُوا

۴ - منافق، کافرست، گویندگان سخنان منافقان بودند، ولی قرآن گَالَّذِينَ كَفَرُوا یاد می کند

۵ - مرگ و حیات، از مقدرات الهی است، نه آنکه مربوط به جنگ و سفر باشد

۶ - تقویت ایمان به مقدرات الهی، موجب استقامت و حضور در میادین جهاد

و برطرف شدن ترس و هراس می شود. وَ اللَّهُ يُحْيِي وَ يُمِيتُ

استقامت در سختی ها و دفاع

۱۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

پس ای اهل ایمان نمایید صبر آل عمران ۲۰۰ بمانید خود استوار و ستبر

سفارش نمایید بر همدگر که با بردباری بیاید ظفر

بمانید خود مرزداران خویش مبادا زیانی رسانند پیش

همیشه بترسید از کردگار بود آنکه گردید خود رستگار

این آیه همچون دیگر آیات سوره آل عمران در مدینه بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل گردیده است

شأن نزول: محمد بن ابراهیم النعمانی بعد از هفت واسطه از امام محمدباقر علیه السلام و ایشان از پدر بزرگوارش امام علی بن الحسین علیه السلام روایت کند که عبدالله بن عباس کسی نزد امام فرستاد تا درباره این آیه از او سؤال کند. امام زین العابدین علیه السلام در خشم شد و به شخص سائل فرمود: خیلی میل داشتم با آن کسی که تو را به این منظور فرستاده مواجه می شدم تا به خودش می گفتم.

سپس فرمود: این آیه درباره ما اهل البیت علیهم السلام و پدرم نازل شده است و از این به بعد دشمنی که باید از او خویشتن را محفوظ بداریم جز از نسل او نمی تواند باشد.

(منظور امام خلفاء بنی عباس بوده اند که از نسل عبدالله بن عباس بوده و نسبت به آل محمد و ائمه اطهار علیهم السلام دشمنی فراوان ابراز داشتند)

حسین بن مساعد از طریق مخالفین نقل و روایت کند که این آیه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و امام علی مرتضی علیه السلام و حمزه سیدالشهداء رضی الله عنه نازل گردیده است

این آیه، در چند مرحله به صبر در برابر انواع حوادث و مصائب توصیه می‌کند؛ در برابر ناگواری‌های شخصی و هوسها صبر کنید. اصبروا

در برابر فشارهای کفار، مقاومت بیشتر کنید. صابروا

در حفظ مرزهای جغرافیایی از هجوم دشمن، حفظ مرزهای اعتقادی و فکری، از طریق مباحث علمی و حفظ مرز دلها، از هجوم وسوسه‌ها بکوشید. رابطوا

کلمه‌ی «رابطوا» از ریشه‌ی «رباط» به معنای بستن چیزی در مکانی است. به کاروانسرا نیز به این دلیل رُباط می‌گویند که کاروانها در آنجا اتراق کرده و مال‌التجاره و اسب و شترها را در آنجا نگه می‌دارند.

همچنین به قلبی که محکم و بسته به لطف خدا باشد، رُباط گفته می‌شود.

کلمات «ارتباط»، «مربوط» و «رباط» ریشه‌ی واحدی دارند.

در روایات، «رابطوا» به معنای انتظار اقامه‌ی نماز آمده است.

گویا مسلمانان دل و جان خود را با پیوندی که در نماز ایجاد می‌کنند، محکم می‌سازند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اصبروا علی الفرائض در برابر واجبات صبر کنید.

صابروا علی المصائب در برابر مشکلات صبر کنید .

و رابطوا علی الائمه از پیشوایان خود دفاع کنید .

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: اصابروا علی الصلوات الخمس و صابروا

علی قتال عدوکم بالسيف . و رابطوا فی سبیل الله لعلکم تفلحون

بر نمازهای شبانه روزی پایداری کنید و در جهاد با دشمن، فعال و در راه خدا با

یکدیگر هماهنگ باشید تا رستگار شوید.

۱- در سایه‌ی ایمان، به کمالات می‌رسید. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صَابِرُوا ...

۲- تا در مشکلات فردی صابر نباشید، نمی‌توانید در برابر دشمنان دین مقاومت

کنید. ابتدا «اصْبِرُوا» سپس صَابِرُوا

۳- از دیگران عقب نمانید، اگر کفار در کفر خود مقاومت می‌کنند، کشته می‌دهند

و مال خرج می‌کنند، شما نیز در راه خدا با جان و مال پایداری کنید. صَابِرُوا

۴- مسلمانان باید مشکلات یکدیگر را تحمل کنند و یکدیگر را به صبر سفارش

کنند.

۵- اسلام، دین ارتباط است. ارتباط با مردم و خدا و پیامبران. رابطوا

۶- صبر و مصابره و مرابطه باید جهت‌دار باشد و در مسیر تقوا و رضای الهی قرار

گیرد، وگرنه کفار هم این امور را دارند. صَابِرُوا وَ رَابِطُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ

۷- اسلام دین جامعی است، صبر و تقوا در کنار توجه به مرزها بیان شده است

۸- تقوا، مرتبه‌ای بالاتر از ایمان است. صبر، زمینه‌ی رسیدن به سعادت و پیروزی

است. لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

همسری ارث کسی نیست

۱۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرِهًا وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيَّنَةٍ وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا (نساء ۱۹)

الا مؤمنان به یکتا خدا چنین کار هرگز نباشد روا

که وارث، زن مرده را هم، بزور کشاند به عقد خودش در حضور

(که در جاهلیت عربهای خام چنین می نمودند طی مرام)

مبادا به زنها بگیری سخت نمایندشان تیره ایام و بخت

کز آنچه که خود مهرشان کرده اید بر آنها معین بفرموده اید

از آنها ستانید با جور و زور که این هست از نیکمردی بدور

مگر آنکه زیشان شود آشکار که سر زد از آنها، نشایسته کار

نمایید رفتار با عدل و داد به خلق خوشی کان پسندیده باد

چو مقبول طبع شما نیستند چو در پیش و نزد شما زیستند

(مبادا کراحت کنید آشکار بگیری خود حالت انزجار)

چه بسیار چیزی شمارید بد ولی حق، در آن خیرها می نهد

شان نزول: «شیخ طوسی» گویند: این آیه درباره ابوقیس بن سلت نازل گردید، وقتی که وفات یافت پسرش خواست زوجه پدر خویش دختر معن بن عاصم (البته مادر او نبوده است) به عقد خویش درآورد.

کبشه نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت و گفت: یا رسول الله، نه از شوهرم چیزی به ارث بردم و نه مرا رها می‌نمایند که شوهر دیگری اختیار کنم.

این موضوع را امام محمدباقر علیه‌السلام و دیگران نیز روایت کرده اند

نکته ها بر خلاف سنّت جاهلیّت، که گاهی زن نیز به ارث برده می‌شد، ممکن است آیه اشاره به این باشد که تنها اموال قابل ارث است و همسر متوفی، ارث کسی نیست. او خودش می‌تواند بعد از فوت شوهرش، همسری انتخاب کند.

پیام ها

- ۱- اسلام، مدافع حقوق زن است. لا یَجِلُّ لَکُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ کَرِهًا
- ۲- باز پس گرفتن مهریه با زور و اجبار، حرام است. لا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ
- ۳- تنها در صورتی که زن در معرض بی‌عفتی باشد، مرد حقّ سخت‌گیری دارد.
- ۴- با زنان باید خوش رفتاری کرد. عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ
- ۵- مرد، سنگ زیرین آسیای زندگی است و باید با خوشرفتاری، بر سختی‌ها شکبیا باشد. (خطاب آیه به مرد است.) لا تَعْضُلُوهُنَّ ... عَاشِرُوهُنَّ
- ۶- بسیاری از خیرات، در لابلای ناگواری‌های زندگی است. یَجْعَلِ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا
- ۷- حلّ مشکلات خانواده و داشتن حلم و حوصله، برای سعادت فرزندان، بهتر از جدایی و طلاق است. فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا
- ۸- همیشه خیر و شرّ ما همراه با تمایلات ما نیست، چه بسا چیزی را ناخوشایند داریم، ولی خداوند خیر زیاد در آن قرار داده باشد. زیرا انسان به همه‌ی مصالح خویش آگاه نیست. فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا ... فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

حرام خواری ممنوع

۲۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا نساء ۲۹

چو ایمان به دلهایتان بردمید

نه اموال هم را به ناحق خورید

مگر با تجارت ز روی رضا

شود سود و نفعی نصیب شما

مبادا که ای مؤمنان به دین

بریزید خود خون هم بر زمین

همانا که یزدان بود مهربان

رحیم است بر بندگان هر زمان

(نخواهد که با قتل و ظلم و فساد

شود پُر ز ظلمت سراسر بلاد)

شأن نزول: اسباط بن سالم گوید نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم مردی از امام راجع به این آیه سؤال کرد، فرمود منظور از نهی در آیه و نخوردن اموال از روی باطل همان قمار است.

و لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ روایت مرفوعاً نقل گردیده که مرد مسلمان به تنهایی به مشرکین حمله میکرد و در این حمله یا کشته میشد و یا می کشت و این آیه در این باره نازل گردید تا بدون دستور و اجازه پیامبر کاری انجام ندهند

نکته ها رمز اینکه نهی از قتل، «لَا تَقْتُلُوا» بدنبال نهی از حرام خوری، «لَا تَأْكُلُوا» آمده است، شاید آن باشد که سیستم اقتصادی ناسالم، زمینه‌ی قیام محرومان علیه زر اندوزان و بروز درگیری‌ها و پیدایش قتل و هلاکت جامعه است.

امام صادق علیه السلام به هنگام تلاوت این آیه فرمود: کسی که قرض بگیرد و بداند که نمی‌تواند بازپرداخت کند، مال باطل خورده است.

امام باقر علیه السلام در ذیل آیه فرمود: ربا، قمار، کم‌فروشی و ظلم از مصادیق باطل است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره وضو و غسل با آب سرد، آنجا که خطر جانی دارد فرمود: **وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا.**

امام صادق علیه السلام فرمود: اگر مسلمانی به تنهایی وارد منطقه‌ی کفار شد و کشته شد، خودکشی کرده است.

کشتن رهبران معصوم یکی از مصادیق خودکشی و به هلاکت انداختن جامعه است، امام صادق علیه السلام درباره‌ی **لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ** فرمودند: یعنی اهل بیت پیامبر خود را نکشید.

۱- مالکیت فردی محترم است و تصرف در اموال دیگران، جز از راه معاملات

صحیح و بر اساس رضایت، حرام است. **لَا تَأْكُلُوا ... إِلَّا ... تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ**

۲- جامعه، دارای روح واحد و سرنوشت مشترک است. اموال دیگران را همچون اموال خودتان محترم بدانید. **أَمْوَالِكُمْ بَيْنَكُمْ**

۳- هر نوع تصرفی که بر مبنای «حق» نباشد، ممنوع است. **لَا تَأْكُلُوا ... بِالْبَاطِلِ**

۴- داد و ستدها باید با رضایت طرفین باشد، نه با اجبار و اکراه. **عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ**

۵- جان انسان محترم است، لذا خودکشی و یا دیگرکشی حرام است. **لَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ**

۶- احکام و مقررات اسلام پرتوی از رحمت خداست. **«كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»**

رعایت شرایط نماز

۲۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَ لَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا (نساء ۴۳)

الا مؤمنان به پروردگار	که دارید ایمان به روز شمار
مخوانید در حال مستی نماز	که فهمید آنچه بخوانید باز
اگر در جنابت به سر می برید	مبادا که رو بر نماز آورید
مگر آنکه باشید اندر سفر	که تا موقع غسل آید به سر
اگر خود مریضید یا در سفر	قضائی ز حاجت بکرده اثر
و گر نیز با همسر خویشتن	بگشتید هم بستر و هم سخن
چو آبی نیابید در آن مکان	که پاکیزه سازید خود را به آن
تیمم نمایید با خاک پاک	به وقت ضرورت تیمم چه پاک
پس آنگاه هم صورت و هم دو دست	نمایید مسحی که شایسته است
همانا غفورست یکتا اله	به توبه ببخشاید او هر گناه

چون تحریم شراب، در صدر اسلام به صورت تدریجی انجام گرفت. ابتدا شراب به عنوان نوشابه نامطلوب معرفی شد؛ وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا سپس این آیه نازل شد و نماز در حال مستی را نهی کرد، آنگاه زیان آن را بیش از منافعش دانست، سپس از مصرف آن به عنوان عنصری

پلید و شیطانی نهی شد. **إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ ... رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ** در روایات آمده که از نماز خواندن در حالت خواب آلودگی و کسالت و سنگینی پرهیز کنید. آیات دیگر نیز نماز خواندن از روی کسالت را از نشانه‌های منافقان دانسته است. **غَائِطُ** یعنی مکان گود. چون در قدیم گودال‌هایی برای قضای حاجت فراهم می‌کردند، غائط کنایه از رفتن برای تخلی است.

امام صادق علیه السلام فرمود: **صَعِيدٌ**، موضع بلندی است که آب از آنجا جاری شود و فرمودند مقصود از **لَامَسْتُمْ** جماع و آمیزش جنسی است، ولی خداوند ستار است و ستر را دوست دارد.

۱ - مقام نماز به حدی رفیع است که شرابخوار نباید به آن نزدیک شود. **لَا تَقْرُبُوا**
۲ - در نماز، تنها اذکار و حرکات کافی نیست، توجه و شعور لازم است. **حَتَّى...**
۳ - عبادات ناآگاهانه، از ارزش بالا برخوردار نیست، گرچه تکلیف را ساقط کند
۴ - در مسجد، نباید با حالت جنابت وارد شد. **وَلَا جُنْبًا...**

۵ - در غسل، شستن تمام بدن لازم. چون در آیه نام عضو خاصی برده نشده
۶ - احتمال خطر و ضرر، تکلیف را از برمی‌دارد و یا سبب تخفیف تکلیف شود.
۷ - در تعییرات و گفتار، باید ادب را رعایت کرد. **مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ**
تعبیر برگشت از گودی برای قضای حاجت و لمس زنان، کنایه از آمیزش جنسی است.

۸ - احکام خدا، ترخیص دارد ولی تعطیل ندارد. اگر آب نبود، باید تیمم کرد.

۹ - شرط ارتباط با خدا از طریق نماز، طهارت و پاکی است، وضو یا تیمم.

۱۰- تخفیف احکام، نمودی از رحمت و مغفرت الهی است **فَتَيَمَّمُوا... عَفْوًا غَفُورًا**

اطاعت از ولایت اطاعت از خداست

۲۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء ۵۹)

اطاعت کنید از خدا و رسول

پس ای مؤمنان با رضا و قبول

اطاعت نمایید اولی الامر را

همین گونه با رغبت و با رضا

بیاورده ایمان به روز شمار

چو دارید ایمان به پروردگار

به حکم الهی، بگردید باز

اگر بینتان شد جدالی دراز

سرانجام آن هست خوش عاقبت

که این کار بهتر بود در صفت

شأن نزول: محمد بن یعقوب کلینی فرمود: درباره علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده، سپس گوید: من گفتم یا بن رسول الله، مردم می گویند: در این آیه اسمی از اینان برده نشده است. امام فرمود: به مردم بگو وقتی که آیات نماز بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد. تعداد رکعات نمازهای پنج گانه تعیین نشده بود، لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله خود، تعداد رکعات را بیان فرمود و نیز موقعی که آیه زکات نازل گردید تعیین مقدار زکات در اشیاء هم گفته نشده بود.

هكذا درباره این آیه هم پیامبر درباره امام علی علیه السلام فرمود: (من كنت مولاه فعلي مولاه؛ هر کسی که من مولای او هستم بعد از من علی مولای اوست)

و نیز فرمود: اوصیکم بکتاب الله و اهل بیتی؛ ای مردم شما را به کتاب خدا و اهل بیت خود سفارش می‌نمایم). فرمود: یا علی آیا خشنود نمی شوی که برای من به منزله هارون نسبت به موسی باشی؟ موقعی که موسی به هارون گفته بود، (اخلفنی فی قومی و اصلح؛ جانشین من باش در میان قوم من و کارها را اصلاح کن) و خداوند درباره تو فرماید: وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ

نکته ها آیه ی قبل، بیان وظایف حاکمان بود که باید دادگر و امانتدار باشند، این آیه به وظیفه ی مردم در برابر خدا و پیامبر اشاره می‌کند. با وجود سه مرجع «خدا»، «پیامبر» و «اولی الامر» هرگز مردم در بن بست قرار نمی‌گیرند. آمدن این سه مرجع برای اطاعت، با توحید قرآنی منافات ندارد، چون اطاعت از پیامبر و اولی الامر نیز، شعاعی از اطاعت خدا و در طول آن است، نه در عرض آن و به فرمان خداوند اطاعت از این دو لازم است. در آیه قبل سفارش شد که امانات به اهلش سپرده شود، این آیه گویا می‌فرماید: سپردن به اهلش، در سایه اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر است.

تکرار فرمان «أَطِيعُوا» رمز تنوع دستورهاست. پیامبر گاهی بیان احکام الهی می‌کرد، گاهی دستور حکومتی می‌داد و دو منصب «رسالت» و «حکومت» داشت.

قرآن گاهی خطاب به پیامبر می‌فرماید: «أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» آنچه را نازل کرده‌ایم برای مردم بیان کن. و گاهی می‌فرماید: «لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرَاكَ اللَّهُ» میان مردم بر اساس قوانین الهی، حکومت و قضاوت کن.

قرآن درباره مفسدان، مسرفان، گمراهان، جاهلان، جبّاران و ... دستور «لا تُطِغْ» و «لا تَتَّبِعْ» می‌دهد. بنابراین موارد «أَطِيعُوا» باید کسانی باشند که از اطاعتشان نهی نشده باشد و اطاعتشان در تضادّ با اوامر خدا و رسول نباشد..

در آیه، اطاعت از اولی‌الامر آمده، ولی به هنگام نزاع، مراجعه به آنان مطرح نشده، بلکه تنها مرجع حلّ نزاع، خدا و رسول معرفی شده‌اند. و این نشانه آن است که اگر در شناخت اولی‌الامر و مصداق آن نیز نزاع شد، به خدا و رسول مراجعه کنید که در روایات نبوی، اولی‌الامر اهل‌بیت پیامبر معرفی شده‌اند. حسین بن ابی‌العلاء گوید: من عقیده‌ام را درباره‌ی اوصیای پیامبر و اینکه اطاعت آنها واجب است، بر امام صادق علیه السلام عرضه کردم، حضرت فرمود: آری چنین است، اینان همان کسانی هستند که خداوند درباره‌ی آنان فرموده: أَطِيعُوا اللَّهَ ... و همان کسانی‌اند که درباره‌ی آنها فرموده: إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ ... وَ هُمْ رَاكِعُونَ. حضرت علی علیه السلام در خطبه ۱۲۵ نهج‌البلاغه و عهدنامه مالک‌اشتر فرمودند: مراد از مراجعه به خدا و رسول، مراجعه به آیات محکّات و سنّتی که همه بر آن اتّفاق داشته باشند. حضرت علی علیه السلام: هر حاکمی که به غیر از نظر اهل‌بیت معصوم پیامبر قضاوت کند، طاغوت است.

۱ - مردم باید نظام اسلامی را بپذیرند و از رهبران الهی آن در قول و عمل پشتیبانی کنند.

۲ - اسلام مکتبی است که عقاید و سیاستش بهم آمیخته است. اطاعت از رسول و ولی‌الامر که امری سیاسی است، به ایمان به خدا و قیامت که امری اعتقادی است، آمیخته است.

- ۳ - سلسله مراتب در اطاعت باید حفظ شود. الله، الرَّسُولَ، أُولِي الْأَمْرِ
- ۴ - اولی الامر باید همچون پیامبر معصوم باشند، تا مانند پیامبر اطاعت از آنان، لازم و بی چون و چرا باشد. أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ
- ۵ - اطاعت از حاکمی واجب است که مؤمن و از خود مردم با ایمان باشد
- ۶ - نشانه‌ی ایمان واقعی، مراجعه به خدا و رسول، هنگام تنازع و بالا گرفتن درگیری‌هاست و اطاعت در شرایط عادی کار مهمی نیست. «فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ
- ۷ - یکی از وظایف حکومت اسلامی ایجاد وحدت و حلّ تنازعات است. فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ
- ۸ - دین کامل باید برای همه‌ی اختلاف‌ها، راه حل داشته باشد فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ
- ۹ - پذیرش فرمان از حکومت‌های غیر الهی و طاغوت، حرام است. فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ
- ۱۰ - اگر همه‌ی فرقه‌ها، قرآن و سنّت را مرجع بدانند، اختلاف‌ها حل شده، وحدت و یکپارچگی حاکم می‌شود. فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ
- ۱۱ - مخالفان با احکام خدا و رسول و رهبران الهی، باید در ایمان خود شك کنند إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ
- ۱۲ - برنامه عملی اسلام بر اساس برنامه اعتقادی آن است. أَطِيعُوا ... إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ. به عبارت دیگر ایمان به خدا و قیامت، پشتوانه‌ی اجرایی احکام اسلام و مایه‌ی پرهیز از نافرمانی خدا و رسول است.
- ۱۳ - دوران‌دیشی و رعایت مصالح درازمدت، میزان ارزش است. «أَحْسَنُ تَأْوِيلًا»

هشیاری در مقابل دشمن

۲۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا نساء ۷۱

بگیرید اکنون سلاحی به چنگ بگردید آماده از بهر جنگ

همه دسته دسته به همراه هم برآید از بهر دفع ستم

در آیه‌ی پیشین، اطاعت از خدا و رهبری معصوم و حاکمیت پیامبر، و در این آیه، ضرورت هوشیاری و آمادگی رزمی برای امت اسلامی و رهبری حق مطرح است.

حَذْرٌ»، به معنای بیداری، آماده باش و وسیله دفاع است. «ثُبَاتٍ»، جمع «ثُبه»، به دسته‌های پراکنده (شامل گروه‌های پارتیزانی که دشمن را گیج و تمرکز فکری او را سلب می‌کند) می‌گویند.

مسلمانان باید مرزهای کشور خود را حفظ کنند. عمل به این آیه، رمز عزت و غفلت از آن، رمز سقوط و شکست مسلمانان می‌باشد.

۱- مسلمانان باید در هر حال آماده و بیدار باشند، و از طرحها، نفرات، نوع اسلحه، روحیه، همکاری داخلی و خارجی دشمنان آگاه باشند و متناسب با آنها طرح بریزند و عمل کنند.

۲- آمادگی رزمی در سایه ایمان ارزش دارد. الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ

۳- مسلمانان باید بسیج شوند. انفِرُوا جَمِيعًا

۴- مسلمانان باید از تاکتیک‌های مختلف، برای مقابله با دشمن استفاده کنند

۵- شیوه بسیج و مبارزه را خودتان تعیین کنید. «ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا

هوشیاری در مقابل دشمن

۲۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (نساء ۹۴)

پس ای مؤمنان چونکه بهر جهاد	بگشتید راهی به دیگر بلاد
به تحقیق آید و در جستجو	در آیین یار و مرام عدو
بر آن کس کز اسلام دم بر زند	ز تن جامه کفر را بر کند
مبادا که بر او زنید افترا	بگوید کافر بود بر خدا
که با خود بگوید باشد حلال	گر از او ستانیم جانی و مال
مبادا بر این کار رو آورید	که اندک غنیمت ز دنیا برید
شما را به درگاه پروردگار	غنائم بود بی حد و بی شمار
که حتی شما نیز در ابتدا	که گشتید تسلیم یکتا خدا
جز اظهار تسلیم چیزی نبود	چرا هوشتان را ظواهر ربود
خداوندتان لیک منت نهاد	که بر قلبتان نور ایمان بداد
پس اکنون بدقت به وجهی نکو	به تحقیق آید در جستجو
مبادا که سر بر هوس برنهدید	به کس نسبت کفر و عصیان دهید

شأن نزول : شیخ طوسی «گوید: در سبب نزول آیه اختلاف است: اول، عمر بن شبه گوید: درباره مرداس که مردی از غطفان بود، نازل گردید زیرا گروه مسلمین بر سر قبيله او فرود آمده بودند قوم او بر سر کوه رفته و موضع گرفته بودند ولی مرداس برجای ماند و چون مسلمان بود، اسلام خود را آشکار ساخت ولی او را کشتند و آنچه با او بود، گرفتند.

نکته ها پس از نبرد خیبر، رسول خدا صلی الله علیه و آله «اسامة بن زید» را همراه گروهی از مسلمانان به سوی یهودیان در یکی از روستاهای فدک اعزام کرد تا آنان را به اسلام یا قبول شرایط ذمه دعوت کنند. یکی از یهودیان به نام «مرداس» با آگاه شدن از آمدن سپاه اسلام، اموال و خانواده‌ی خود را در پناه کوهی قرار داد و در حالی که به توحید و نبوت پیامبر گواهی می‌داد، به استقبال مسلمانان آمد. اسامه به خیال آنکه او از روی ترس اظهار اسلام می‌کند، او را کشت و اموالش را به غنیمت گرفت. پیامبر خدا از این رفتار که به کشتن يك مسلمان انجامید، ناراحت شد.

انگیزه‌ی مادی و کسب غنائم در جهاد، چیزی است که اسلام آن را نکوهش کرده و از اقدام شتابزده و کشتن بی تحقیق، زیر عنوان حرکت انقلابی و قاطعیّت، انتقاد نموده جمله‌ی **كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ** هم می‌تواند اشاره به این باشد که شما خودتان هم در آغاز، به ظاهر ادّعیای اسلام می‌کردید و هم می‌تواند (آن گونه که در المیزان آمده است) اشاره به این باشد که خود شما نیز در جاهلیّت با انگیزه‌های مادی و برای رسیدن به غنائم می‌جنگیدید و اسلام آن انگیزه‌ها را از میان برد.

ممکن است مراد از «أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ» اظهار اسلام و گفتن شهادتین باشد که با شأن نزول موافق است و یا مراد از القای سلام، پیشنهاد آتش بس و ترك جنگ و تسلیم باشد نه اسلام آوردن، که معنای آیه این می‌شود: به کسی که پیشنهاد عدم تعرّض می‌کند و اظهار تسلیم و ترك جنگ دارد، نگوئید: تو به حرفت ایمان نداری و دروغ می‌گویی تا بتوانید او را بکشید و غنائمی به دست آورید.

البته ممکن است مراد از جمله «فَتَبَيَّنُوا» در آخر آیه، تحقیق در تاریخ جاهلیت باشد. یعنی شما قبل از اسلام برای دنیا جنگ می‌کردید پس تحقیق کنید یعنی تاریخ را بررسی کنید که چگونه اسلام به شما رشد داد، پس از تازه مسلمانان توقع بالا نداشته باشید.

- ۱- جهاد باید بر اساس اطلاعات و آگاهی از وضعیّت و اهداف دشمن باشد.
- ۲- کسانی را که اظهار اسلام می‌کنند، با آغوش باز بپذیرید. لا تَقُولُوا ... لَسْتَ
- ۳- در جبهه‌ی جهاد، از قدرت خود سوء استفاده نکنید. لا تَقُولُوا ... لَسْتَ مُؤْمِنًا
- ۴- بر چسبِ بی‌دینی زدن و عجله در نسبت دادن کفر به افراد مشکوک ممنوع
- ۵- ما مأمور به ظاهریم، نه درون افراد، اگر گفتارشان را نمی‌پذیریم، ردّ نکنیم.
- ۶- نه تنها ادّعا دلیل می‌خواهد، بلکه ردّ مطلب نیز دلیل می‌خواهد. لا تَقُولُوا ...
- ۷- با انگیزه‌های مادی دیگران را تکفیر نکنید. «تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
- ۸- در جنگ‌ها، اهداف مادی کنارگذارید. قداست جهاد را با غنیمت طلبی نشکنید
- ۹- جاذبه‌ی دنیا، رزمندگان جان بر کف را هم رها نمی‌کند. صَرَيْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
- ۱۰- هدف از جهاد، پیوستن دیگران به اسلام است، نه کسب غنائم. پس به خاطر غنائم، دیگران را متهم به بی‌دینی نکنیم. لا تَقُولُوا... لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ
- ۱۱- خطر عوض شدن انگیزه‌ها در جهاد، بسیار مهم است. «تَبْتَغُونَ

- ۱۲- دنیا، عارضی، ناپایدار و زودگذر است. «عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
- ۱۳- زهد و بی‌اعتنایی به دنیا، باید اخلاق رزمنده‌ی مؤمن باشد. «تَبْتَغُونَ عَرَضَ
- ۱۴- شما بی‌تحقیق و بی‌پروا گام برنذارید، خداوند مسائل مادی را حل می‌کند
- ۱۵- یاد پاداش‌های الهی، دنیا را در نظر انسان کوچک می‌کند. «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ
- ۱۶- نعمت‌های مادی را هم از خدا بخواهیم. «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ
- ۱۷- انسان فطرتاً دنبال منافع مادی است و باید به نحوی تأمین شود، چه بهتر که با شناساندن ارزشهای بهتر و جهت دادن به این خواسته فطری او را از سقوط در ورطه سودهای کم و ناروا باز داریم. «فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ
- ۱۸- دنیاگرایی، خصلتی جاهلی است. «كَذَلِكَ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ
- ۱۹- خود را به جای دیگران بگذارید، بعد قضاوت کنید. شما روزی چنین بودید
- ۲۰- مغرور نشوید، که ایمانتان از خداست. «فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
- ۲۱- هدایت‌های الهی، منت خداوند بر ماست. «فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ
- ۲۲- نعمت‌ها مسئولیت آورند. «فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا
- ۲۳- خطر و ضرر قتل نابجا، بیش از احتمال نفاق از سوی دشمنان و از دست دادن غنائم است. عهده‌داران مال و جان و آبروی مردم، باید اصل احتیاط و تحقیق را فراموش نکنند.
- ۲۴- نه ساده‌اندیش باشید، نه زود باور. نه بد اندیش و نه کینه‌توز. فَتَبَيَّنُوا
- ۲۵- در حوادث جنگ که زمینه و بهانه برای قتل بی‌گناهان است، با عقل و حوصله برخورد کنید، نه با احساسات، که خداوند، آگاه و بیناست

بر پا دارنده‌ی عدالت باشید

۲۵ . يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا وَإِنْ تَلَوُّوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا نساء ۱۳۵

پس ای اهل ایمان به انصاف و داد همیشه بکوشید دور از عناد

برای خدا طبق امر اله بگردید با صدق صحبت گواه

اگرچه ببینید از آن ضرر خود و خویش یا مادر و یا پدر

اگر خود گواهد بهر تن چه باشد فقیر و چه باشد غنی

مبادا که از هیچیک ز آن دو تن حمایت نمایید اندر سخن

که اندر مراعات و احقاق حق خدا هست آگاه تر، زین نسق

مبادا که از حلقه عدل و داد فراتر گذارید پا، ای عباد

شهادت چو گوید از بهر کس مبادا اطاعت کنید از هوس

سخن گر بگوید چیزی خلاف که سازید حق را نهان در لفاف

چو سازید خودداری از گفت راست بدانید آگاه برآن خداست

شأن نزول : «شیخ طوسی» گوید: این آیه درباره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نازل گردید در موردی که يك مرد فقیر و يك مرد غنی برای دفع مخاصمه نزد وی آمده بودند. پیامبر توجه خود را به طرف فقیر نموده بودند به خیال خود که فقیر به غنی ظلم و ستم روا نخواهد داشت ولی خداوند ابا و امتناع فرمود و میخواست که قیام به قسط و عدل و داد از طرف رسول خود درباره هر دو بشود

نکته ها

ممکن است معنی جمله «فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا» چنین باشد: از هوسها پیروی نکنید که در نتیجه از حق منحرف شوید و عدول کنید.

کلمه‌ی «تَلُؤُوا» از ریشه‌ی «لی» به معنای پیچاندن و تاب دادن است که مراد از آن در این آیه یا گرداندن زبان به ناحق و تحریف گواهی است و یا تاب دادن به اجرای عدالت و ایجاد تأخیر در آن است. تمام کلمات و جملات این آیه در راستای تشویق و تأکید بر عدالت است. قیام به عدالت و گواهی به عدالت دوری از هرگونه فردگرایی، نژادگرایی و یاضعیف‌گرایی، معیار حق و عدالت است، نه فقر و غنی، یا خویش و خویشاوند.

گواهی انسان چند حالت دارد:

گاهی علیه ثروتمندان به خاطر روحیه‌ی ضد استکباری. گاهی به نفع ثروتمندان بخاطر طمع به مال و مقام او. گاهی علیه فقیر به خاطر بی‌اعتنایی به او. گاهی به نفع فقیر به خاطر دلسوزی برای او. این آیه همه‌ی این انگیزه‌ها را باطل و تنها قیام به عدل را حق می‌داند. امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن بر مؤمن هفت حق دارد که واجب‌ترین آنها گفتن حق است، گرچه به زیان خود و بستگانش تمام شود.

پیام ها

- ۱- به پاداشتن عدالت هم واجب، هم لازمه‌ی ایمان است. آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ
- ۲- قیام به عدالت، باید خوی و خصلت مؤمن گردد. قَوَّام یعنی برپاکننده دائمی

قسط

۳- عدالت، حتی نسبت به غیر مسلمان نیز باید مراعات شود. به اقتضای اطلاق
۴- عدالت باید در تمام ابعاد زندگی باشد. در اقامه عدل نام مورد خاصی برده
نشده .

۵- گواه شدن و گواهی دادن به حق، واجب است. كُونُوا ... شُهَدَاءَ لِلَّهِ

۶- نباید هدف از گواهی دادن، دستیابی به اغراض دنیوی باشد. شُهَدَاءَ لِلَّهِ

۷- اقرار انسان علیه خودش معتبر است. شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ

۸- ضوابط بر روابط مقدم است. وَ لَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوْ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ

۹- رعایت مصالح خود و بستگان و فقرا، باید تحت الشعاع حق و رضای خدا
باشد.

۱۰- سود و مصلحت واقعی فقرا و اغنیا از طریق شهادت به ناحق تأمین نمیشود.

۱۱- همه در برابر قانون مساویند. غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا

۱۲- پیروی از هوای نفس مانع اجرای عدالت است و ملاحظه فامیل و فقر و غنا
نشانه‌ی هوی پرستی است. فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

۱۳- ادای شهادت واجب است و کتمان و تحریف آن ممنوع. إِنْ تَلَوْا أَوْ تَعْرِضُوا

۱۴- هر نوع کارشکنی، تأخیر و جلوگیری از اجرای عدالت، حرام است. إِنْ تَلَوْا

۱۵- ضامن اجرای عدالت، ایمان به علم الهی است. فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ایمان (واقعی)

۲۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا نساء ۱۳۶

بگشتید مؤمن به رب جهان	الا مؤمنانی که خود با زبان
به یزدان و پیغمبر و «رستخیزس	ز ژرفای دل مؤمن آید نیز
بر ادیان یزدانی ما سبق	بیارید ایمان به قرآن حق
به عرش و ملائک به روز جزا	هرآن کس که کافر شود بر خدا
شود منکر مرسلین سربه سر	دروغین بخواند کتب را دگر
شده گمره از راست آیین نور	به راه ضلالت فتادست کور
	شان نزول : ابن عباس گوید:

عبداللہ بن سلام با برادرزاده خود سلمة و خواهرزاده خود که مؤمنین اهل کتاب بودند نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ آمدند و گفتند:

یا رسول اللہ ما فقط به تو و کتاب تو ایمان داریم و خارج از این به هیچ چیز دیگری حتی به موسی و تورات و حضرت عزیر ایمان نداریم سپس این آیه نازل گردید.

نکته ها مراد آیه یا آن است که: ای مؤمنان! گامی فراتر نهدید و به درجات بالاتر دست یابید، یا آنکه بر ایمانتان برای همیشه استوار بمانید و اندکی از آن عدول نکنید.

ایمان دارای درجاتی است، چنانکه در آیات دیگر نیز می‌فرماید: **وَ الَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى**

کسانی که هدایت شدند خداوند به هدایت آنان بیافزاید، **لِيَزِدُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ** تا ایمانی بر ایمان خویش بیفزایند.

۱- مؤمن، باید تلاش کند تا خود را به بالاترین مرتبه‌ی از ایمان برساند **آمَنُوا**

۲- ادیان آسمانی، هدف و حقیقت واحدی دارند، همچون کلاس‌های یک مدرسه که تحت نظارت یک مدیر است.

الْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَ الْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ

۳- ایمان به همه‌ی پیامبران و کتاب‌های آسمانی، لازم است **آمَنُوا...**

به کافران اعتماد نکنید

۲۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَ تُرِيدُونَ أَنْ
تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا نساء ۱۴۴

مبادا ز کفار گیرید یار	پس ای مؤمنان به پروردگار
نمایید بر رغم امر خدا	مبادا دگر مؤمنان را رها
یکی حجتی را به پروردگار	بخواهید آیا کنید آشکار
شما را بدین کار سازد عذاب	(که بر کیفر کفر گیرد عقاب)

نکته ها

مؤمنان حق ایجاد رابطه با کفار را ندارند، ولی منافقان با کافران رابطه‌ی تنگاتنگ دارند.

قرآن، کفار را شیطان‌های منافقان «خَلَوْا إِلَى شَيَاطِينِهِمْ» و برادران منافقان معرفی می‌کند «الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» تعبیرات قرآن در آیات ۱۳۹ و ۱۴۱ مبین کیفیت رابطه‌ی آنان با کفار بود.

پیام ها

۱- پذیرش ولایت کفار با ایمان سازگار نیست. يك دل، دو دوستی بر نمی‌دارد
تَتَّخِذُوا

۲- تولى و تبرى، دوستی با مؤمنان و دوری از کافران، لازمه‌ی ایمان است اولیاء من
دُون...

۳- از هر نوع اختلاط، رفاقت و قراردادی که نتیجه‌اش به زیان مسلمانان باشد، پرهیز کرد.

۴- در سیاست خارجی، روابط سیاسی و اقتصادی، گزینش‌ها و عزل و نصب‌ها، هر اقدامی که به سلطه‌ی کفار بر مسلمانان انجامد حرام و محکوم است. «لا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

۵- مسلمان ذلت پذیر، در برابر خداوند پاسخی ندارد. أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ ... این سوره در عرفات هنگام حجّة الوداع نازل شد.

زرارة از امام باقر علیه السلام نقل نماید که فرمود عمر بن الخطاب اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله را که از زمرة آنان علی بن ابی طالب بود نزد خود جمع کرد و راجع به مسح بر روی دو کفش یا موزه پا سؤال کرد.

مغیره بن شعبه در پاسخ گفت من دیدم که پیامبر بر روی کفش یا موزه مسح مینمود.

علی بن ابی طالب فرمود آیا دیدن تو پیش از نزول سوره مائده بوده یا بعد از نزول آن؟ مغیره در جواب گفت نمیدانم.

علی علیه السلام فرمود پیش از نزول سوره مائده بوده و این سوره دو یا سه ماه پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شده است.

(منظور امام این بود که بعد از نزول سوره مائده مسح بر روی پا واجب گردید اگر چه قبلا بر روی کفش یا موزه بوده است.)

وفای به عهد و پیمان

۲۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ (مائده ۱)

بمانید بر عهد خود استوار	الا مؤمنان به پروردگار
به فرمان رحمتگر ذوالجلال	بهائم برای شما شد حلال
زیکتا خدا آید آیات آن	بجز آنچه زین پس بگردد بیان
حرامست آن را به دندان کشید	چو در حال احرام صیدی کشید
به هر چیز گان را ببندید کار	خدا حکم راند به روز شمار

نکته ها کلمه‌ی «بَهِيمَةُ» در اینجا به معنای چهارپا و اعم از «انعام» است، «انعام» به گاو و شتر و گوسفند می‌گویند و «بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ» که سه بار در قرآن آمده به معنای حلال بودن گوشت این چهارپایان است. امام صادق علیه السلام فرمودند: مراد از «بَهِيمَةُ الْأَنْعَامِ»، جنین حیوان ذبح شده است که تزکیه‌ی مادرش، تزکیه‌ی او نیز به شمار می‌رود مرحوم فیض در تفسیر صافی می‌فرماید: «ممکن است این روایت بیان مصداق پنهان آن باشد و یا این که از شکم مادر به آنها «بهیمه» گفته می‌شود، بنابراین منافاتی با تعمیم ندارد.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «لا دین لمن لا عهد له»، کسی که وفا ندارد، دین ندارد. آری، اگر به پیمان‌ها عمل نشود، اساس جامعه و اعتماد عمومی بهم می‌ریزد و هرج و مرج پیش می‌آید. قرآن، وفای به پیمان حتی با مشرکان را لازم می‌داند، «فَاتِمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ»

و طبق حدیثی از امام صادق علیه السلام وفای به پیمان فاجران هم لازم است. اگر يك مسلمان حتی با اشاره، به دشمن کافر امان داد، بر دیگر مسلمانان رعایت این پیمان اشاره‌ای، الزامی است. کتب آسمانی، عهد خدا هستند و باید به آنها وفادار بود، عهد قدیم (تورات)، عهد جدید (انجیل) و عهد اخیر (قرآن)

- پیام ها ۱ -** مسلمانان باید به همه‌ی پیمان‌ها، (با هر کس و هر گروه)، پایبند باشند، چه قراردادهای لفظی، کتبی؛ پیمان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و یا خانوادگی؛ با قوی یا ضعیف، با دوست یا دشمن، با خدا (مثل نذر و عهد) یا مردم، با فرد یا جامعه، با کوچک یا بزرگ، با کشورهای منطقه یا قراردادهای بین المللی. کلمه‌ی «الف و لام عقود» است که شامل همه‌ی قراردادهای می‌شود. **أَوْفُوا**
- ۲- اشعار دارد که ایمان، ضامن وفای به عهد و پیمان‌هاست ... **آمَنُوا أَوْفُوا**
- ۳- خدا انواع نعمت‌ها را در اختیار ما گذاشته، پس به پیمان‌های او وفادار باشیم.
- ۴- یکی از پیمان‌های الهی، توجه به احکام حلال و حرام در خوردنی‌هاست **أُحِلَّتْ**
- ۵- اسلام، به مسائل اجتماعی و هم به مسائل اقتصادی توجه دارد (وفای به عهد، مسئله‌ی اجتماعی و اقتصادی و بهره‌گیری از حیوانات، از مسائل اقتصادی)
- ۶- مصرف گوشت گاو، شتر و گوسفندی که مرده یا خفه و ... شده باشند، حرام.
- ۷- همه‌ی چهارپایان حلال نیستند. «إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ» (انواع چهارپایان باشد).
- ۸- برای حفظ حرمت احرام باید کمی محرومیت چشید و از شکار، چشم پرهیز
- ۹- عمل به محرمات احرام، از جمله موارد وفای به عهد و پیمان با خداست.
- ۱۰- احرام، عهد و پیمان با خداوند است. **أَوْفُوا بِالْعُقُودِ ... وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ**
- ۱۱- احرام، حالتی خاص و ویژه و دارای احترام است. **وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ**

احترام به شعائر الهی

۲۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحِلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ وَ لَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَ لَا الْهَدْيَ وَ لَا الْقَلَائِدَ وَ لَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ رِضْوَانًا وَ إِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ مائده ۲

الا مؤمنان به یکتا خدا	که دارید ایمان به روز جزا
کنون حرمت حج و ماه حرام	بدارید محفوظ در هر مقام
به قربانیانی که می آورند	ن شاید رسانید دست گزند
تعرض نورزید در آن مکان	اگر با نشان است یا بی نشان
تعرض به زوار بیت الحرام	حرامست در هر زمان و مقام
همان زائرانی که بی گفتگو	بجویند خشنودی و فضل او
چو گشتید خارج از احرام حج	اگر صید سازید نبود حرج
گروهی چو کردند منع شما	که نایید در بیت یکتا خدا
مبادا شما را بدارد بر آنکه	ظلمی برانید بر دیگران
نمایید همکاری و اهتمام	در اعمال نیکو و تقوی مدام
برای ستم پیشگی و گناه	نباشید با یکدگر یار راه
بترسید از ایزد که روز حساب	خدای است بی شک شدید العقاب

نکته ها هدی»، حیوان بی‌نشانی است که برای قربانی در حج هدیه می‌شود، قلائد حیواناتی هستند که پیش از مراسم حج، با آویختن چیزی به گردن آنها یا داغ زدن، علامت‌دار می‌شوند تا در مناسک حج، قربانی شوند.

خداوند در ابتدای این آیه، احترام به همه شعائر را واجب و هتك حرمت آنها را حرام کرده است؛ ولی در میان شعائر، چند مورد را به خصوص ذکر کرده است از جمله ماه‌های: رجب، ذیقعد، ذیحجه و محرم که جنگ در آنها حرام است و ماه ذیحجه که حج در آن انجام می‌شود، هدی که قربانی بی‌نشان است و قلائد که قربانی نشان‌دار است.

مورد خطاب در آیه، مؤمنین می‌باشند که خداوند آنها را از کندن پوست درخت حرم و آویختن آن به گردن نهی نمود چنان که مشرکین در جاهلیت چنین کاری می‌کردند. چنان که عطا و ربیع بن انس هم روایت کرده اند.

در سال ۶ هجری، مسلمانان با پیمودن ۸۰ فرسخ راه از مدینه به مکه آمده بودند تا حج بگذارند؛ ولی کافران مانع شدند و صلح حدیبیه پیش آمد.

اکنون که مکه فتح شده، نباید دست به تجاوز بزنند. **صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ** اگر تحصیل علم يك «بر» است، زمینه‌های آن چون: تأمین مدرسه، کتاب، کتابخانه، آزمایشگاه، وسیله نقلیه، استاد و ... همه «تعاون بر بر» است.

همیاری در نیکی و پاکی در آیه‌ی ۱۷۷ سوره‌ی بقره، مواردی از «بر» را بیان کرده **لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْكِتَابِ وَ النَّبِيِّينَ وَ آتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ ... وَ أَوْلِيَّكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ** بر، ایمان به خدا و قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و انبیا و رسیدگی به محرومان جامعه و پایبندی

به قراردادهای و صبر در کارهاست. در روایات بسیاری به تعاون بر نیکی‌ها و یاری رساندن به مظلومان و محرومان، سفارش شده و از کمک و یاری به ستمگران نهی شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس برای یاری رساندن به دیگران گامی بردارد، پاداش مجاهد و رزمنده را دارد تا زمانی که انسان در فکر یاری رساندن به مردم است، خداوند او را یاری می‌کند. یاری کردن مسلمان، از یک ماه روزهی مستحبی و اعتکاف بهتر است. هر کس ظالمی را یاری کند، خودش نیز ظالم است. حتی در ساختن مسجد، ظالم را یاری نکنید.

۱- احترام گذاردن به شعائر الهی، وظیفه‌ی اهل ایمان است یا أَيُّهَا ... لَا تُحِلُّوا
شُعَائِرَ اللَّهِ

۲- هتك حرمت و قداست شعائر الهی، حرام است

۳- همه‌ی زمان‌ها یکسان نیستند. برخی روزها مثل ایام الله و برخی ماهها مثل ماه حرام، احترام ویژه‌ای دارند و لَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ.

۴- حیوانی هم که در مسیر هدف الهی قرار گیرد، احترام دارد و لَا الْهَدْيِ وَ لَا
الْقَلَائِدَ

۵- راهیان خانه‌ی خدا باید مورد احترام قرار گیرند و لَا آمِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ هر
برنامه‌ای که به احترام و امنیّت زائران خانه خدا ضربه بزند، حرام است، حج یا
عمره.

۶- حج و عمره، راهی برای تحصیل دنیا و آخرت است يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنْ رَبِّهِمْ وَ
رِضْوَانًا

۷- سراغ سود حلال رفتن يك ارزش است. قرآن، فضل پروردگار را که همان سودِ کسب و کارست، در کنار رضوان و قرب الهی قرار داده است. **يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَ رِضْوَانًا**

۸- هر نوع فعالیت اقتصادی و تجاری در مکه، برای کشورهای اسلامی آزاد است.

۹- بهره‌های مادی، تفضّل الهی به انسان و از شئون ربوبیت اوست. **فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ**

۱۰- دشمنی‌های دیگران در يك زمان، مجوّز ظلم و تجاوز ما در زمانی دیگر نمی‌شود.

۱۱- بی‌عدالتی و تجاوز از حدّ، حرام است حتی نسبت به دشمنان. **شَنَّانُ قَوْمٍ ...**

۱۲- احساسات دینی، بهانه‌ی ظلم نشود. **صَدُّوْكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا**

۱۳- وفای به پیمان‌ها و حفظ حرمت و قداست شعائر الهی نیاز به تعاون دارد.

۱۴- چشم‌پوشی از خطای دیگران، یکی از راه‌های تعاون بر نیکی است.

۱۵- حکومت و جامعه‌ی اسلامی، باید در صحنه‌ی بین‌المللی، از مظلوم و کارهای

خیر حمایت و ظالم و بدی‌ها را محکوم کند **تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ**

۱۶- برای رشد همه جانبه‌ی فضایل باید زمینه‌ها را آماده ساخت و در راه رسیدن

به آن هدف، تعاون داشت. **تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ**

۱۷- به جای حمایت از قبیله، منطقه، نژاد و زبان، باید از حقّ حمایت کرد و به

بِرِّ يَارِي رِيسَانْد

طریقه ی وضو

۳۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُبَيِّنَ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ مائده ۶

چو بر پای خیزید بهر نماز	الا ای خدا باوران با نیاز
که از روی آرنج آرید پیش	بشوید رخسار و دو دوست خویش
همی مسح سازید از فرق سر	پس آنگاه آهسته با دستِ تر
که تا جای برجسته اش هست بس	نمایید مسح دو پا را سپس
نمایید پاکیزه خود را به آب	چو آلوده گشتید هنگام خواب
قضائی ز حاجت بکرده اثر	چو بیمار هستید یا در سفر
کنون ترک آغوششان گفته اید	و گر نیز با همسران خفته اید
که با آن بسازید غسل و وضو	نیابید آب از پس جستجو
که خاک تیمم بود نیز پاک	تیمم نمایید آن دم به خاک
نمایید مسح رخ و هر دو دست	بدان خاک پاکی که آمد به دست
ندادست بر مردمان کردگار	الا خلق، سختی و رنجی قرار

کند پاکتان خود ز آلودگی

و لیکن بخواهد به آسودگی

کند نعمت خویشتن را تمام

که خود بر شما رب والامقام

به لب روز و شب نام او را برید

بود آنکه شکرش به جا آورید

شأن نزول: «شیخ طوسی» گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگامی که وضو نداشت، کارهای عادی خود را انجام نمی داد. خداوند این آیه را نازل فرمود و به پیامبر اعلام نمود که وضو فقط برای ادا صلوة است و انجام سایر کارها احتیاجی به داشتن وضو ندارد، چنان که عده ای درباره شأن و نزول این آیه گفته اند که پیامبر هنگام بول کردن، جواب سلام اشخاص را نمی داد تا این که وضو بسازد پس از وضو ساختن جواب سلام را می داد تا این که این آیه نازل گردید

نکته ها در آیه ۴۳ سوره نساء، به موضوع غسل و تیمم اشاره شد، در اینجا علاوه بر آن دو، به مسأله ی وضو هم اشاره شده است.

واژه ی «قیام»، هرگاه با حرف «الی» همراه شود، به معنای اراده کردن است. إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ یعنی هرگاه تصمیم به نماز خواندن گرفتید.

کلمه ی «جنب»، به زن و مرد، مفرد و جمع، بطور یکسان اطلاق می شود. مراد از فرمان «فَاطَّهَّرُوا» انجام غسل است. به قرینه این که در آیه ۴۳ سوره نساء به جای «فَاطَّهَّرُوا»، «تَغْتَسِلُوا» فرموده است. قید «إِلَى الْمَرَافِقِ»، برای بیان محدوده ی شستن است، نه جهت شستن. از آنجا که کلمه ی «ید» در زبان عربی، هم به دست، از انگشتان تا میچ و هم به دست، از انگشتان تا آرنج و هم به دست، از انگشتان تا کتف، اطلاق می شود این آیه می فرماید: در وضو، دست تا آرنج را بشوید، نه کمتر و نه بیشتر.

در تیمم، روح بندگی نهفته است؛ چون دست به خاک زدن و مالیدن آن به پیشانی که بلندترین عضو بدن است همراه با قصد قربت، نوعی تواضع و خاکساری در برابر خداست. **صَعِيدٌ** از «صعود» به معنای زمین بلند است. امام صادق علیه السلام در تفسیر «**صَعِيداً طَيِّباً**» فرمودند: زمین بلندی که آب از آن سرازیر شود. آری، زمین گودی که آب آلوده در آن جمع می‌شود، برای تیمم مناسب نیست، زیرا شرط تیمم، **خاک پاک** است.

در حدیث: **لا صلاة الا بطهور** نماز جز با طهارت (وضو یا غسل یا تیمم) صحیح نیست. در حدیث می‌خوانیم: **ابدأ بما بدء الله** از همانجا آغاز کن که خداوند در قرآن آغاز کرده است. همان گونه که در قرآن ابتدا شستن صورت، بعد دست‌ها و بعد مسح سر و بعد مسح پا آمده است، ترتیب وضو نیز همین گونه است. از امام سؤال شد که چرا در وضو بخشی از سر مسح می‌شود؟ فرمودند: «لمكان الباء» به خاطر حرف باء در کلمه **بِرُؤُسِكُمْ** زیرا معنای آن قسمتی از سر است و اگر آیه و **امسحوا رؤسكم** بود در آن صورت باید همه‌ی سر را مسح می‌کردیم. امام صادق علیه السلام: **لامسئتم**، آمیزش جنسی است؛ ولی خدا آن را پوشانده و پوشاندن اموری را دوست دارد؛ لذا آن گونه که شما نام می‌برید، نام نبرده است. امام رضا علیه السلام درباره‌ی فلسفه‌ی وضو می‌فرماید **يكون العبد طاهراً اذا قام بين يدي الجبار**، زمینه پاکی هنگام ایستادن در برابر خداست. مطیعاً له فیما أمره، نشانه‌ی بندگی و اطاعت است. **نقیّاً من اللدناس و النجاسة**، عامل دوری از آلودگی‌ها و نجاست است. **ذهاب الكسل و طرد النعاس**، مایه‌ی دوری از کسالت و خواب آلودگی است. و **تزكية الفؤاد للقيام**، آماده‌سازی و رشد روحی برای نماز است.

پیام ها

- ۱- نظافت و طهارت، لازمه‌ی ایمان است. آمَنُوا ... فَأَغْسِلُوا ... فَأَطَهَّرُوا
- ۲- طهارت، شرط نماز است. فَأَغْسِلُوا
- ۳- همچنان که تماس با قرآن مخصوص پاکان است، «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» ارتباط با خدا هم نیاز به طهارت دارد. فَأَغْسِلُوا
- ۴- آلودگی جسم، مانع قرب به خداست. إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَأَغْسِلُوا
- ۵- اصل در کلام، رعایت حیا و عفت و ادب است، خصوصاً در مسائل زناشویی. لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ الْبُتَّةَ در مسائل حقوقی، برای این که حقی ضایع نشود، قانون روشن و بی‌پرده بیان می‌شود. مثل آیه «دَخَلْتُمْ بِهِنَّ» که در مورد مهریه است.
- ۶- شرایط و مقدمات نماز، تخفیف بردار هست، ولی تعطیل بردار نیست. فَلَمْ
- ۷- باید برای پیدا کردن آب وضو و غسل تلاش کرد، اگر پیدا نشد، آنگاه نوبت به تیمم می‌رسد. («فَلَمْ تَجِدُوا» در جایی است که انسان تلاش کند ولی نیابد.)
- ۸- با آب یا خاک آلوده، نمی‌توان با خدای پاک، ارتباط برقرار کرد. صَعِيداً طَيِّباً
- ۹- هم خوردنی‌ها باید طیب باشد که در دو آیه‌ی قبل به آن اشاره شد، هم تیمم باید به خاک طیب باشد. صَعِيداً طَيِّباً
- ۱۰- در احکام دین، حرج و دشواری نیست. مَا يُرِيدُ اللَّهُ ... مِنْ حَرْجٍ
- ۱۱ هدف از وضو و غسل و تیمم، طهارت معنوی و آمادگی برای ارتباط با خداست
- ۱۲- تکالیف الهی، برای انسان نعمت است. لِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ
- ۱۳- انجام تکلیف، یکی از مصادیق شکر خداست. لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

قیام برای خداوند فقط

۳۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

الا مؤمنان در ره کردگار مائده ۸ بمانید پاینده و استوار

به عدل و درستی به انصاف و داد گواهی دهید ای نکویان راد

اگر عده ای با شما دشمنند در دشمنی و عداوت زند

مبادا بر این کار مایل شوید که از حلقه عدل بیرون روید

عدالت بورزید کز هر عمل به تقواست نزدیکتر در عمل

ز یزدان بترسید بیناست او به هر کار حقا که دانااست او

شان نزول :

«شیخ طوسی» گوید: این آیه درباره یهود نازل شده هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به طرف قلعه و دیوار بنی قریظه رفت که به آنها دیه پردازد ولی یهودیان کوشش داشتند که پیامبر را به قتل برسانند سپس این آیه نازل گردید

نکته ها مشابه این آیه با اندکی تفاوت، در آیه ۱۳۵ سوره نساء آمده است، «قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَ الْأَقْرَبِينَ» قیام به عدالت کنید و گواهان برای خدا باشید.

هر چند به زیان خود یا والدین و بستگان شما باشد. تفاوت میان این دو آیه، آن است که این آیه سفارش می کند: کینه ها و دشمنی ها شما را منحرف نکند؛

ولی آیه سوره‌ی نساء می‌فرماید: علاقه‌ها و وابستگی‌ها شما را از مرز عدالت خارج نکند. آری، عوامل انحراف از عدالت یا بغض و کینه است، یا حبّ و دوستی که هر آیه به یکی از آنها اشاره دارد. از آنجا که نادیده گرفتن کینه‌های درونی درباره مردم دشوار است، لذا در این آیه چند فرمان و چند تشویق به کار رفته است.

پیام‌ها

- ۱- اگر انگیزه‌ی انسان، کینه‌های او شد، اخلاصی در کار نیست؛ ولی اگر قیام برای خدا باشد، کینه‌ها در اجرای عدالت بی‌اثر می‌شود. قَوَّامِينَ لِلَّهِ ... لَا يَجْرِمَنَّكُمْ
- ۲- عدالت مستمر به صورت ملکه و عادت، ارزش کاملی است، گرچه عدالت لحظه‌ای مطلوب است. كُونُوا ... شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ ...
- ۳- مؤمنان، هم رابطه با خدا دارند. «قَوَّامِينَ لِلَّهِ» و هم در رابطه با مردم گواهی به عدل می‌دهند. «شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ»
- ۴- اگر باور کنیم که خدا عملکرد ما را می‌داند، به عدل رفتار خواهیم کرد.
- ۵- انسان‌های کینه‌توز و عقده‌ای، نمی‌توانند عادل باشند. (برای رسیدن به عدالت باید کینه‌ها را کنترل کرد) «لَا يَجْرِمَنَّكُمْ
- ۶- احساسات باید تحت الشعاع عدالت باشد. لَا يَجْرِمَنَّكُمْ ... اَعْدِلُوا .
- ۷- کینه‌جویی، از عوامل انحراف از عدالت است. «سَنَّا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا
- ۸- در سیاست‌گذاری‌ها و روابط داخلی و خارجی؛ حتی نسبت به دشمنان هم عادل باشیم.
- ۹- انسان‌های عادل و منصف، به تقوا نزدیک‌ترند. «اَعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ»

نعمت امداد الهی

۳۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَنْ يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ مائده ۱۱

الا مؤمنان بازآرید، یاد ز نعمات خاصی که یزدان بداد

در آن دم که کفار بی بندوبار ببستند همت بر این گونه کار

که بلکه شما را به تنگ آورند که در زیر چنگال محنت برند

ولی دست آن قوم را از شما بفرمود کوتاه یکتا خدا

پس اکنون بترسید از کردگار بمانید همواره پرهیزکار

که افراد مؤمن به یزدان راد نمایند تنها بر او اعتماد

شان نزول: شیخ طوسی «گوید: این آیه درباره کسانی نازل گردید که می خواستند نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله سوء قصد نموده و او را از بین ببرند و راجع به آن شش قول ذکر نموده اند:

اول، آنان یهودیان بنی قریظه بودند، موقعی که رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد آنان رفته بود که دیه مقتولین بنی کلاب را که بعد از بئرمعونة اتفاق افتاده بود، بپردازد. بدین شرح که عمرو بن امیه الضمری به دو نفر از آنان برخورد و به آنها گفته بود، آیا مسلمان هستید؟ آنان گفتند: ما بر شما وارد شده ایم. عمرو هر دو را به قتل رسانید و اینان قبلاً نزد پیامبر آمده بودند پس از این واقعه رسول خدا صلی الله علیه و آله به عمرو فرمود: برای چه آن دو نفر را قبل از این که به مأمّن خویش برسند، کشته ای؟ سپس قسم یاد فرمود که دیه دو مقتول مزبور را بپردازد

لذا به طرف یهود بنی قریظه راه افتاد. بنوقریظه موقع را مغتنم شمرده در صدد از بین بردن رسول خدا صلی الله علیه و آله افتادند، خداوند او را از این واقعه آگاه کرد و پیامبر از اقامت نزد آنان منصرف گردید.

دوم، پیامبر با جمعی از بنی ذبیان جنگیده بود، آنان به کوه‌ها پناه برده بودند، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در تعقیب آنها نپرداخت و در عین حال آنها را می‌دید سپس به کار خویش پرداخت باران او را گرفت و لباس پیامبر کاملاً خیس شده بود لباس را از تن درآورد و به درختی آویزان نمود تا خشک شود سپس اندکی زیر آن درخت استراحت نمود خواب او را فراگرفت در حالی که از یاران خود دور بود ولی دشمنانی که به کوه پناهنده شده بودند او را می‌دیدند. جریان امر را به امیر خود دعثور خبر دادند، دعثور از بالای کوه پائین آمده و بالای سر رسول خدا صلی الله علیه و آله ایستاد و در حالی که شمشیر خود را در دست داشت به فکر کشتن پیامبر افتاد و با صدای بلند پیامبر را صدا زد و گفت: ای محمد چه کسی هم اکنون می‌تواند مرا از کشتن تو مانع گردد، رسول خدا فرمود: خداوند، در این حال جبرئیل به سینه آن مرد نواخت، شمشیر از دست او افتاد. پیامبر به فوریت شمشیر را برداشته و به دعثور حمله‌ور شد و او را به زمین کوبید و بالین سر او قرار گرفت و گفت هم اکنون چه کسی می‌تواند مرا مانع از کشتن تو بشود. دعثور در جواب گفت: هیچ کس، سپس در آن حال شهادتین را بر زبان جاری ساخت و مسلمان گردید و بعد این آیه نازل شد.

سوم، خداوند به مؤمنین لطف نمود و دشمنان آنان را منکوب کرد در موقعی که دشمنان مزبور با وسائل متعدد در صدد از بین بردن آنها برآمده بودند و خداوند به امراض گوناگون و قحطی و میرانیدن بزرگان آنها، از مؤمنین دفع شر نمود و

همین موضوع سبب انصراف دشمنان از ادامه قتال با مؤمنین شده بود **چهارم**، ابن عباس گوید: یهودیان رسول خدا صلی الله علیه و آله را برای صرف غذا دعوت کرده بودند ولی مقصود آنها کشتن پیامبر از روی ناگهان بوده است و خداوند رسول خویش را از نیت پلید آنان آگاه ساخت و لذا پیامبر در آن مجلس حاضر نگردید و دعوت مزبور را قبول نفرمود.

پنجم، این آیه هنگامی نازل گردید که مشرکین در روزی که پیامبر با اصحاب خود در نخلستانی به خواندن نماز مشغول شده بودند، قصد کشتن او و اصحاب را نمودند. خداوند پیامبر خود را آگاه ساخت و رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز مزبور را برای خلاصی از سوء قصد به نماز خوف مبدل نمود و خلاصی یافت و این خود منت و نعمتی از جانب خداوند برای مؤمنین بوده است

نکته ها می توان آیه را شامل همه ی مواردی دانست که مسلمانان، در مقابل سوء قصد یا تهاجم دشمن، با تکیه بر خداوند پیروز شده و نجات یافته اند.

۱ - یاد نعمت های خدا بر مؤمنان لازم است «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ» (زیرا هم نوعی شکر است، هم غرور و غفلت را از انسان دور می نماید و هم عشق انسان را به پروردگار می افزاید.)

۲ - دفع خطرات دشمن، از نعمت های خداست. فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ

۳ - با تقوا و توکل و ایمان، لطف خدا را به خود جلب و خطر دشمنان را دفع کنیم. (همان گونه که به خاطر گناه، خداوند دشمن را بر انسان مسلط می کند، توجّه به خدا هم موجب دفع دشمنان است.)

۴ - لازمه ی ایمان و تقوا تکیه بر خداست - تقوا و توکل داشتن، بر اثر یاد خداوند و ایمان است.

نیاز به وسیله برای توسل به خداوند

۳۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ مائده ۳۵

بترسید ای مؤمنان از خدا توسل نمایید بر کبریا

بجنگید در راه پروردگار بود آنکه گردید خود رستگار

نکته ها حضرت علی علیه السلام می فرماید: «بهترین وسیله ای که می توان با آن به خدا نزدیک شد، ایمان به خداوند و پیامبرش و جهاد در راه او و کلمه ای اخلاص و اقامه ای نماز و پرداخت زکات و روزه گرفتن ماه رمضان و حج و عمره و صله ای رحم و انفاق های پنهانی و آشکار و کارهای نیک است

اهل بیت علیهم السلام همان ریسمان محکم و وسیله ای تقرّب به خداوند هستند. هم العروة الوثقى والوسيلة الى الله. توسّل، موضوعی است که در کتب بسیاری از اهل سنت مثل «صواعق» ابن حجر، «سنن» بیهقی، «صحیح» دارمی و «وفاء الوفاء» درباره ی آن روایت نقل شده است. ضمناً آیات ۶۴ سوره ی نساء، ۹۷ سوره ی یوسف و ۱۱۴ سوره ی توبه نیز می تواند سند توسّل باشد.

۱- ایمان «آمَنُوا»، تقوا «اتَّقُوا اللَّهَ»، شفاعت «وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ» و جهاد «وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ»، راه سعادت و رستگاری است. لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ
۲- برای رسیدن به فلاح، هم باید گناهان را ترك کرد، «اتَّقُوا اللَّهَ» هم باید طاعات را انجام داد. وَ ابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ

۳- کارهای خیر، همه زمینه و وسیله ی سعادتند. (البته اگر با گناه خود آن زمینه ها را از بین نبریم.) لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

یهودیان و مسیحیان را سرپرست و یاور نگیرید

۳۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
وَ مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ مائده ۵۱

از اهل کتابی نگیرید یار

الا مؤمنان به پروردگار

در آن بین افراد صالح کمند

که بعضی از آنها رفیق همد

شود همچو آن مردم نابکار

هرآن کس از ایشان گزیدست یار

هدایت نسازد به راه درست

خدا هرکسی را که او ظلم جست

شان نزول:

این آیه بعد از غزوه احد آمد، بدین شرح وقتی که در جنگ مزبور مسلمین شکست خوردند از مشرکین می ترسیدند. یکی از آن میان می گفت:

من به یهودیان پناه می برم و از ایشان امان خواهم خواست. دیگری می گفت: من به شام می روم و از مسیحیان امان خواهم خواست سپس این آیه نازل گردید.

نکته ها

ذکر یهود و نصارا در آیه، از باب نمونه است، وگرنه شکی نیست که ولایت هیچ کافری را هم نباید پذیرفت.

از آیات دیگر قرآن استفاده می شود که بهره گیری از غذاهای غیر گوشتی اهل کتاب، یا ازدواج موقت با آنان، یا داد و ستد و زندگی مسالمت آمیز با آنان جایز است و هیچ يك از این مسائل به معنای سلطه پذیری آنان نیست.

پیام ها

- ۱- خداوند از بندگان مؤمنش، انتظارات خاصی دارد. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا
- ۲- تبری از دشمن، از شرایط ایمان است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا...
- ۳- اسلام، دین سیاست است و تنها به احکام فردی نمی‌پردازد لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ
وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ
- ۴- وقتی یاری گرفتن از کفار مورد نهی قرآن است، قطعاً در روابط و سیاست
خارجی، پذیرش ولایت و سلطه‌ی اهل کتاب و کفار ممنوع است. لا تَتَّخِذُوا
- ۵- ولایت کفار و دشمنان را نپذیریم، چون آنان تنها به فکر هم مسلکان خویشند.
- ۶- با وجود اختلافات شدید میان یهود و نصارا، پیوندشان به خاطر نابودی
اسلام است.
- ۷- کفار تنها نسبت به تعهدات میان خودشان وفادارند، ولی نسبت به تعهدات
با مسلمانان پایبند نیستند. لا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَ النَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ
- ۸- دولت‌های اسلامی که ولایت و سلطه کفار را پذیرفته‌اند، از کفار محسوب
می‌شوند. فَإِنَّهُ مِنْهُمْ» (دوستی با هر فرد و گروهی، انسان را جزو آنان می‌سازد.)
- ۹- نه کفار را «ولی» خود گردانید و نه با آنان که ولایت کفار را پذیرفته‌اند، رابطه
ولایت داشته باشید. فَإِنَّهُ مِنْهُمْ
- ۱۰- نتیجه‌ی پذیرش ولایت کفار، قطع ولایت خداست. فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ
- ۱۱- تکیه بر کفار، ظلم است. لا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

ایرانیان و سلمان فارسی

۳۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ مائده ۵۴

الا مؤمنان هرکس از دین خود	کنون مرتد و رویگردان بشد
برانگیزد ایزد به زودی زود	یکی پاک قومی به دور وجود
که ایزد بر آنها رفیقی نکوست	که ایشان هم او را بدارند دوست
که در پیش مردان یزدان پرست	فروتن بمانند وز عشق مست
ولی پیش کفار ناراست کار	سرافراز هستند و با اقتدار
برانگیزد این قوم را بر جهاد	بجنگند در راه حق، در بلاد
که در راه دین خداوند پاک	ندارند از سرزنش هیچ باک
بلی این چنین است فضل خدا	که بر هرکه خواهد نماید عطا
که الطاف یزدان بود بیکران	بود آگه از حال اهل جهان

شان نزول:

در روایت است: چون این آیه نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست به شانه‌ی سلمان فارسی زد و فرمود: هموطنان تو مصداق این آیه‌اند.

همچنانی که روایت مزبور را حدیفه و عمار و دیگران هم روایت و نقل نموده اند و تنها موضوعی که تأویل مزبور را تقویت می‌کند آنست که خداوند اوصافی را که

در آیه ذکر فرموده تمام و کمال در امام مرتضی علیه السلام و پیروان و شیعیان واقعی می یابیم که از هر حیث تمامی صفات مذکور در آیه را واجد و دارا می باشند **نکته ها** در آیات قبل، خطر سلطه کفار و منافقان مطرح بود، اینجا سخن از ارتداد است. شاید اشاره به این باشد که نفاق و دوستی و رابطه با کفار و پذیرش سلطه آنان، به ارتداد می انجامد.

امام باقر علیه السلام درباره ی «يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ» فرمود: «مراد علی علیه السلام و شیعیان اویند.

در روایات شیعه و سنی آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در جنگ خیبر، پس از ناکامی فرماندهان در فتح قلعه های دشمن فرمود:

به خدا سوگند فردا پرچم را به دست کسی می دهم که خدا و رسولش او را دوست دارند، او هم، خدا و رسول را دوست دارد و پیروزی را به ارمغان می آورد. آنگاه پرچم را به دست علی علیه السلام داد.

پیام ها

۱- مؤمن باید به فکر عاقبت خود باشد، چه بسا مؤمنانی که مرتد شوند. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ

۲- رهبر روشن ضمیر، باید احتمال ارتداد و برگشت پیروان خود را بدهد. مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ

۳- کفر یا ارتداد گروهی از مؤمنان، به راه خدا ضربه نمی زند. فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ...

۴- زمینه ارتداد، نداشتن معرفت و محبت نسبت به دین و خداست. يَأْتِي اللَّهُ

۵- خداوند، نیازی به ایمان ما ندارد. فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ

۶- در راه ایمان و شکستن سنت‌ها و عادات جاهلی نباید از سرزنش‌ها و هوچی‌گری‌ها و تبلیغات سوء دشمن ترسی داشت و تسلیم جو و محیط شد.

۷- رفتار مسلمان، نرمش با برادران دینی و سرسختی در برابر دشمن است و هیچ

يك از خشونت و نرمش، مطلق نیست. أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ

۸- فضل خدا تنها مال و مقام نیست، محبت خدا و جهاد در راه او و قاطعیت

در دین هم از مظاهر لطف و فضل الهی است. ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ

۹- دوستی متقابل میان خدا و بنده، از کمالات بشر است. يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

۱۰- با نوید جایگزینی دیگران، جلو یأس و ترس را بگیرید. فَسَوْفَ يَأْتِي ... وَ لَا

۱۱- مؤمن واقعی کسی است که هم عاشق و هم محبوب خدا باشد. يُحِبُّهُمْ وَ

۱۲- کسی که ایمان واقعی دارد، هرگز در برابر کافران احساس حقارت نمی‌کند

۱۳- دلی که از محبت خدا خالی شد، بیمار و وابسته به کفار می‌شود، ولی دلی که

از مهر خدا پر است هرگز وابسته نمی‌شود. فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ ... يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ

۱۴- اسلام رو به گسترش است، تنها به ریزش‌ها نگاه نکنیم به رویش‌ها نیز بنگریم

۱۵- در آینده پرچم اسلام را کسانی بدست خواهند گرفت که عاشق خدا و

مجاهد و با صلابت باشند. يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ ... أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ

۱۶- جنگ روانی، در مؤمنان واقعی اثری ندارد. لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ .

۱۷- فضل خداوند، محدود نیست؛ لیکن به هرکس به قدر حکمتش عطا می‌کند.

۱۸- اگر خداوند به شخصی لطفی کرد، آگاهانه است. وَاسِعٌ عَلِيمٌ

پرهیز از استهزا کنندگان دین

۳۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَ لَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ الْكُفَّارَ أَوْلِيَاءَ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ مائده ۵۷

بگو مؤمنان را مگیرید یار ز اهل کتاب و ز کفار خوار

که کردند بر دینتان ریشخند به بازیچه آن را گرفتند چند

بترسید از ایزد اگر مؤمنید ز روی حقیقت اگر موقنید

شأن نزول: «شیخ طوسی» گوید: ابن عباس گوید: رفاعه بن زید بن التابوت و
سوید بن الحرث مسلمان شده بودند و سپس نفاق ورزیدند و عده‌ای از مسلمین
با آنها طرح دوستی ریخته بودند، سپس این آیه نازل گردید

۱ - کیفر دنیوی کسانی که به دین خدا و مقدّسات مذهبی توهین می‌کنند، قطع
رابطه است. لَا تَتَّخِذُوا ... (در روابط با دیگران، احترام به مقدّسات يك شرط
ضروری است)

۲ - شرط ایمان، داشتن غیرت دینی و تبری از ناهلان است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
تَتَّخِذُوا

۳ - استهزای دین، (با جنگ سرد و روانی) یکی از شیوه‌های مبارزاتی دشمنان است

۴ - تقوای الهی ایجاب می‌کند از دشمنان نترسیم و آنان را ولیّ خود قرار ندهیم

لذت بردن از حلال خداوند

۳۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ مائده ۸۷

الا مؤمنان آن غذاهای پاک که باشد حلال و نکو روی خاک

مبادا نمایید بر خود حرام نجوید بیزاری از آن طعام

تعدی مرانید در حق خویش نگیرید راه ستم نیز پیش

محبت نوزد خدا نیز هم بر آنها که ورزند هر دم ستم

شان نزول آیات ۸۷ و ۸۸: شیخ طوسی «گوید: جماعتی از صحابه مانند امام علی علیه السلام و عثمان بن مظعون و ابن مسعود و عبدالله بن عمر همت خود را مصروف به روزه نگهداشتن در روز و خواندن نماز شب و گوشه گیری از مردم و خویشن داری و نخوردن چیزهای خوب نموده بودند و نیز گویند که عثمان بن مظعون نزد پیامبر آمد و از او اجازه خواست که رهبانیت اختیار کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وی را از این کار منع فرمود و گفت: رهبانیت امت من در نشستن مسجد و انتظار نماز بعد از هر نمازی است. سپس عثمان گفت: یا رسول الله آیا اجازه می دهی مانند رهبانیون به سیاحت و سیر آفاق بپردازم.

پیامبر فرمود: سیاحت امت من جهاد در راه خدا است. سپس گفت: آیا اجازه می دهی که با زنان معاشرت نداشته باشم و نزدیکی نکنم؟ فرمود: کسی که چنین کاری بکند از ما نخواهد بود و فرمود: به جای معاشرت نکردن با زنان به روزه گرفتن بپردازید

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله از قیامت و صحنه‌های محشر سخن می‌گفت. مردم چنان منقلب شده، گریستند که بعضی تصمیم گرفتند دیگر غذای خوب نخورند و آسایش را بر خود حرام سازند، روزه بگیرند، همسران خود را ترك کنند، شبها کمتر بخوابند و بر این تصمیم، سوگند خوردند. پیامبر صلی الله علیه و آله که مطلع شد، مردم را در مسجد جمع کرد و فرمود: من غذا می‌خورم، شبها می‌خوابم و همسرانم را رها نمی‌کنم. دین ما آیین انزوا و رهبانیت نیست، رهبانیت امت من جهاد است، هر کس بر خلاف روش من برود مسلمان نیست. برخی گفتند: نسبت به سوگندهایی که خوردیم چه کنیم؟ آیات بعدی نازل شد. حرام دانستن حلال‌ها یا همراه با اعتقاد به حرمت است که بدعت و حرام می‌باشد و یا بدون عقیده به حرمت است که تنها خود بهره نمی‌گیرد که باز هم مورد نهی است. مسلمان، تسلیم فرمان الهی است، نه حلال‌ها را از پیش خود حرام می‌سازد، نه نسبت به حرام‌ها چنین است.

- ۱- اهل ایمان باید از چیزهای پاکیزه و طیبات استفاده کنند.
- ۲- ایمان، با تغییر و دست بردن در احکام الهی سازگار نیست. لا تُحَرِّمُوا
- ۳- اسلام، آیین فطرت است و فطرت کشی ممنوع است. لا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ
- ۴- خوردنی‌ها، پوشیدنی‌ها و لذایذ حلال، برای انسان آفریده شده است. لَكُمْ
- ۵- ایمان، با افراط و تفریط سازگار نیست. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... لَا تَعْتَدُوا...
- ۶- در مکتب اسلام، انزوا، رهبانیت، افراط و تفریط ممنوع لا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتِ... وَلَا
- ۷- محروم کردن خود از طیبات، يك تعدی و تجاوز است. لَا تَعْتَدُوا
- ۸- در بهره‌گیری از حلال‌ها، اسراف و زیاده روی نکنیم. لَا تَعْتَدُوا
- ۹- افراط و تفریط، سبب محروم شدن از محبت خداست. لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

پرهیز از محرّمات الهی

۳۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ مائده ۹۰

الا اهل ایمان شراب و قمار
پرستش نمودن به بت‌های خوار
همین گونه ازلام، زشت و بدست
ز شیطان بود این عمل‌های پست
کناره بجوید زین گونه کار
امیدست گردید خود رستگار
شأن نزول :

هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد مدینه گردید، اهل مدینه شراب می‌خوردند و قمار می‌کردند. از پیامبر در این باره سؤال نمودند آیه ۲۱۹ سوره بقره یَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَ مَنَافِعُ لِلنَّاسِ نازل گردید. بعد از نزول این آیه مردم گفتند: خداوند شراب و قمار را بر ما حرام نکرده، فقط گفته است که گناهی بس بزرگ است. لذا به شرب خمر و بازی قمار ادامه می‌دادند تا این که روزی مردی از مهاجرین با حالت مستی به نماز ایستاد و عده ای به او اقتدا کردند. مرد مهاجر به علت مستی، سوره نماز را به غلط ادا کرد سپس آیه ۴۳ سوره نساء يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى نازل گردید و بعد این آیه و آیه ۹۱ که در این باره شدیدتر بوده نزول یافت. بعد از نزول این آیات مردم گفتند از این به بعد شراب و قمار را ترك خواهیم نمود

نکته ها عرب، به شعر و شراب، علاقه‌ی شدید داشت، به همین جهت تحریم شراب به صورت تدریجی انجام گرفت.

خمر، پوشاندن با کلمه‌ی «خِمار» از یک ریشه است. به مقنعه‌ی زنان خِمار می‌گویند، چون موی سر را می‌پوشاند. شراب را هم خمر چون عقل را می‌پوشاند. میسر از «یسر»، آسانی. چون در قمار، افراد بدون زحمت، پول به دست می‌آورند، به آن میسر گویند. **أنصاب جمع «نصب»**، سنگ‌هایی است که اطراف کعبه نصب و روی آن قربانی می‌کردند و به آنها تبرک می‌جستند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله: چیزی است که مشرکان برای بت‌ها قربانی می‌کردند. ما **ذبحوه لآلهتهم ازلام**، نوعی قرعه‌کشی و قمار با چوب است که در جاهلیت رواج داشته. رسول خدا فرمود: قمار با هر وسیله‌ای که باشد، حتی گردو، حرام است **شارب الخمر کعابد الوثن** شرابخوار، مثل بت‌پرست است.

در شراب، هر نوع همکاری در تولید، توزیع و مصرف آن حرام است. امام باقر علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که آن حضرت ده گروه را که به نحوی در شرابخواری مؤثرند، لعنت کرد: غارسها و حارسها و عاصرها و شاریها و ساقیها و حاملها و المحمول الیه و بایعهها و مشتریها و آکل ثمنها آنکه نهال انگور را می‌کارد، آنکه به ثمر می‌رساند، سازنده، نوشنده، ساقی، حمل‌کننده، دریافت‌کننده، فروشنده و خریدار و هر کس که به نحوی از درآمد آن بهره‌مند می‌شود، ملعون است.

- ۱- ایمان، با شراب‌خواری و قماربازی سازگاری ندارد. **إِنَّمَا الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ ...**
- ۲- شراب و قمار، در ردیف بت‌پرستی است. **الْخَمْرُ وَ الْمَيْسِرُ وَ الْأَنْصَابُ** «
- ۳- اسلام از پلیدی‌ها نهی می‌کند. **رَجَسٌ ... فَاجْتَنِبُوهُ**
- ۴- خوردن لقمه‌ی حلال و پرهیز از حرام‌خواری، در سعادت و رستگاری انسان مؤثر است. **«فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»**

آزمون برای تسلیم امر الهی

۳۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ مائده ۹۴

الا مؤمنان کردگار جهان شما را به صیدی کند امتحان

رساند یکی صید در دسترس توان زد به تیرش ز پیش و ز پس

که تا آزمایش چه کس از شما به دل ترس دارد ز یکتا خدا

(چه کس حرمت صید دارد نگاه رعایت نماید حدود اله)

ازاین پس هرآن کس تجاوز نمود ز حدی که ایزد معین نمود

عذابی بر او هست بس دردناک که هر لحظه از آن بگردد هلاک

نکته ها : در ایام حج و حالت احرام، حاجی حق شکار ندارد. همان ایام گاهی

شکار تا نزدیکی انسان می آید و می توان به راحتی به آن دست یافت، ولی آزمایش

الهی به این است که دست به شکار نزنیم. در حدیث می خوانیم: در عمره ی

حُدیبیه حیوانات شکاری فراوانی برای مسلمانان ظاهر شدند که مسلمانان

می توانستند به راحتی آنان را صید کنند. در قرآن، مسأله ی شکم و غذا، به عنوان

یکی از اسباب آزمایش الهی مطرح شده است، به نمونه های زیر توجه کنید:

الف: آدم و حوا در مسأله ی غذا شکست خوردند. لا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ

ب: بنی اسرائیل در تحریم صید ماهی در روزهای شنبه ها، شکست خوردند.

ج: یکی از فرماندهان بنی اسرائیل هنگام عبور سربازانش از یک منطقه و رسیدن به

نهر، فرمان داد که از آب آن ننوشند، ولی یارانش جز اندکی، خوردند فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا

د: روزه گرفتن، يك آزمایش بزرگ است .

ه: نزدیک شدن شکار به حجاج در حالت احرام ، خود يك آزمایش است.

سؤال ۱: خداوند که همه چیز را می‌داند چرا آزمایش می‌کند؟ حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه: آزمایشات الهی برای آن است تا انسان در برابر حوادث تلخ و شیرین عکس‌العمل نشان دهد و در برابر آن، استحقاق کیفر یا پاداش داشته باشد. آری، خداوند بر اساس عمل، کیفر و پاداش می‌دهد نه بر اساس علم خود، همان گونه که ما نیز به خاطر علم به هنر و کارآیی فردی به او پاداش نمی‌دهیم، بلکه باید برای ما کاری از خود نشان دهد تا مزد بگیرد .

سؤال ۲: آیا مهمان و زائر خانه خدا، به خاطر شکار حیوانی باید به عذاب شود؟

خود شکارکردن، عذاب دردناک ندارد، بلکه عذاب به خاطر شکستن قداست حرم و احرام و قانون‌شکنی اوست. فَمَنْ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ .

۱- آزمایش مؤمنان، يك سنت قطعی پروردگار است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيَبْلُوَنَّكُمْ» (حرف «لام» و فعل مضارع و نون تأکید، نشانه‌ی قطعی بودن است)

۲- خدا ترسی آنجا آشکار می‌شود که زمینه‌ی گناه فراهم باشد و انسان خطا نکند

۳- نعمت‌های در دسترس، وسیله‌ی آزمایشند. لَيَبْلُوَنَّكُمْ اللَّهُ... تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ

۴- هر چیزی که دست ما به آن می‌رسد، رزق و حلال نیست. «تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ

۵- ملائک تقوا، خوف باطنی است، نه تنها حیای ظاهری. «يَخَافُهُ بِالْغَيْبِ

۶- تکلیف و مسئولیت، بعد از ابلاغ است. «بَعْدَ ذَلِكَ

۷- حاجی که فرسنگ‌ها در بیابان‌ها به عشق حق می‌رود، گاهی يك شکار کوچک او

را از پا در می‌آورد و به نافرمانی می‌کشد که نتیجه‌ی آن عذاب الهی است.

کفاره چاره نادیده گرفتن امر الهی

۴۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِاَلْبَالِغِ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَاماً لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ مائده ۹۵

الا مؤمنان خود مسازید صید

چو در حال احرام هستید و قید

هرآن کس که دانسته صیدی بکشت

بود بار کفاره اش هم به پشت

بباید ز مالی که دارد بدست

یکی صید مانند صیدی که هست

دو تن مرد عادل گواهی نهند

به مثلیت آن شهادت دهند

به قربانی آرد به بیت خدا

به راه خداوند سازد فدا

و یا بر مساکین ببخشد طعام

و یا روزه گیرد رود در صیام

سزد تا جزای تخطی چشد

که بار مجازات را برکشد

از آنچه گذشته است ایزد گذشت

کنون هرکسی گرد این کار گشت

خداوند از وی کشد انتقام

که هر کرده پاداش دارد تمام

همانا خدا راست بس اقتدار

کشد انتقامی زهر زشتکار

نکته ها کلمه‌ی «حُرْمٌ» کسی است که برای حج یا عمره، مُحْرَم شده است.

کلمه‌ی نعم که جمع آن «انعام» است، به شتر، گاو و گوسفند گفته می‌شود.

کلمه‌ی مسکین از سکن، به کسی گفته می‌شود که بخاطر تهی‌دستی و فقر، از

مسکن خود خارج نشود و فقر او را از پا در آورده و خانه‌نشین کرده.

امام صادق علیه السلام فرمود: کفارهی شترمرغ، شتر و کفارهی الاغ وحشی، گاو و کفارهی آهو، گوسفند و کفارهی گاو وحشی، گاو اهلی است .

۱- امنیت در حال احرام، حتی برای حیوانات نیز باید حفظ شود لا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ
۲- فلسفه‌ی حلال و حرام بودن، همیشه ذاتی و مربوط به خود موارد نیست، بلکه گاهی به اقتضای شرایط زمانی و مکانی است، پس زمان و مکان، تاریخ و جغرافیا، در حکم الهی تأثیر دارد. وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ

۳- اسلام برای حالات خاص، دستورات ویژه‌ای دارد. وَ أَنْتُمْ حُرْمٌ

۴- قوانین اسلام برای همه است. وَ مَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ

۵- خطرناکتر از خود (عمل خلاف)، انگیزه و هدف و سوء قصد آگاهانه است.

۶- کیفر، باید عادلانه باشد. «مِثْلُ مَا قَتَلَ

۷- اسلام به هر مناسبتی به مسئله‌ی گرسنگان و فقرزدایی توجه دارد. طَعَامٌ

۸- حیواناتی که در مکه ذبح می‌شوند، هدیه هستند. هَدِيًّا بِالْغِ الْكَعْبَةِ

۹- دست مجرم را در انتخاب نوع جریمه (قربانی، اطعام، روزه) باز بگذاریم و

شرایط مالی و توان جسمی او را نادیده نگیریم. فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ ... أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ

۱۰- کیفر قانون‌شکنی به قدری سنگین است که اطعام شصت فقیر یا گرفتن

شصت روزه تنها گوشه‌ای از آن است، نه تمام آن. لِيَذُوقَ

۱۱- اجرای قوانین، پس از ابلاغ رسمی آنهاست. «عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ» قانون موارد

قبلی را شامل نمی‌شود.

۱۲- در تکرار شکار، علاوه بر جریمه، انتقام و قهر الهی نیز وجود دارد.

۱۳- اصرار بر گناه و تکرار آن، بسیار خطرناک و عقوبت سختی در پی دارد.

۱۴- تهدیدات الهی را جدی بگیریم. فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ ... عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

سوال بی جا

۴۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنَ أَشْيَاءٍ إِن تَبَدَّلَ لَكُمْ تَسْوُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبَدَّلَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَ اللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ مائده ۱۰۱

الا مؤمنان به رب جلال پرسید ز آن چیزهای سؤال

که گر فاش گردد بخیزد بلا شما را بد آید، بود ناروا

زمانی پرسید از آن اصول که آیات قرآن بگردد نزول

که قرآن بیان می کند در صفت هرآنچه شما را بود مصلحت

کنون عفو فرمود یکتا خدا گناه سؤالات بیجای را

که بر بندگان خودش کردگار غفورست و باشد بسی بردبار

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ ۱۰۲

کزین پیشتر نیز قومی سؤال بکردند این گونه از ذوالجلال

که چون بهرشان گشت پاسخ بیان بگشتند کافر به رب جهان

نکته ها

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با مردم درباره‌ی حج سخن می گفت. کسی پرسید: آیا حج، همه ساله واجب است یا در تمام عمر تنها یکبار؟ پیامبر پاسخ نداد. او چند بار پرسید، رسول خدا فرمود: این همه اصرار برای چیست؟ اگر بگوییم: «هر سال، کار بر شما سخت می شود»، تا موضوعی را مطرح نکرده‌ام، شما هم نپرسید: «یکی از عوامل هلاکت امت‌های پیشین سؤال‌های نابجای آنان بود. گرچه آنچه را نمی دانیم، باید از اهلش پرسیم، «فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»

اما برخی سؤال‌هاست که اگر جوابش روشن شود، به زیان فرد یا جامعه است، مثل سؤال از عیوب دیگران، یا اسرار نظامی.

نمونه‌ها و مصادیق:

مسئولان، بعضی از مطالبی را که می‌دانند، نباید در اختیار عموم بگذارند. نظیر مسائل اقتصادی، مانند: کمبود گندم و... صداقت خوب است؛ ولی صراحت، همه جا مفید نیست. اخبار و اطلاعات، باید رده‌بندی و طبقه‌بندی شود. (جابر جعفی، هزاران حدیث از امام باقر علیه السلام می‌دانست که حق گفتن آن را برای همه مردم نداشت.) برخی از اخبار، نباید از رسانه‌ها و جراید، پخش شود، چون به زیان مردم است (گاهی سکوت، عاقلانه لازم است) *إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ مَعْلَمَانَ* و گویندگان باید، ظرفیت شنوندگان را در نظر داشته باشند. در برخی موارد، باید به شیوه‌ی تقیّه، عقاید را کتمان کرد و برخی سؤال‌ها را جواب نداد. *إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْؤُكُمْ* انسان حق ندارد اسرار مردم و اسرار نظامی را فاش سازد.

پیام‌ها

۱- دانستن هر چیزی، نه لازم است و نه مفید، بلکه باید سراغ دانش‌های مفید رفت. «*لَا تَسْأَلُوا*» (حسن کنجاوی باید تعدیل شود و نباید در پی اطلاعاتی رفت که سبب ایجاد کدورت، مشکلات و اختلال در نظام جامعه می‌شود.)

۲- مکلف نساختن مردم به پاره‌ای از احکام، پرتوی از عفو و گذشت الهی است

۳- خداوند به بندگان مهلت توبه می‌دهد. *عَفُورٌ حَلِيمٌ*

۴- اگر مردم ظرفیت نداشتند، بیان پاره‌ای از حقایق، سبب کفر آنها می‌شود.

حفظ و رسیدگی به نفس خود

۴۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعاً فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ مائده ۱۰۵

پس ای مؤمنان به یکتا اله
بدارید ایمان خود را نگاه
اگر کل هستی و ملک جهان
بگردند گمراه در این زمان
و لیکن شما مؤمنان زین نسق
به راه هدایت بمانید و حق
ز کفری که ورزند کل بشر
نبینید هرگز زیان و ضرر
که هر چیز گیتی در این سیر و گشت
به سوی خدا می کند بازگشت
خداوند آن روز بی کم و بیش کم و بیش
شما را کند آگه از کار خویش

شأن نزول: این آیه درباره کسانی نازل گردیده که امر به معروف و نهی از منکر نمایند ولی کسی از آنها گوش نکند. و یا بعد از ما بیایند و بعد از دوران ما به امر به معروف و نهی از منکر پردازند. از امام صادق علیه السلام روایت شده که این آیه درباره تقیه نازل گردیده است

نکته ها

بعضی این آیه را دستاویز قرار داده و می گویند: وظیفه ی هر کس تنها حفظ خود است، و ما مسئول گناه دیگران و امر و نهی آنان نیستیم!

در پاسخ آنان می گوئیم: با وجود آیات و روایات متعددی که همه نشان از وجوب امر به معروف و نهی از منکر دارد، باید گفت: مراد این آیه رها کردن این دو وظیفه نیست، بلکه مراد آن است که اگر امر و نهی صورت گرفت، ولی اثر نکرد

شما دیگر وظیفه‌ای جز حفظ خود ندارید. علاوه بر آنکه حفظ جامعه از گناه به وسیله‌ی امر به معروف و نهی از منکر، یکی از مصادیق حفظ خویشتن است.

پیام‌ها

- ۱- در راه حق، از تنهایی نترسیم. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ
- ۲- اگر حریف دیگران نمی‌شویم، حریف نفس خود باشیم. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ...
- ۳- انحراف جامعه، مجوز گناه کردن افراد نیست. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ ...
- ۴- در قیامت، هر کس مسئول کار خویش است. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ
- ۵- در پی کشف و افشای عیوب دیگران نباشیم. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ
- ۶- اهل ایمان بر رفتار و کردار ناروای گمراهان و عقائد باطل آنان مؤاخذه نخواهند شد. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ
- ۷- در راه نجات دیگران، خودتان غرق نشوید. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ
- ۸- چنان باید تربیت شویم که فساد محیط و جامعه در ما تأثیر نگذارد. لَا يَضُرُّكُمْ
- ۹- روحیه‌ی خود را به خاطر انحراف دیگران از دست ندهیم عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا
- ۱۰- گرچه منحرفان در کمین هستند، اما راه مصونیت یافتن، هدایت پذیری است
- ۱۱- ایمان به معاد، عامل خودسازی است. إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ
- ۱۲- پیروی از نیاکان و تقلید کورکورانه از دیگران، در قیامت نجات‌بخش انسان نیست، بلکه هر کس باید پاسخگوی راه و عمل خویش باشد. عَلَیْكُمْ أَنْفُسَكُمْ ...
- ۱۳- رفتار و کردار انسان در دنیا، فرجام او را در قیامت روشن می‌کند. فَيُنَبِّئُكُمْ

آماده بودن وصیت نامه مومن

۴۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ أَوْ آخَرَانِ مِنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ صَرَيْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ ازْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكْتُمُ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنْ آذَانًا لَمِنَ الْآثِمِينَ مائدة ۱۰۶

چو مرگ یکی شخص آید فرا	الا مؤمنان به یکتا خدا
ببایست بر خویش گیرد گواه	دو عادل، دو مؤمن به یکتا اله
چه بیگانه باشند یا آنکه خویش	بباید دو شاهد بخواند به پیش
مسلمان نیابید در آن محل	اگر در سفر آید از ره اجل
اگرچه مسلمان نباشند نیز	دو شاهد بگیرد دور از ستیز
ندارید باور از آنها سخن	اگر بدگمانید برآن دو تن
قسمها و سوگند گیرید باز	از آنها ببایست بعد از نماز
که حق را به ناحق مبدل کنیم	که ما بی گمان خارج از دل کنیم
اگرچه بود ضد خویشانمان	شهادت نسازیم هرگز نهان
شده غرق در ظلمت و تیره بخت	وگر نه گنهکار باشیم سخت

نکته ها مسلمانی به نام «ابن ابی ماریه» همراه دو مسیحی به نام‌های تمیم و عدی که برادر بودند، به سفر تجاری رفتند.

مسلمان بیمار شد، وصیت نامه‌ای نوشت و آن را میان وسایل خود پنهان کرد و اموال خود را به آن دو مسیحی داد که به وارثان بدهند.

پس از مرگش، آن دو نفر در میان اثاثیه‌ی او اجناس گرانبهایی دیده و برداشتند، پس از مراجعت به مدینه، باقی آنها را به وارثان دادند. ورثه، وصیت‌نامه را در میان وسایل دیدند که صورت همه‌ی اثاثیه در آن ثبت شده بود.

چون مطالبه کردند، آن دو مسیحی انکار کردند، شکایت را نزد پیامبر بردند، در این هنگام بود که آیه‌ی فوق نازل شد. طبق حدیثی از اصول کافی، پیامبر از آن دو سوگند گرفت و تبرئه‌شان کرد؛ ولی چون دروغشان از طریق نامه کشف شد، حضرت بار دیگر آن دو را احضار کرد. وارثان سوگند یاد کردند که اجناس دیگری هم بوده و آنها را پس گرفتند

۱- آستانه‌ی مرگ، آخرین فرصت برای وصیت کردن است **حَظَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ**

۲- هنگام وصیت، مؤمن باید دقت‌های لازم را به کار بندد **حِينَ الْوَصِيَّةِ اِثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنْكُمْ**

۳- برای ادای حق مردم، دو شاهد عادل بگیرید. **اِثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ**

۴- برای ادای حق مردم، اگر مسلمان حضور نداشت، با غیر مسلمان کار را محکم کنید. «غَيْرِكُمْ» (لکن غیر مسلمانی که خداوند را قبول داشته باشد تا بتواند به نام مقدّس او سوگند یاد کند) **فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ**

۵- مراعات حقوق مردم همه جا مهم است و مکان بردار نیست. *ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ*

۶- برای پرداخت حق، هرگونه شك را دفع کنید. *تَحْبِسُونَهُمَا ... إِنْ اِزْتَبْتُمْ*

۷- سوگند، یکی از راه‌های شك زدایی است. *فَيُقْسِمَانِ*

۸- تنها سوگند به نام «الله» ارزشمند و معتبر است. *فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ*

۹- برای ادای حق از صحنه‌های مذهبی و ملکوتی و مکان‌ها و زمان‌های مقدس

كَمْكَ بَغَيْرِهِمْ. مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ

۱۰- یکی از عوامل انحراف، رسیدن به پول است. *لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا*

۱۱- یکی از عوامل انحراف، محبت و علاقه‌های فامیلی است. ... *وَ لَوْ كَانَ ذَا*

قُرْبَى

۱۲- تنها موردی که سوگندنامه از طریق وحی، دیکته شده است، حق الناس است.

۱۳- کتمان حق و خیانت در گواهی، عادل را فاسق می‌کند و حرام شمرده شده.

حضرت علی به شخصی که تقاضای (علاوه بر سهم عادی خود) داشت فرمود:
روز جمعه نزد او آید.

سپس او را به نماز جمعه برد و جمعیت را به او نشان داد و فرمود: معنای
تقاضای نابجای تو سرقت از اموال این مردم است.

در این صحنه می‌بینیم که حضرت از نماز و جمعیت و جمعه برای تأثیرگذاری
کلام نورانی خود بهره گرفته است.

شجاعت در مقابل انبوه دشمن

۴۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْأَدْبَارَ انفال ۱۵

بگشتید در معرکه روبرو

چو با کافران گنهارخو

گریزید و بر خویش خواهید ننگ

مبادا که از بیم آنان ز جنگ

زحف، به معنای غلتیدن و روی زمین کشیدن است، به لشکرکشی و حرکت یک لشکر انبوه هم از این جهت که از دور چنین به نظر می‌رسد که روی زمین می‌غلند و پیش می‌آیند، زحف گفته می‌شود.

امام رضا علیه السلام فرمود: فرار از جهاد، موجب وهن دین، استخفاف رهبر حق، جرأت یافتن دشمن و محو مذهب است.

در فضائل حضرت علی علیه السلام آمده است: «وی در تمام عمر، حتی یک بار هم از جبهه و جنگ فرار نکرد». و آن حضرت فرمودند: «پسندیده‌ترین مرگ، شهادت است، سوگند به آن کسی که جان فرزند ابی طالب به دست اوست، برای من کشته شدن با هزار ضربه‌ی شمشیر، راحت‌تر و آسان‌تر از مرگ در بستر است.

۱- خداوند از مؤمنان انتظار ویژه‌ای دارد. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ...

۲- تعداد زیاد دشمن، مجوز فرار از جبهه نمی‌شود. إِذَا لَقِيتُمْ ... زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمْ

۳- در هنگام نبرد، فرار از جنگ جایز نیست. إِذَا لَقِيتُمْ ... فَلَا تُوَلُّوهُمْ الْبَتَّهَ فرار، آنگاه ممنوع است که دو گروه، با آمادگی جنگ کنند، ولی اگر دشمن مسلح غافلگیرانه شبیخون زد و مسلمانان آمادگی نداشتند، عقب‌نشینی مانعی ندارد.

۴- جنگ‌های اسلامی، مکتبی است، نه استعماری و از روی هوا و هوس. الَّذِينَ

آمَنُوا ... الَّذِينَ كَفَرُوا

عدم سرپیچی از خدا و رسول

۴۵ . یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ لَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ .
وَ لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَ هُمْ لَا يَسْمَعُونَ انفال ۲۰ . ۲۱

اطاعت نمایید و از مصطفی

الا مؤمنان از یگانه خدا

هم از او نبوشید امر اله

نتابید رخ از درش هیچگاه

که گویند ما بشنویم آن کلام

نباشید چون آن دورویان خام

که بسیار تاریک دل دیده اند

و لیکن به تحقیق نشنیده اند

نکته ها در سراسر قرآن، پس از اطاعت خدا، اطاعت از رسول خدا ذکر شده، و در ۱۱ مورد، بعد از اتَّقُوا اللَّهَ ، أَطِيعُونَ آمده، یعنی لازمه‌ی تقوای الهی، اطاعت از رسول اوست . با این که اطاعت از خدا و رسول هر دو لازم است، ولی در این آیه تنها از سرپیچی از رسول نهی شده که معلوم می‌شود مشکل آنان در اطاعت از رسول بوده، بخصوص در جنگ بدر و نسبت به فرمان‌های نظامی پیامبر . مراد از شنیدن سخنان پیامبر وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ، بدلیل آیه‌ی بعد، فهمیدن سخنان او و درك حَقَانِيَّتِ اوست . مؤمنان، در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول هستند و به هشدار نیاز دارند - نافرمانی پیامبر، نافرمانی خداست وَ لَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ نفرمود: عَنْهُمَا آری، فرمان خدا و رسول دارای هویتی واحد است و اطاعت از خدا در گرو اطاعت از رسولش می‌باشد - شنیدن و فهمیدن، مسئولیت‌آور است . وَ لَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَ أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ - آگاه شدن از تاریخ و اخبار گذشتگان متخلف، مایه‌ی عبرت است . - در اطاعت از رهبری، صداقت داشته و به تعهدات خود پایبند باشیم و بدون عمل ادّعیای ایمان نکنیم .

پذیرش دعوت خدا و رسول

۴۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَ أَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ انفال ۲۴

الا مؤمنان چون رسول و اله

شما را بخوانند بر راست راه

اجابت نمایند آنچه بود

که یابید عمر و حیات ابد

خدا بین انسان و قلبش درست

بگردیده حائل ز روز نخست

چو ایام گیتی بر انسان گذشت

نمایید سوی خدا بازگشت

نکته ها حیات، اقسام مختلفی دارد.

۱. حیات گیاهی. «أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» خداوند زمین را زنده می کند

۲. حیات حیوانی. «لَمْحِي الْمَوْتِي» خداوند مردگان را زنده می کند .

۳. حیات فکری. «مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ» آن که مرده بود و زنده اش کردیم.

۴. حیات ابدی. «قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي» کاش برای زندگی چیزی از پیش فرستاده بودم

مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می آید، حیات حیوانی نیست، بلکه

مقصود حیات فکری، عقلی و معنوی، اخلاقی و اجتماعی و بالاخره حیات و زندگی

در تمام زمینه ها می باشد. . حیات انسان، در ایمان و عمل صالح است و خداوند

و انبیا هم مردم را به همان دعوت کرده اند. دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ اطاعت از فرامین

آنان رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است، چنانکه در جای دیگر: مَنْ عَمِلَ

صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ طبق روایات شیعه و

سنی، یکی از مصادیق حیات طیبه، پذیرش ندای پیامبر صلی الله علیه و آله در مسأله ی

ولایت علی بن ابی طالب و اهل بیت علیهم السلام اوست.

حایل و فاصله شدن خدا میان انسان و قلبش، نشان‌دهنده‌ی حاضر و ناظر بودن خداوند در همه جا و احاطه‌ی او بر تمام موجودات است و این‌که قدرت و توفیق از اوست. از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است، فعالیت عقل و روح نیز به دست اوست و اگر لطف او نبود، هرگز انسان به حَقَّانیت حق و بطلان باطل پی نمی‌برد. امام صادق علیه السلام: یکی از مصادیق حایل شدن خدا بین انسان و دل او، مسأله‌ی محو و اثبات است؛ محو کفر و اثبات ایمان، محو غفلت و شك و تثبیت تذکر و یقین. در جای دیگر فرمودند: خدا نمی‌گذارد انسان، باطل را حق ببیند و گاهی انسان با گوش، چشم، زبان و دست خود به چیزی علاقه دارد، ولی اگر آن را انجام دهد، قلبش با آن همراه نیست و می‌داند آنچه میل به آن داشته حق نیست. و ممکن است حائل شدن، کنایه از مرگ باشد.

۱- شرط ایمان واقعی، اجابت کردن دعوت خدا و رسول است. **اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَ**
۲- دعوت خدا و رسول، دارای حقیقت و هویتی است. **دَعَاكُمْ وَ نَفَرَمُود دَعْوَاكُمْ**
۳- حرکت در مسیر خدا و انبیا، حیات واقعی و کناره‌گیری از آن، مرگ انسانیت
۴- تمام دستورات دینی و فرامین انبیا، حتی فرمان جهاد، مایه‌ی حیات می‌باشد
۵- کسی که به احاطه خدا ایمان داشته باشد، از دعوت پیامبران سرپیچی نکند.
۶- تا فرصت داریم، حق را بپذیریم. (بنابراین که حائل شدن خدا بین انسان و قلبش، کنایه از مرگ باشد). **اسْتَجِيبُوا ... يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ**

۷- نه مؤمن مغرور شود و نه از کافر مأیوس گردید، چون دلها به دست خداست و او مقلب القلوب است و هر فکر و اندیشه‌ای که بر دل انسان بگذرد، خدا بدان آگاه است و خدا از هر چیزی به انسان نزدیک‌تر است، حتی از قلب او به خودش.

خیانت به خود

۴۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

الا مؤمنان با رسول و خدا انفال ۲۷ خیانت نورزید هرگز شما
میان امانت، خیانت خطاست بدانید، پرهیز از آن سزاست
بدانید اولاد و مال جهان سراسر بود فتنه و امتحان
که پیش خدا هست اجر عظیم بود اجر نزد خدای حکیم

نکته ها هنگامی که مسلمانان به فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله، یهودیان بنی قریظه را محاصره کردند، آنان پیشنهاد صلح و کوچ کردن به شام را دادند و پیامبر صلی الله علیه و آله نپذیرفت و سعدبن معاذ را به داوری مأمور کرد. یکی از مسلمانان همراه او به نام «ابولبابه» که سابقه دوستی با آنان داشت، با اشاره به گوی خود به آنان فهماند که در صورت پذیرش حکمیت سعدبن معاذ، همه کشته خواهید شد، جبرئیل این اشاره را به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر داد. ابولبابه شرمنده از این خیانت، خود را به ستون مسجد پیامبر بست و هفت شبانه روز چیزی نخورد، سرانجام خداوند توبه‌اش را پذیرفت. در فرهنگ قرآن، امانت مفهوم وسیعی دارد و تمام شئون زندگی سیاسی، اجتماعی و اخلاقی را شامل می‌شود از جمله.

الف: تمام نعمت‌های مادی و معنوی مثل مکتب، قرآن، رهبر، فرزند و سرزمین
ب: اهل بیت پیامبر علیهم السلام ج: هم خودمان، امانت برای خویشتیم، أَنْكُمْ
كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ و هم جامعه برای ما د: انفال، غنائم، خمس، زکات
و اموال عمومی. (بودن آیه در سوره انفال و غنائم جنگ بدر)

ه: امام باقر: فرائض و واجبات الهی، حکومت و مسئولیت امانت است .
و: بنابراین نافرمانی و ادا نکردن حقوق و وظایف خود در ارتباط با این امانت‌ها، خیانت است، هرکس چیزی از برنامه‌های اسلامی را ترك کند، يك نوع خیانتی به خدا و پیامبر مرتکب شده. همان گونه که پیشی گرفتن ناصالحان بر صالحان در مسئولیت‌های اجتماعی، خیانت به خدا و رسول و مسلمانان است.
امام صادق: نماز و روزه‌ی مردم شما را نفریبید، زیرا گاهی همه‌ی آنها از روی عادت است. مردم را با راستگویی و ادای امانت امتحان کنید و بشناسید. خیانت نکردن در امانت از وظایف و حقوق انسانی است، بنابراین حتی به امانت غیر مسلمان هم نباید خیانت کرد.

۱ - خیانت، با ایمان داشتن سازگار نیست. لازمه‌ی ایمان، امانت‌داری است
۲ - گاهی يك اشاره به سود دشمن، خیانت است. (با توجه به شأن نزول اول)
۳ - افشای اسرار نظامی، خیانتی زشت است. (با توجه به شأن نزول دوم)
۴ - خیانت به پیامبر، خیانت به خداوند است. لا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ.
۵ - خیانت به خدا و رسول، خیانت به خود است و زیان آن به خود انسان بازمی‌گردد. «لا تَخُونُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ» (طبق این معنی که با ظاهر آیه سازگار است.)

۶ - امانت مردم به منزله امانت خود ما و خیانت به آن خیانت به خودمان است
۷ - خیانت، فطرتاً زشت و محکوم است. وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ
۸ - خیانت‌های آگاهانه، خطرناک است. «وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (هم به زشتی خیانت آگاهید و هم پیامدهای بد آن را می‌دانید)

تقوی، نتیجه اش تشخیص حق از باطل (فرقان)

۴۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَ يَكْفُرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ انفال ۲۹

هراسید اگر از خداوند پاک

الا مؤمنان اندر این تیره خاک

که چشم بصیرت نماید عطا

خداوند فرقان دهد بر شما

بیامرزد و عفو سازد اله

بپوشاند او سیئات و گناه

خدا کی کند بنده خود رها

که فضل خدائست بی انتها

نکته ها وسیله و معیار شناخت حق از باطل متعدّد است، از جمله:
الف: انبیا و اولیای الهی؛ پیامبر صلی الله را فاروق نامیدند و یا در حدیث می خوانیم
مَنْ فَارِقَ عَلِيًّا فَقَدْ فَارِقَ اللَّهَ هرکس علی علیه السلام را رها کند، خدا را رها کرده.
ب: کتاب آسمانی؛ که با عرضه امور به آن می توان حق را از باطل تشخیص داد.
ج: تقوا، زیرا طوفان غرائز و حبّ و بغض های همراه با بی تقوایی، مانع درك حقایق
د: عقل و خرد؛ که بدون آن نمی توان حتی به سراغ وحی رفت.

فرقان و قدرت تشخیص حق از باطل، حکمت و بینشی خدادادی است که به
اهل تقوا داده می شود و به علم و سواد و معلومات وابسته نیست.
تکفیر سیئات، پرده پوشی در دنیا و «مغفرت»، رهایی از قهر خدا در آخرت است
تکفیر، محو آثار اجتماعی و روانی گناه و «مغفرت»، بخشایش نسبت به عذاب.
کسانی که تقوا داشته و تمایلات نفسانی را کنار بگذارند، قوه ی تشخیص حق به
آنها عطا می شود اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ از خدا پروا کنید، خداوند شما را آگاه
می کند و به یادتان می آورد.

گویا روح همچون آینه‌ای است که تقوا غبار را از آن می‌زداید و نور حق در آن منعکس می‌شود، چنانکه حضرت علی علیه السلام تقوا را دارو و درمان دل‌ها، نور و بینایی کوردلی‌ها و شفا و وسیله‌ی اصلاح قلب، تطهیر جان، امنیت ترس‌های درونی و روشن‌شدن تاریکی‌ها می‌داند،

حرص‌ها و طمع‌ها سبب لغزش خرده‌ها می‌شود،

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اکثر مصارع العقول تحت بروق المطامع»
بیشتر لغزشگاه خرد، زرق و برق طمع‌ها می‌باشد.

حقیقت سرایی است آراسته / هوا و هوس گرد بر خاسته

نبینی که هر جا که برخاست گرد / نبیند نظر، گرچه بیناست مرد

۱- اگر تقوا داشته باشیم، در آزمایش مال و فرزند، خداوند ما را کمک می‌کند که چگونه برخورد کنیم. **أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَةٌ ... إِنَّ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا**

۲- عملکرد انسان، در بینش او تأثیر دارد. کسی که تقوا دارد، علاوه بر علم، فطرت، عقل و تجربه، خداوند بصیرت و شناخت ویژه‌ای به او می‌دهد.

فرقان» نکره آمده است تا نشان دهد که بصیرت خاصی مراد است

۳- تقوا، هم عامل شناخت صحیح، «فرقان» هم مایه‌ی آبرو و حیثیت اجتماعی، «يُكْفِّرُ عَنْكُمْ» و هم سبب مغفرت اخروی است. **يَغْفِرُ لَكُمْ**

۴- اعطای بصیرت ویژه به پرهیزکاران و بخشایش گناهان آنان، تفضلی از جانب خداوند است. **يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا ... وَ اللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ.**

ثابت قدم باشید

۴۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

پس ای مؤمنان هر زمان روبرو انفال ۴۵ بگشتید با لشکری از عدو

بمانید ثابت قدم در جهاد خدا را نمایید پیوسته یاد

بود آنکه گردید خود رستگار رسد شاهد بختتان در کنار

نکته ها مراد از ذکر و یاد خدا، تنها ذکر زبانی نیست، بلکه توجه درونی و یاد

لطف‌ها و امدادهای و وعده‌های و یاد عزت، عظمت و فرمان او. چنانکه امام

صادق علیه السلام فرمودند: از امور مهمی که خدا بر بندگان لازم دانسته است،

بسیار یاد نمودن از خداست، یاد الهی هنگام مواجهه با حلال‌ها و حرام‌ها که

اگر اطاعت الهی باشد بدان عمل کند و اگر معصیت خدا باشد، آن را ترك کند

۱- لازمه‌ی ایمان، ثابت قدمی است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... فَاثْبُتُوا.

۲- ما مأمور به ثبات قدم در جبهه‌ایم، «فَاثْبُتُوا» اما همین پایداری را هم باید از

خدا بخواهیم. رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَ ثَبِّتْ أَقْدَامَنَا

۳- فضای جبهه‌ی مسلمانان باید آکنده از یاد خدا باشد و هر چه مشکلات

بیشتر باشد، نیاز به یاد خدا بیشتر است. وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

۴- باید خدا را بسیار یاد کنیم وَادْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا زیرا اگر در بحران جنگ و

حوادث جبهه، یاد خدا زیاد نباشد، امکان انحراف در هدف، عمل و شیوه

بیشتر است.

۵- در جبهه، باید یاد خدا، جایگزین یاد زن، فرزند، مال و ... شود. امام سجاد

علیه السلام در دعای مرزداران: خدایا! یاد مال و فرزندان و ... را از دل رزمندگان ببر

و بهشت را جلوی چشمشان جلوه بده.

همراهی نکردن با نزدیکان

۵۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ توبه ۲۳

ز شیطان مطرود، فرمان برند

گر آباء و اخوانتان کافرند

از ایشان نمایند یاری طلب

مبادا که ای مؤمنان به رب

شده ظالم و ظلم در نفس اوست

که با آن کسان هرکه گردید دوست

نکته ها

تهدیدهای قرآن نسبت به پذیرش ولایت کفار، تکان دهنده است. از جمله در سوره مائده آمده **وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ** هر که ولایت آنان را بپذیرد، جزو آنان است همچنین در سوره آل عمران: **وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ** هر که چنین کند، رابطه‌اش با خدا قطع شده. بعضی از مسلمانان هنگام هجرت به مدینه، مورد خشم والدین کافر خود بودند، ولی حفظ دین خود را بر رضایت آنان ترجیح دادند. ولایت پدر و مادر کافر را نباید پذیرفت، ولی این غیر از نیکی به آنهاست.

۱- پدر کافر، بر فرزند مسلمان ولایت ندارد و روابط مکتبی بر هر رابطه‌ای مقدم

۲- عواطف نباید بر ارزش‌های مکتبی غالب شود. لا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ

۳- ولایت کافر ممنوع است، حتی اگر نزدیکترین افراد باشد. آبَاءَكُمْ ... إِنِ اسْتَحَبُّوا

۴- ضابطه‌ی دین و مکتب، مقدم بر هر رابطه‌ای است. لا تَتَّخِذُوا، إِنِ اسْتَحَبُّوا

۵- پذیرش ولایت کفار، ظلم است. الظَّالِمُونَ

دوری کردن از مشرک ناپاک

۵۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ
عَامِهِمْ هَذَا وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
حَكِيمٌ توبه ۲۸

بدانید ای مؤمنان بعد از این پلیدست هر مشرکی در زمین

پس از این نباید گذارند گام دگر مشرکان سوی بیت الحرام

گر از تنگدستی شما راست بیم به فضل خودش کردگار کریم

شما را به لطفش کند بی نیاز علیم و حکیم است یزدان ز راز

شان نزول مفسرین گویند: سبب نزول آیه چنین بوده که مشرکین از راههای دور انواع متاع و کالا و طعام می آوردند. وقتی که آیه نجس بودن مشرکین و ممنوع گردیدن ورود آنها به مسجدالحرام نازل گردید مسلمین گفتند: یا رسول الله اگر اینان به مسجدالحرام نیایند تجارت ما قطع شده و طعام و روزی بر ما تنگ گردد و بازار ما به کساد افتد و منافع و دوستی ما با آنها بریده خواهد شد. خداوند این آیه را نازل فرمود و خاطر نشان ساخت اگر شما از فقر و تنگدستی می ترسید خداوند شما را از فضل خویش مستغنی و بی نیاز خواهد گردانید

یکی از فرمانهای چهارگانه ای که حضرت علی علیه السلام در حج سال ۹ هجری به مشرکان ابلاغ کرد که آنها از سال آینده، حق ورود به مسجدالحرام را ندارند.

۱- شرك، پلیدی است. «نَجَسٌ» پاکی واقعی در سایه ای ایمان است.

۲- مؤمن باید نسبت به مشرک، تنفر داشته باشد... آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ

۳- در اعلام برنامه و دیدگاه، توجه به توان اجرایی خود داشته باشیم.

إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ (با آنکه پلیدبودن مشرکان مربوط به سال نهم و سال اعلام برائت نبود، لیکن چون در آن سال مسلمانان قدرت اجرا پیدا کردند، این امر اعلام شد)

۴- چون نزدیک شدن، زمینه‌ی وارد شدن است، پس مشرکان نباید به مکان‌های مقدّس حتّی نزدیک شوند. فَلَا يَقْرَبُوا

۵- در قرآن، فلسفه‌ی برخی نهی‌ها و تحریم‌ها بیان شده است. نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا

۶- همه‌ی زمین‌ها از نظر قداست، یکسان نیستند. فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ

۷- با مخالفان هم مدارا کنیم و به آنان مهلت دهیم. بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا

۸- در دستورات و آئین‌نامه‌ها، به تنش‌ها و پیامدهای آن نیز توجه کنیم.

۹- تنگناهای اقتصادی و فشارهای مالی، ما را نسبت به دینمان بی‌تعهد نسازد

۱۰- هرکجا احساس نگرانی اجتماعی شد، باید روحیه‌ی امید و توکل را در مردم زنده کرد. إِنَّ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ

۱۱- رزق ما به دست دیگران (مسافران و جهانگردان) نیست، بلکه به دست خداست.

۱۲- از قطع رابطه اقتصادی با کفار، به خاطر مکتب، نگران نباشیم. يُغْنِيكُمُ اللَّهُ

۱۳- بیش از زرنگی و مدیریت و سرمایه و ...، فضل الهی در غنای مردم نقش دارد.

۱۴- احکام دین، بر پایه‌ی علم و حکمت الهی است. عَلِيمٌ حَكِيمٌ

دانشمندان و راهبان کاسب

۵۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ توبه ۳۴

بدانید ای مؤمنان این میان چه بسیار احبار با راهبان

از اموال مردم به باطل خورند به هرچه حرامست دست آورند

همه مردمان را بدارند باز که طاعت نورزند ز آن بی نیاز

کنون بر کسانی که بس سیم و زر ذخیره نمودند و گنج و گهر

نکردند انفاق از آن زر و سیم خبرها بده از عذابی الیم

شان نزول «شیخ طوسی» گوید: جبائی و دیگران گویند این قسمت از آیه و الَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ دَرَبَارَهْ آن عده از نمازگذارانی که زکات نمی دهند، نازل گردیده.

نکته ها علمای یهود به خاطر منافع مادی خود، حق را کتمان کردند و به حقانیت دین اسلام اعتراف نکردند، یا رشوه گرفتند و گناه بخشودند، یا تفتیش عقاید کرده و به دیگران تهمت زدند. سوء استفاده از موقعیتها، حرام است و بزرگترین خطر برای علمای دین، فساد مالی است. لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ (کسانی که متولّی موقوفات اند و آنها را در مسیر اهداف وقف شده مصرف نمی کنند، از مصادیق این آیه می باشند)

زکات در روایات: از امام صادق علیه السلام پرسیدند: در چه مقدار مال، زکات واجب می شود؟ حضرت فرمود: زکات ظاهر یا باطن؟ گفتند: هر دو.

حضرت ابتدا نصابی را برای زکات ظاهر بیان نموده و آنگاه در بیان زکات باطن فرمودند: «فلا تستأثر علی اخیك بما هو احوج الیه منك» آنچه را برادر دینیات به آن نیازمندتر از توست، او را انتخاب و ترجیح دهی. در روایتی دیگر، آن حضرت می‌فرماید: خداوند این مال‌های اضافی را به شما عطا کرد تا در مسیر رضای او خرج کنید، نه آنکه احتکار و گنج کنید.

طبق روایات، امام زمان ارواحنا فداه چون ظهور کند، گنج‌ها را حرام می‌کند و همه را به مبارزات خود به مصرف می‌رساند.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند، در مال مسلمانان ثروتمند، به مقداری زکات واجب کرده که کفاف فقرا را بدهد، آگاه باش! اگر به وظیفه‌ی خود عمل نکنند، همانا خداوند از آنان حسابرسی شدید می‌کند. و هر مالی که زکات آن پرداخت نشود کفر است، گرچه پنهان نباشد، یا غیرطلا و نقره باشد.

ابوذر و آیه‌ی کنز: ابوذر غفاری، صحابی بزرگوار پیامبر، در اعتراض به زراندوزی‌های معاویه و عثمان و عمال حکومت و حیف و میل اموال عمومی، صبح و شام این آیه را با صدای بلند در برابر معاویه و سپس در مقابل عثمان می‌خواند و می‌گفت: این آیه مخصوص مانعان زکات نیست و هر نوع زراندوزی را شامل می‌شود. از برخوردهای ابوذر با عثمان و معاویه و کعب الأحبار، بر می‌آید که ثروت‌اندوزی در جامعه‌ی فقیر حرام است، گرچه از راه حلال باشد و زکاتش پرداخت شده باشد. (تفسیر المیزان) البته برخی آن را به اجتهاد شخصی ابوذر نسبت می‌دادند، ولی خودش می‌گفت: ما قلت لهم الا ما سمعت من نبیهم آنچه گفته‌ام از پیامبر شنیده‌ام. از طرفی صراحت و صداقت ابوذر مورد تأیید پیامبرست

از فزاینده‌های برجسته‌ی زندگی ابوذر، همین امر به معروف و نهی از منکر او نسبت به حکام، در زمینه‌ی ریخت‌وپاش‌های اقتصادی است و نزاعش با عثمان بر سر مال و مقام نبود، بلکه اعتراض به يك منکر اجتماعی بود.

سرانجام عثمان، این صحابی پارسا و انقلابی را به شام تبعید کرد، از شام هم به بدترین وضعی به مدینه آوردند، سپس به «ربذه» تبعید شد و در تبعیدگاه، مظلومانه جان سپرد. و این نیز از فزاینده‌های ناپسند و ننگین حکومت عثمان بود.

دیگران برای تبرئه‌ی عثمان، کوشیده‌اند تا به ابوذر تهمت سوسیالیست بودن و فکر اشتراکی داشتن و مخالفت با مالکیت خصوصی بزنند، اما علامه امینی قدس سره در الغدیر، بحث مبسوطی در ردّ این اتهام دارد.

تبعیده‌های مکرر ابوذر به خاطر مناقشات او با حکومت و فریادهای اعتراض آمیزش بر ضدّ روش مالی عثمان و زراندوزی معاویه و توجیه‌گری‌های کعب‌الأحبار، در کتب تاریخی شیعه و اهل سنت آمده است،

هر چند برخی خواسته‌اند به نوعی توجیه کنند و این مناقشات را به حساب آزادی بیان و عقیده در دوره‌ی عثمان بگذارند، یا آنکه تبعید آن صحابی بزرگوار را به عنوان اینکه «دفع شرّ مهم‌تر از کسب منفعت است» بدانند و حضورش را در مدینه و شام، شرّ تلقی کنند و تبعیدش را رعایت مصلحت به شمار آورند،

ولی این رفتار ننگ‌آلود با یار صدیق و پرهیزکار پیامبر که زبان صریح و اعتراض دلسوزانه‌اش تنها با انگیزه‌ی عمل به وظیفه در برابر انحرافات بود، هیچ توجیه و تأویلی نمی‌پذیرد.

پیام ها

- ۱- بعضی از علمای اهل کتاب، بد نیستند. کَثِيراً مِنَ الْأَخْبَارِ
- ۲- بهره‌گیری علما از مال مردم و بهره نرساندن به آنان که موجب بی‌ رغبتی مردم به دین می‌شود شاید مصداقِ صَدِّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ باشد.
لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ ... وَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ
- ۳- بازداشتن علمای یهود و نصاری مردم را از راه حق، به خاطر دست‌یابی به دنیاست.
- ۴- در اسلام، محدودیتی برای سرمایه نیست، اما راه تحصیل آن شروطی دارد و زراندوزی و بدمصرف کردن ثروت حرام است.
الَّذِينَ يَكْنِزُونَ ... وَ لَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ (وقتی زراندوزی حرام باشد، احتکارِ ضروریات قطعاً حرام است)
- ۵- مال اندوزی و حرص، احتکار و پنهان کردن است. چون مشکلات بسیاری را برای جامعه فراهم می‌کند. الَّذِينَ يَكْنِزُونَ ... وَ لَا يُنْفِقُونَهَا
- ۶- دنیاپرستی علما و زراندوزی ثروتمندان، سبب قهر الهی است. فَبَشِّرْهُمْ ...
- ۷- جمع‌آوری طلا و نقره و پول، و انفاق نکردن و احتکار آن، گناه کبیره است. چون وعده‌ی عذاب به آن داده شده است. الَّذِينَ يَكْنِزُونَ ... بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

وابستگی به دنیا

۵۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ انْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

الا مؤمنان بر کدامین سبب توبه ۳۸ چو دستور آید خود از سوی رب

که گردید خارج کنون بی درنگ به راه خداوند سازید جنگ

ببندید دل بر زمین و به خاک فراموش سازید آن عهد، پاک

بخواهید آیا که دنیای پست ستانید و بدهید عقبی ز دست

متاع جهان در بر آخرت متاعیست ناچیز و بی منزلت

شان نزول : گویند وقتی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از طائف مراجعت نمود، دستور جهاد و جنگ با دولت روم را صادر فرمود و این دستور هنگام فصل رسیدن میوه ها بود و مردم مایل بودند در جای خود بوده و در جنگ شرکت نکنند زیرا رفتن به جنگ در چنین فصل و موقعیتی بسیار بر آنها گران می آمد مخصوصاً جنگ با دولت روم که هم دشمنی قوی بود و نیز راه آن هم بسیار زیاد و دور می بود. خداوند پیامبر خود را از این گران آمدن مسلمین در جنگ خبر داد و این آیه را نازل فرمود. مؤمنان نیز باید گاهی مورد انتقاد و مؤاخذه قرار گیرند. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ - دلبستگی به دنیا و مادیات، مانع جدا شدن انسان از زمین و خاک و رسیدن به کمال و افلاک می شود. اثَّاقَلْتُمْ ... (دنیا طلب، کوتاه همت است) - ارزش و جایگاه انسان تا حدی است که دنیا برای او ناچیز است. أَرْضَيْتُمْ - کسی که آخرت را برتر از دنیای اندک بداند، به جبهه ی جنگ رو می کند، نه دنیا.

رعایت تقوی

۵۴. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ توبه ۱۱۹

الا مؤمنان به پروردگار

که دارید ایمان به روز شمار

بترسید از کردگار مهین

بگردید با صادقان همنشین

نکته ها در روایات شیعه و سنی آمده که مقصود از الصَّادِقِینَ، محمّد و آل محمّد علیهم السلام می باشند. آیه ۱۷۷ سوره بقره، اهل ایمان، انفاق، نماز، وفای به عهد و صبر در برابر مشکلات را صادق می شمارد و آیه ۱۵ سوره حجر و ۸ سوره حشر، مهاجران رنج کشیده و جان برکف را «صادق» شمرده است.

پیام ها

۱- دوستی، همنشینی و همراهی با راستگویان، یکی از عوامل تربیت و جلوگیری انسان از انحراف است. اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

۲- از رهبران الهی جدا نشویم. كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

۳- رهبران الهی معصوم هستند، وگرنه خداوند فرمان نمی داد با آنان باشید كُونُوا

۴- تکامل جامعه در سایه ای ایمان، تقوا و اطاعت از رهبر معصوم است. آمَنُوا، اتَّقُوا،

۵- در هر زمان باید معصومی باشد که مسلمانان با او همراه باشند. كُونُوا مَعَ

شگفت از فخررازی که می گوید: معصوم، فرد خاصی نیست، بلکه اجماع امت از خطا معصوم است!! آیا اجتماع افراد جایز الخطا و فاسق، عصمت آور است؟

خشونت و صلابت داشتن در برابر کفار

۵۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ توبه ۱۲۳

سزد با خشونت بریزید خون بیابید چون کافران را کنون
نمایید آغاز این را دگر ز هرکس شما راست نزدیکتر
ببایست بیندتان تیز چنگ که ترسیده گردند در روز جنگ
همانا بدانید پروردگار بود یاور قوم پرهیزکار

نکته ها پرداختن به دشمنان نزدیکتر و جنگیدن با آنان، مزایایی دارد، از جمله: به هزینه و امکانات کمتری نیاز است، اطلاعات ما از آنان بیشتر است، تدارک جبهه آسانتر و آمادگی عمومی برای مقابله با آنان بیشتر است، خطرشان مقدمتر است، راه دفع آنان ودسترسی به منطقه‌ی جنگ سریعتر است، هم خودش دشمن است، هم می‌تواند بازوی دشمنان دورتر باشد

غِلْظَةً به معنای صلابت، قدرت و هیبت است، نه سنگدلی و بدخلقی. از این رو در مسائل نظامی، مانور و قدرت‌نمایی و رژه و لباس و شعار و هر چه که قوای اسلام را قدرتمند نشان دهد، مورد ستایش است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز هنگام فتح مکه، مسلمانان را فرمان داد تا در مقابل چشم ابوسفیان رژه رفتند تا با نشان دادن قدرت و شکوه سپاه اسلام، روحیه‌ی مشرکان تضعیف شود. مسأله‌ی **الاقربُ فالاقرب**، یعنی اولویت دادن به آنچه نزدیکتر به انسان است، در همه‌ی امور تعالیم اسلامی مطرح است، در انفاق و صدقه، ابتدا یتیم و فقیر خویشاوند، در پرداخت زکات ابتدا نیازمندان محلی و

نزدیک، در جنگ، نخست دشمنان نزدیکتر، در دعوت و تبلیغ، ابتدا بستگان نزدیک و اهل منطقه، در مسجد، تقدّم همسایه‌ی مسجد، در سفره و مهمانی، طعام نزدیک انسان و در نماز جماعت و در صف اوّل، آنان که به امام جماعت در کمالات نزدیکترند. این آیه، جهاد آزادیبخش را می‌گوید، نه جهاد دفاعی را. از این رو به صفات مبارزان اسلامی پرداخته، نه به شرایط هجوم کافران. در سیره‌ی پیامبر، نمونه‌های بسیاری دیده می‌شود که به سپاه اسلام توصیه می‌فرمود: با تقوا باشند، به زنان کفار آسیبی نرسانند، به درختان لطمه نزنند. حتی يك بار کشته‌ی دختر کافری را دید و به شدّت ناراحت شد.

۱- ایمان باید همراه با عمل و مبارزه باشد. *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا*

۲- دفع شرّ دشمنان نزدیکتر، اولویّت دارد. «*يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ*» (استراتژی جنگی اسلام، ابتدا مقابله با دشمنان نزدیکتر است، همچنان که در مبارزه‌ی فکری و عقیدتی نیز باید ابتدا شبهات رایج و موجود را پاسخ داد.

۳- هر چه برای ایجاد صلابت و شدّت لازم است باید تدارك دید، چه شجاعت رزمندگان و چه ابزار و سلاحهای پیشرفته و چه آموزش‌های پیشرفته و تخصّصی.

۴- سپاه اسلام، باید صلابت و هیبت داشته باشد. *غِلْظَةً*

۵- شجاعت درونی باید با صلابت بیرونی همراه باشد. *وَلْيَجِدُوا*

۶- غلظت و صلابت اسلامی، همراه با تقواست. *أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ*

۷- جهاد، جلوه‌ای از تقوای الهی است. *قاتِلُوا... أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ*

۸- چون در جنگ، غرائز، هوسها و کینه‌ها ممکن است پیش آید، تقوا برای رزمندگان شرط اساسی است. «*أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ*»

عبادت پروردگار، رستگاری است

۵۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا وَاغْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ حج ۷۷

پس ای مؤمنان پیش آن کان جود نماید هر دم رکوع و سجود
نکویی کند هر که در روزگار سرانجام خواهد شدن رستگار

نکته ها

با اینکه رکوع و سجود از مصادیق عبادت هستند ولی در این آیه نام آن دو در کنار وَاغْبُدُوا آمده که نشانه‌ی اهمیت نماز و این دو رکن نماز است. برای سعادت انسان دو برنامه مطرح شده و رستگاری او در انجام هر دو نوع عمل است:

الف: برنامه‌های ثابت مانند رکوع و سجود و عبادت‌های دیگر
ب: برنامه‌های متغیر و تابع زمان و مکان که در هر زمان کار خیر مصداق خاصی دارد. آمَنُوا اذْكُرُوا ... وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ

۱- کار خیر (و ابتکارات و اختراعات و خدمات)، زمانی مؤثر است که در سایه‌ی ایمان و بندگی خدا باشد. آمَنُوا اذْكُرُوا ... وَ افْعَلُوا الْخَيْرَ

۲- حتی با رکوع و سجود و تعبد و کار خیر، رستگاری خود را قطعی ندانید، زیرا آفت غرور و حبط عمل در کار است. لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۳- فلاح و رستگاری، آخرین مرحله‌ی تکامل است که بعد از انجام عبادات و کارهای خیر باید امید آن را داشت. «لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

پرهیز از حيله های متفاوت شیطان

۵۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَ لَوْ لَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَ لَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ نور ۲۱

پس ای اهل ایمان به یکتا اله	به دنبال شیطان مپوید راه
که هرکس قدم در پی او گذاشت	به اعمال زشت و بدش برگماشت
نبودی اگر لطف پروردگار	بگشتند بر زشت کاری دچار
ز خیل خلائق ز کل بشر	نمی گشت پاک از گنه یک نفر
خدا پاک سازد کسی را که خواست	سمیع و علیم آن یگانه خداست

نکته ها در آیات ۱۴، ۲۰ و ۲۱ سه بار سخن از فضل و رحمت خداوند آمده است تا بگوید اگر لطف او نبود، معلوم نبود وضع شما چگونه باشد!

«خُطْوَاتِ» جمع «خطوة» به معنای گام است. قرآن در مورد نحوه‌ی منحرف کردن شیطان، عبارتِ **خطوات الشیطان** را به کار برده است تا بگوید: شیطان، گام به گام انسان را به سوی انجام گناهان می‌کشانند. در قرآن چند مرتبه از «خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ» سخن به میان آمده است؛ يك جا می‌فرماید: **ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ** همگی در صلح و آشتی درآید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید. و در جای دیگر می‌فرماید: **كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ** از چیزهای حلال و دلپسند بخورید و مواظب گام‌های شیطان باشید و از آن پیروی نکنید.

در این آیه نیز پیرامون اشاعه‌ی فحشا نسبت به مؤمنین می‌فرماید: از گام‌های شیطان پیروی نکنید. نمونه گام‌های شیطان عبارت است از: دوستی با افراد فاسد، شرکت در مجالس آنان، ارتکاب گناهان کوچک، و پس از آن گناهان بزرگ و در نهایت قساوت قلب و بدعاقبتی و پایانی شوم.

پیام‌ها

- ۱- به ایمان خود مغرور نشویم، توجه به هشدارهای پی در پی لازم است... آمَنُوا
- ۲- شیطان برای گمراه کردن مؤمنان، تلاش می‌کند. لا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ
- ۳- سیاست شیطان، نفوذ تدریجی و گام به گام است. «خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ» (از همان گام اول مواظب باشیم). لا تَتَّبِعُوا خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ.
- ۵- با مردم مستدل سخن بگوییم. خداوند که می‌فرماید: از شیطان پیروی نکنید، دلیل آن را ذکر می‌کند: زیرا او به گناه فرمان می‌دهد. فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ...
- ۶- شیطان وسوسه می‌کند و به هرکس از وسوسه او پیروی کند فرمان می‌دهد.
- ۷- کار شیطان، با نماز در تضاد است. شیطان به انسان دستور گناه می‌دهد، يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَ الْمُنْكَرِ اَمَّا نَمَازِ اِنْسَانٍ رَا اَزْ گناه باز می‌دارد. الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ
- ۸- تزکیه، بدون توفیق الهی امکان ندارد. وَ لَوْ لَا ... مَا رَزَقِي ...
- ۹- انسان، همواره به لطف خداوند نیاز دارد. تکرار جمله لَوْ لَا فَضَّلُ اللّٰهُ دَرِ آیه.
- ۱۰- در مسیر زندگی انسان، فریب و فحشا وجود دارد، ولی راه توبه و نجات باز.
- ۱۱- حَتَّى اَوْلِيَايَ خَدَا بَه تَوْفِيْقِ الْهِي نِيَاز دَارِنْد. مَا رَزَقِي مِّنْكُمْ مِّنْ اَحَدٍ
- ۱۲- خدا حکیم، به مقدار لیاقت و ظرفیت افراد، خیر و سعادت نازل می‌کند يُرْزَقِي
- ۱۳- علم به اینکه خدا همه چیز را می‌بیند و می‌شنود، بهترین عامل بازدارنده از فحشا و منکرات است. وَ اللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ

ورود به منازل با اجازه

۵۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ نور ۲۷

بدون اجازه ز صاحب سرا	مبادا به بی‌تی گذارید پا
مگر خانه باشد از آن شما	که بی اذن رفتن باشد روا
چو داخل بگشتید اول کلام	نمایید بر اهل منزل سلام
که این کار بهر شما بهترست	الا ایکه هستید یزدان پرست
بگردید یادآور این سخن	ز خُرد و جوان و ز پیر و کهن

شان نزول علت نزول آیه چنین بوده که زنی از انصار نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و گفت: یا رسول الله اوقات و حالاتی بر من می‌گذرد که نمی‌خواهم پدرم یا فرزندم مرا در آن اوقات و حالات ببینند. در صورتی که اینان هر وقت سرزده به خانه من می‌آیند و من از این حیث در زحمت و کراهت می‌باشم. بنابراین چکاری می‌توانم بکنم سپس این آیه نازل گردید

نکته ها معنای استیناس، اجازه خواستن و اعلام ورود است که به گفته‌ی روایات می‌تواند با ذکر خدا باشد و یا با سلام کردن و امثال آن.

شخصی از پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: آیا برای ورود به منزل مادرم اجازه بگیرم؟ فرمود: بله، گفت: در خانه جز او کسی نیست و جز من خادمی ندارد! حضرت فرمود: آیا دوست داری مادرت را بدون لباس ببینی؟ گفت نه. فرمود: پس اجازه بگیر.

در روایتی دیگر، پیامبر صلی الله علیه و آله از ورود مردان به خانه زنانی که همسران آنان حضور ندارند نهی فرمود. در روایات می‌خوانیم: اجازه گرفتن برای ورود به خانه دیگران سه مرتبه باشد تا اهل خانه فرصت جمع و جور کردن خود را داشته باشند. و برای نجات غریق و مظلوم و مورد آتش سوزی، اجازه لازم نیست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه می‌خواست وارد منزلی شود، برای اجازه گرفتن، روبروی در خانه نمی‌ایستاد تا نگاه مبارکشان به داخل خانه نیفتد.

پیام ها

۱- اهل ایمان، در امور زندگی باید از وحی الهی دستور بگیرند. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
۲- امنیت و آزادی برای ساکنین خانه باید حفظ شود. «لا تَدْخُلُوا» (ورود سرزده به حریم دیگران، حرام است.)

۳- از مواضع تهمت دوری کنید. لا تَدْخُلُوا ... ذَلِكُمْ - باز بودن در خانه، دلیل جواز ورود نیست. مالکیت افراد محترم است. لا تَدْخُلُوا

۴- برخورد مؤمنان با یکدیگر، باید با محبت همراه باشد. تَسْتَأْنِسُوا وَ تَسَلَّمُوا

۵- از هر کاری که موجب شکستن حریم حیا و حجاب می‌شود، دوری کنید

۶- وارد شونده باید سلام کند، هر که باشد. «تَسَلَّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا» (سلام کردن

لازم نیست از کوچکتر به بزرگتر باشد.)

۷- مراعات ادب و حق دیگران، سرچشمه‌ی سعادت بشر است. ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ

۸- دستورات الهی را فراموش نکنیم و به یاد داشته باشیم. لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

۹- آداب و اخلاق دینی، همان ندای فطرت است، که مورد غفلت قرار گرفته و

باید با تذکر بیدار کنیم. تَذَكَّرُونَ

سه وقت (برای ورود به اتاق) اجازه بگیرد

۵۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَتْ أُنُكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ نور ۵۸

الا مؤمنان به پروردگار	ببندید این نکته ها را به کار
اگر بنده دارید در زیر یوغ	و گر طفل کمتر ز سن بلوغ
چو خواهند آیند در آن اطاق	که دارید با خلوت خود وثاق
سه نوبت ببايست در روز و شب	شما را نمایند رخصت طلب
یکی صبح پیش از نماز اداء	دوم چونکه طی شد نماز عشاء
سوم ظهرگاهان که ای مرد و زن	برون می نمایند جامه ز تن
که در این سه هنگام در خلوتید	بسا باشد آنکه عیان عورتید
بجز این سه موقع، دگر باک نیست	که بی اذن با هم نمایند زیست
خداوند این گونه صاف و عیان	کند جمله آیات خود را بیان
که دانا به خلق است و باشد علیم	بود آگه از کارها آن حکیم

نکته ها اگر بار دیگر، از ابتدای سوره نگاهی به آیات آن بکنیم، خواهیم دید که سیاست پیشگیری از گناه در احکام الهی نهفته است، مثلاً زن و مرد زناکار را در برابر چشم دیگران تنبیه کنید، (آیه ۱) ازدواج آنان را محدود کنید، (آیه ۳)

اگر کسی بدون چهار شاهد نسبت ناروا داد، هشتاد تازیانه بزنید، (آیه ۴)

اگر تهمتی را شنیدید برخورد کنید، (آیه ۱۲)

هرکس اشاعه فحشا را دوست بدارد، عذاب دردناک خواهد داشت، (آیه ۱۹)

بدنبال گام‌های شیطان نروید، (آیه ۲۱) پاکان به سراغ ناپاکان نروند، (آیه ۲۶)

کسانی که به زنان پاکدامن تهمت بزنند عذاب عظیم خواهند داشت، (آیه ۲۳)

سرزده به خانه دیگران نروید و اگر گفتند برگردید بپذیرید و برگردید (آیه ۲۷-۲۸)

چشمان خود را از نامحرم پیش کشید و خیره نشوید، (آیه ۳۰-۳۱)

زنان زیور خود را نشان ندهند، برای ازدواج افراد بی‌همسر قیام کنید و از فقر

نترسید، (آیه ۳۲) و در این آیه می‌فرماید: ساعاتی با همسران خلوت کنید که

بدانید فرزندان و خادمان منزل سرزده وارد نمی‌شوند. آری تمام این دستورات

برای جلوگیری از فحشا و بلوغ زودرس و حفظ حریم و حیا و آبرو است.

مسئول آموزش احکام دین به فرزندان، والدین مؤمن هستند ... - محل خواب

والدین، اگر جدا از فرزندان باشد، نیاز به اذن دارد. - کودکی و بردگی، بهانه‌ای برای

شکست حریم دیگران نیست. - مرد باید در طول شبانه روز، اوقاتی را به همسر

خود اختصاص دهد - حتی فرزندان نابالغ باید احکام خانواده را بدانند و مراعات

کنند - اسلام دین زندگی است و از جامعیت کاملی برخوردار است. هم برای

مسائل مهم مانند تشکیل حکومت جهانی (که در آیه ۵۵ آمده) طرح و برنامه

دارد. و هم برای مسائل جزئی مانند ورود کودک به اتاق والدین - کودکان باید

پاکدامنی را از محیط خانه بیاموزند. تربیت و آموختن آداب اسلامی را قبل از بلوغ

کودکان شروع کنیم - لباس کار و لباس بیرون را باید در خانه کنار گذاشت. -

تنظیم وقت، در زندگی مسلمانان باید بر اساس اوقات نماز صورت گیرد.

یادآوری نعمت امداد غیبی خدا

۶۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

رِيحًا وَجُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا احزاب ۹

به خاطر بیارید تا بر شما چه لطفی بفرمود یکتا خدا

زمانی که در جنگ خیل جنود به روی شما تیغ را برگشود

خدا بر شما نیک یاری بداد فرستاد ناگه یکی تندباد

سپاهی فرستاد پروردگار که بر چشم هرگز نشد آشکار

بر اعمالتان بود آگه خدا بدانست نیات و کار شما

شان نزول در شب جنگ خندق (احزاب) در حالی که ابوسفیان در یک طرف و بنی قریظه در طرف دیگر ما به صف آرائی مشغول بودند، خوف و ترس عجیبی ما را در آن شب که باد سختی به طرف ما می وزید و در تاریکی و ظلمانی زیادی فرو رفته بودیم، فراگرفت و منافقین هم به بهانه های گوناگون از زیر بار این جنگ شانه خالی می کردند و نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله می آمدند و می گفتند: یا رسول الله به ما اجازه بده که برویم زیرا خانه های ما دارای حفاظ و در و دیوار نیست و البته دروغ می گفتند و منظور آنها بهانه ای بیش نبود و پیامبر به ناچار به آنها اجازه می داد که بروند و در این میان نزد یکایک ما می آمد تا این که به من رسید. در حالت وحشت زده و ترسناکی قرار گرفتیم که حتی قادر نیستیم برای قضاء حاجت و طهارت و دست به آب رسانیدن چند قدم به طرف بیابان برویم، محمد به ما وعده گنج های کسری و قیصر و تصرف ممالک آنها را می دهد. **نکته ها** این آیه و شانزده آیه پس از آن، به جنگ احزاب مربوط است که در

سال پنجم هجری واقع شد. در این جنگ که یهودیان و مشرکان و منافقان قصد کودتا و تصرف مدینه را داشتند، مسلمانان با پیشنهاد سلمان فارسی و موافقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اطراف مدینه را خندق کردند و در برابر دشمن استقامت کردند.

در حفر خندق نیز، اولین کلنگ را خود رسول الله به زمین زد و هر بار که بر اثر اصابت کلنگ به سنگ برقی می جهید، پیامبر پیروزی اسلام بر منطقه‌ای از جهان را بشارت می داد. خدا در این نبرد به وسیله‌ی وزش باد و نزول فرشتگان مسلمانان را یاری کرد

۱- شرط دریافت امدادهای الهی، ایمان و تلاش است. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ» (مسلمانان آماده‌ی دفاع شدند، خندق کردند و سپس یاری شدند).
۲- یاد نعمت‌ها، مورد سفارش خداوند است. «اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ» یاد امدادهای الهی، روحیه‌ی رزمندگان را بالا می برد.

۳- انسان در معرض فراموشی نعمت است و به تذکر نیاز دارد. اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ
۴- پاسخ جنود را باید با جنود داد. جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا ... جُنُوداً
۵- پیروزی‌ها را از خدا بدانیم فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

۶- با اراده خداوند باها هم سرباز می شوند. فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحاً

۷- فرشتگان، هم به مؤمنان دعا می کنند و هم آنان را بشارت و امداد می دهند
۸- اگر خداوند ببیند که ما به وظیفه‌ی خود عمل می کنیم، امدادهای خود را بر ما نازل می کند. كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيراً امام خمینی قدس سره در فتح خرمشهر فرمود: خرمشهر رای خدا آزاد کرد.

یاد و ذکر خدا همیشه

۶۱. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا . وَ سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً

الا مؤمنان به پروردگار احزاب ۴۱.۴۲ نمایند ذکر خدا بی شمار

بخوانید او را به هر صبح و شام پرستید او را به شوری تمام

نکته ها قرآن برای ذکر خدا آثار و برکاتی بیان کرده و یکی از دلایل نماز را ذکر خدا

دانسته است، **أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدِكْرِي** یاد خدا تنها وسیله آرامش دلهاست .

أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ و روح آرام و نفس مطمئن به پرواز در می آید و به

حق می رسد. **يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ. ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ** و اعراض از ذکر خدا زندگی

نکبت باری را به همراه دارد **وَ مَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا**

گفته اند: تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام نمونه ای از ذکر کثیر است. رسول اکرم

صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس زبان ذاکر داشته باشد، خیر دنیا و آخرت به او عطا

شده است. و امام صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی حدی دارد جز ذکر خدا.

در حدیث می خوانیم: قلب و روح، مثل آهن زنگ می زند و ذکر خدا وسیله ی

روشنی و جلای آن است. ذکر خدا تنها با زبان نیست، ذکر واقعی آن است که

هنگام حلال و حرام یاد خدا کنیم و از گناه دست برداریم.

۱ - خطاب زیبا و محرمانه، وسیله ی جذب مردم و زمینه ی پذیرش آنان است

۲ - یاد خداوند، زمانی در انسان مؤثر است که مستمر و بسیار باشد. .. **ذِكْرًا كَثِيرًا**

۳ - بهترین ذکر خدا، تسبیح و تنزیه اوست. **اذْكُرُوا اللَّهَ ... وَ سَبِّحُوهُ**

۴ - آغاز و پایان روز را با تسبیح و یاد خدا بگذرانیم. **سَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَ أَصِيلاً**

صلح و آرامش بعد از طلاق

۶۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ
فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحوهُنَّ سَرَاحاً جَمِيلاً احزاب ۴۹

اگر خود نکاح زنی بسته اید به خلوت ولی هیچ ننشسته اید

چو خواهید گیرید از هم طلاق جدائی بجوید بالاتفاق

حرج نیست هرگز، ندارد گناه اگر عده را زن ندارد نگاه

به چیزی نمائیدشان بهره مند به نیکی رهانیدشان از کمند

نکته ها مراد از نکاح، عقد ازدواج و مراد از تماس آمیزش جنسی و مراد از سَرَاحاً جَمِيلاً طلاق بدون خصومت و خشونت است. عِدَّة به مدتی گویند که زنان پس از طلاق، باید تا پایان آن صبر کنند و همسر دیگری نگیرند. عده‌ی طلاق زن، سه مرتبه حیض شدن و پاک شدن و عده‌ی وفات شوهرش چهار ماه و ده روز است. چند گروه از زنان به عده نیاز ندارند: يك گروه کسانی هستند که پس از عقد، تماس جنسی نداشته‌اند، گروه دیگر، زنان یائسه‌اند که از بچه‌دار شدن مایوس‌اند. (زنان ۵۰ و ۶۰ ساله)

در آیه ۲۳۶ بقره : هدیه مرد به همسر مطلقه‌ی قبل از آمیزش، باید به قدر معروف و توانایی باشد عَلَى الْمَوْسِعِ قَدْرُهُ وَ عَلَى الْمُقْتِرِ قَدْرُهُ مَتَاعاً بِالْمَعْرُوفِ. امام باقر: این گونه زنان (طلاق داده شده) با وحشت و غصه و شماتت دیگران. به خانه‌ی پدر بر می‌گردند و لذا باید به مقداری که توان دارید، با هدیه دل آنان را آرام کنید. فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحوهُنَّ لازمه‌ی ایمان، عمل به دستورهای خداوند است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ. اختیار طلاق، با مرد است.

بدون اجازه و دعوت هرگز

۶۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ إِلَى طَعَامٍ غَيْرٍ نَاطِرِينَ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ وَاللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَلَا أَنْ تُنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَدًا إِنَّ ذَلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا احزاب ۵۳

ببندید حکم خدا را به کار	الا مؤمنان به پروردگار
جز آنکه که دادست اذن دخول	نگردید داخل به بیت رسول
که بر سفره آید بهر طعام	مگر خود دهد بر شما بار عام
نشینید پیش از زمان در سرا	مبادا چو دعوت کند مصطفی
که آیا غذا را کی آرند پیش	گشاید بر سفره چشمان خویش
همان دم به بیت محمد (ص) روید	فقط در زمانی که دعوت شوید
پراکنده گردید از آن مقام	به محضی که خوردید آنجا طعام
ره بحث و صحبت نمایید طی	مبادا نشینید در بیت وی
ولی از حیا، لب ببندد فرو	که آزرده گردد از این کار او
وزین حرف شرمی نباشد ورا	خدا حرف حق را زند بر شما
پس پرده گیرید بر امر رب	ز زنها چو سازید چیزی طلب

نکوتر بمانید دور از عیوب

بدین کار پاکیزه ماند قلوب

به پیغمبر کردگار بشر

مبادا که هرگز رسانید شر

چو او مُرد و راه جهان کرد طی

نیارید در عقد، زنه‌های وی

گناهی بزرگست و کاری خطا

که این کار در نزد یکتا خدا

شان نزول شیخ طوسی: درباره این قسمت آیه وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَرْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ
عده ای می گفتند: اگر پیامبر بمیرد ما بعد از او با زنان او ازدواج خواهیم کرد سپس
این آیه نازل گردید

نکته ها اجازه گرفتن برای ورود به خانه‌ی دیگران، مخصوص خانه‌ی پیامبر اکرم
صلی الله علیه و آله نیست، همان گونه که در سوره‌ی نور می‌خوانیم: لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ
بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْنِسُوا در این آیه قسمت‌هایی از آداب مهمانی مطرح شده، و در
آیات دیگر بخش‌های دیگری از آن آمده است: هنگام ورود، سلام کنید. فَسَلِّمُوا
اگر جواب ردّ دادند ناراحت نشوید و برگردید. إِنَّ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا نوع
پذیرایی به خصوص اگر دعوت کرده‌اید، خوب باشد جَاءَ بِعَجَلٍ حَنِيدٍ

سفره را نزد مهمان ببرید، نه آنکه مهمان را به محل پذیرایی ببرید. فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ در
روایات نیز دهها نکته و دستور پیرامون آن وارد شده است.

إِنَاهُ به معنای پخته شدن غذاست و غَيْرَ نَاطِرِينَ إِنَاهُ یعنی مهمان زودتر از وقت
پذیرایی نیاید تا منتظر پخته شدن غذا بماند. خانه‌ی پیامبر، اتاق‌های متعدّد
داشته و هریک از همسران در اتاقی زندگی می‌کردند. بُيُوتَ النَّبِيِّ

خطاب‌هایی که در این آیه درباره زنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است، در حقیقت مربوط به همه‌ی زنان مسلمان است، به دلیل **أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ** که خداوند درباره‌ی هر زن و مردی پاکدلی را می‌خواهد چون خطر سوء استفاده از همسران پیامبر، مهم‌تر از حقّ شخصی آنهاست، باید بعد از پیامبر حقّ ازدواج با دیگران از آنان سلب شود. **وَ لَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ**

۱- ایمان، مستلزم رعایت ادب و آداب اجتماعی است. **يَا أَيُّهَا ... آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا**
۲- حقّ آرامش در مسکن برای همگان محترم است، خصوصاً برای رسول خدا
۳- بهترست که مهمانی در منزل باشد (نه در مهمانسرا) **بُيُوتِ النَّبِيِّ ... طَعَامٍ**
۴- صاحب خانه حقّ دارد به کسی اذن ورود ندهد. **إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ**
۵- اجازه برای ورود به خانه دیگران، به هر صورت کافی است و لازم نیست خود او شخصاً اجازه بدهد (**يُؤْذَنَ** به صورت مجهول آمده، یعنی اجازه صاحبخانه از هر طریقی حاصل شود)

۶- پذیرایی از مهمان، از سیره‌ی پیامبر اکرم است. **إِلَى طَعَامٍ ... دُعَيْتُمْ**

۷- اصل مهمانی مهم است، نه نوع غذا. **إِلَى طَعَامٍ ... دُعَيْتُمْ.**

۸- دین جامع آن است که هم برای مسایل جزئی همچون پذیرایی از مهمان و هم بزرگ‌ترین مسایل حکومتی برنامه داشته باشد. **يُؤْذَنَ لَكُمْ - غَيْرَ نَاطِرِينَ - فَانْتَشِرُوا**

۹- بی دعوت به مهمانی نروید. **إِذَا دُعَيْتُمْ**

۱۰- در اسلام، مردم عادی می‌توانند به خانه اول شخصیت دینی رفت و آمد کرده و حتی مهمان شوند. **بُيُوتِ النَّبِيِّ ... دُعَيْتُمْ.**

۱۱- از آداب مهمانی آن است که بعد از خوردن غذا خانه را ترک کنید. **«فَانْتَشِرُوا»**

و منزل میزبان را محلّ گفت و شنود قرار ندهید. وَ لَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ.

۱۲- اذیت کردن میزبان ممنوع است. «يُؤْذِي النَّبِيَّ» (گرچه با بردن فرزندان و یا همراهان باشد. تحقیر غذا و ناچیز شمردن آن نیز مصداق اذیت میزبان است.)

۱۳- پیامبر، از اتلاف وقت در گفتگوهای بی‌مورد رنج می‌برد لَا مُسْتَأْنِسِينَ لِحَدِيثٍ

۱۴- رنجاندن لازم نیست ظاهری و جسمی باشد، فشار اخلاقی و روحی نیز هست

۱۵- صاحبخانه را در بن‌بست و رودربایستی قرار ندهید. فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ

۱۶- سکوتی که بر اساس حیا و رودربایستی باشد، علامت رضایت نیست.

۱۷- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخص با حیایی بود. فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ

۱۸- اگر به دلیلی شخصی از روی حیا سکوت کرد، دیگران سکوت را بشکنند و حقّ را بیان کنند و بار خجالت را از دوش او بردارند. وَ اللَّهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ

۱۹- ارتباط با دیگران و داد و ستد زنان، با حفظ حجاب مانعی ندارد.

۲۰- زنان پیامبر محصور نبوده و با بیرون از منزل در ارتباط بودند فَسَأَلُوهُنَّ مِنْ

۲۱- در استدلال بر لزوم حجاب زن، دلیلی بیاورید که مورد اتفاق همه باشد ذَلِكَ

۲۲- در نحوه‌ی ارتباط زنان و مردان، باید محور کارها تقوا و پاکدلی باشد أَظْهَرَ

۲۳- نگاه نامحرم به یکدیگر، در دل آنان تأثیر گذار است... ذَلِكَ أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ

ز دست دیده و دل هر دو فریاد / هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

۲۴- حجاب به نفع زن و مرد هر دو است. «أَظْهَرَ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ»

۲۵- رابطه با نامحرم بدون حفظ حجاب، سبب رنجاندن پیامبرست.

۲۶- آزار پیامبر از گناهان کبیره است. «كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا»

درود و سلام خدا و فرشتگان بر محمد

۶۴. إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا

تَسْلِيمًا احزاب ۵۶

خدا و ملکهای او بس سلام بر احمد (ص) فرستند هر صبح و شام

شما نیز ای مؤمنان به رب درودش فرستید هر صبح و شب

به تعظیم گوئید بر او سلام سلامش نمایید با احترام

نکته ها در کتاب‌های ششگانه‌ی اهل سنت روایاتی آمده که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: چگونه صلوات بفرستیم؟ فرمود: بگوئید: اللهم صل علی محمد و آل محمد در صحیح بخاری (باب چگونگی صلوات بر پیامبر) وقتی این حدیث را نقل می‌کند، در همان نقل حدیث، کلمه‌ی آل محمد را حذف کرده، چنین می‌نویسد بگوئید: اللهم صل علی محمد و علی آل محمد!؟ در کنار نام پیامبر، ذکر صلوات مهم است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر که در کتاب و نوشته‌ای بر من صلوات فرستد تا آن صلوات در آن نوشته باقی است، برای او پاداش خواهد بود. در حدیث می‌خوانیم: «هر کس بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله يك صلوات فرستد، خداوند ده صلوات بر او می‌فرستد و ده لغزش او را می‌پوشاند. صلوات، کلید استجاب دعا و سبب سنگین شدن میزان مؤمن در قیامت می‌شود.

خداوند در قرآن به پیامبرش می‌فرماید: به زکات دهندگان صلوات فرست، خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً ... صَلِّ عَلَيْهِمْ ، در این آیه به مردم سفارش می‌کند که بر پیامبر صلوات فرستاده شود.

آری، در اسلام رابطه مردم و رهبر، رابطه صلوات و درود است همان گونه که در آیه ۵۴ انعام خدا به پیامبرش دستور می‌دهد به کسانی که به ملاقات می‌آیند سلام کن **إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ** امام صادق علیه السلام فرمود: درود خداوند به معنای رحمت، درود ملائکه به معنای به پاکی یاد کردن و درود مردم به معنای دعاست

۱- هرگاه خواستید دیگران را به کار خیری دعوت کنید، اول خود شروع کنید. (خدا برای فرمان صلوات به مردم، اول از صلوات خود و فرشتگان نام می‌برد). **إِنَّ اللَّهَ**
۲- صلوات خدا و فرشتگان دایمی است. **يُصَلُّونَ**

۳- صلوات بر پیامبر، لازمه ایمان و از وظائف مؤمنان است. ... **آمَنُوا صَلُّوا**

۴- درود لفظی کافی نیست، تسلیم عملی نیز لازم است. **صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا**

۵- رابطه‌ی مردم و رهبر در حکومت الهی، صلوات و سلام است. (علاقه‌ی قلبی کافی نیست، اظهار علاقه لازم است.)

امام صادق (علیه السلام): همیشه میان دعا و اجابت آن، حجاب و پرده ای می‌آید و حایل می‌شود. تا بر محمد (صلی الله علیه و آله) صلوات فرستاده نشود، آن حجاب و حایل برطرف نمی‌شود. صلوات بهترین ذکر برای برآوردن حاجات. آثار و فواید صلوات و درود بر آن پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم)، افزون بر این که نشانه ایمان و لازمه آن است، بلکه بر اساس آیات و روایات عامل برای جلب محبت آن حضرت و خشنودی وی و در نتیجه خشنودی و رضایت و محبت اوست. رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: نزدیک ترین شخص به من در فردای قیامت کسی است که صلوات بیش تری بر من فرستاده باشد.

آزار و اذیت پیامبر

۶۵. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا احزاب ۶۹

الامؤمنان به پروردگار نباشید چون مردمی نابکار

که دادند آزار و زجر عظیم به پیغمبر خویش موسی کلیم

از آن تهمت‌ش کرد ایزد بری که نزد خدا بُد نکور رهبری

شان نزول شیخ طوسی گویند: این آیه درباره منافقین نازل گردید که رسول خدا صلی الله علیه و آله را به خاطر ازدواج با صفیه دختر حی بن اخطب مورد ملامت و سرزنش قرار داده بودند و خداوند آنها را از این گونه عیب‌جویی ناروا نهی فرمود. **نکته ها** در آیه ۵۷ مسأله‌ی آزار پیامبر مطرح شد، شما مثل بنی اسرائیل نباشید که موسی را اذیت کردند. مراد از تهمتی که در مورد حضرت موسی مطرح شده، یا نسبتِ نقص جسمی است، یا نسبتِ قتل و یا سحر و جنون و

- ۱- گاهی رهبران الهی، از طرف مؤمنان هدف تهمت و اذیت قرار می‌گیرند.
- ۲- لازمه‌ی ایمان، دوری از تهمت است. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا ...
- ۳- از بی‌اثر ماندن تهمت به اولیای خدا درس بگیرید و تهمت نزنید. فَبَرَّأَهُ اللَّهُ
- ۴- خداوند دامن انبیای خود را از تهمت‌های دشمنان پاک می‌کند. فَبَرَّأَهُ اللَّهُ
- ۵- تبرئه‌ی مردان خدا از تهمت کافی نیست، باید از آنان تجلیل شود وَجِيهًا
- ۶- تبرئه از تهمت و داشتن وجاهت، شرط موفقیت در رهبری است.
- ۷- کسی را که به مأموریتی می‌فرستید و مسئولیتی به او می‌دهید، باید از او حمایت کنید.

گفتار بی نقص و محکم

۶۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا احزاب ۷۰ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا ۷۱

از ایزد بترسید بر راستی

حقیقت بگویند بی کاستی

که اصلاح می سازد آری خدا

عملهایتان را به وجهی سزا

به غفران خود بگذرد از گناه

از اعمال ناچیز و کار تباه

کسی کز خدا و رسولش کنون

اطاعت نماید به عشقی فزون

رسیدست حقا به فوزی عظیم

رها گشته از وحشت و رنج و بیم

نکته ها: (قول سدید) سخنی است که در آن سستی و لغو و دروغ و نفاق نباشد.

سخنی که همچون سدّی محکم، جلو شك و شبهه و فساد را بگیرد.

۱- لازمه‌ی ایمان، داشتن تقواست، و لازمه‌ی تقوا سخن استوار است. اتَّقُوا قَوْلًا

۲- انسان مؤمن شایستگی تقوا و قول سدید را دارد. الَّذِينَ آمَنُوا- اتَّقُوا- قُولُوا

۳- نشانه‌ی ایمان، هم ظاهری است، «قَوْلًا سَدِيدًا» و هم باطنی. اتَّقُوا اللَّهَ

۴- سخن سدید تنها به الفاظ آن نیست، بلکه به محتوای آن است، در واقع این

فکر و اندیشه است که باید محکم و استوار باشد. قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

۵- هر شنیده‌ای قابل بازگو کردن نیست. قَوْلًا سَدِيدًا

۶- اگر انسان در رفتار و کردار تقوا را مراعات کند، باقی مسائل را خدا حل می کند.

يُصْلِحْ لَكُمْ نَظِيرِ ۳۱ نساء نَكْفَرُ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ، اگر از گناهان بزرگی که از آن نهی

می شوید دوری کنید، گناهان کوچک شما را می پوشانیم - کلید رستگاری، پیروی

از خدا و رسول است. مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

یاری خدا و مقاوم شدن

۶۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ محمد ۷

الا مؤمنان به پروردگار چو یاری رسانید بر کردگار

خدا نیز یاریتان می دهد ثبات قدم بر شما می نهد

نکته ها انسان، موجودی محدود است و نصرت و یاری او از راه خدا نیز

محدود؛ ولی خداوند بی نهایت است و نصرت او برخاسته از قدرت نامحدود.

خداوند چند چیز را در گرو چند چیز بر خود لازم کرده است :

- توجّه و یادکردش را در گرو یادکرد انسان. **فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ**

- نصرت و یاریش را در گرو یاری انسان. **إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**

- برکت و ازدیاد را در گرو سپاسگزاری انسان. **لِئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ**

- وفای به عهدش را در گرو وفاداری انسان. **أَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ**

حضرت علی علیه السلام: اگر خدا را یاری کنید، خداوند شما را یاری می کند و

گام‌های شما را استوار می‌سازد... خدا از روی خواری و ناچاری از شما نصرت و

یاری نمی‌خواهد... او از شما یاری خواسته در حالی که خود عزیز و حکیم است

و سپاهیان آسمان‌ها و زمین به فرمان او هستند. نصرت خواهی و استقراض

الهی برای آنست که شما را بیازماید و بهترین عامل به نیکی‌ها را مشخص سازد.

۱- لازمه‌ی ایمان، اقدام عملی در جهت نشر و گسترش دین الهی است **إِن تَنْصُرُوا**

۲- جهاد با کفار محارب، یکی از مصادیق یاری دین خداوند است. **فَضْرَبَ الرَّقَابِ**

۳- پاداش و کیفر الهی، با عملکرد انسان همگون است. **تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**

۴- هرکس با فکر، زبان و عمل، دین اسلام را یاری کند، خدا او را حمایت کند.

۵- دریافت الطاف الهی، به تلاش انسان بستگی دارد. **«إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ»**

اطاعت نکردن باطلی اعمال

۶۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

پس ای اهل ایمان زیکتا خدا محمد ۳۳ اطاعت نمایید و از مصطفی

نسازید باطل عملهای خویش ره زشتکاری مگیرید پیش

شان نزول اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در صورت گفتن لا اله الا الله اگر گناهی مرتکب شوند، ضرری نخواهد داشت. همچنانی که اگر کسی در حال شرک عمل خوبی انجام بدهد به حال او نافع نخواهد بود سپس این آیه نازل گردید و ترسیدند که مبادا گناهان، اعمال صالحه آنها را باطل نماید. وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ اعمال خود را برخلاف آنچه از طرف شرع وارد شده و به انجام آن مأموریت دارید، باطل نسازید تا ثواب شما از بین نرفته و مستحق عقاب و عذاب نشوید

نکته ها

- در آیات و روایات، برخی اعمال و گفتارها سبب بطلان اعمال معرفی شده‌اند:
۱. منت گذاشتن و آزار دادن نیازمندان، که پاداش انفاق را محو می‌کند. لَا تُبْطِلُوا
 ۲. بی ادبی نسبت به رهبران الهی، لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ ... أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ صدای خود را بر صدای پیامبر برتر قرار ندهید تا کارهایتان تباه نشود.
 ۳. عجب و حسد. امام صادق علیه السلام فرمودند: ان الحسد يأكل الايمان كما تأكل النار الحطب حسد نیکی‌ها را نابود می‌کند همان گونه که آتش هیزم را می‌سوزاند.
 ۴. شرك به خدا. لَيْسَ أَشْرَكَتَ لِيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ شرك ورزی قطعاً عمل را تباه می‌کند.
 ۵. ریا که گونه‌ای از شرك است. الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ ...

در مورد **لا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ** با توجه به صدر آیه، سه وجه می‌توان ذکر کرد:

الف) ایمان خود را حفظ کنید و مشرک نشوید که اعمالتان باطل می‌شود. زیرا

شُرک اعمال را تباه می‌کند. «لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ»

ب) با ترک اطاعت از رسول خدا، اعمالتان را تباه نسازید.

ج) با منت گذاشتن به پیامبر، اعمال خود را تباه نکنید. چنانکه خداوند می‌فرماید:

يَمُنُونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُلْ لَا تَمُنُوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ

پیام‌ها

۱- گرچه مخاطب قرآن، مؤمنان هستند، اما ذکر این عنوان در آغاز برخی آیات،

بیانگر شخصیت دادن و تکریم آنان است. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ...**

۲- اولویت‌ها و سلسله مراتب را مراعات کنیم. در اینجا نام خداوند قبل از پیامبر

آمده است.

۳- لازمه‌ی ایمان، تسلیم بودن و اطاعت از فرامین خدا و رسول است **أَطِيعُوا**

۴- دستورات دین، دو نوع است: دستورات ثابت که از طرف خداوند است.

أَطِيعُوا اللَّهَ و دستورات متغیر که به مقتضای ضرورت‌ها و نیازها از طرف حاکم

اسلامی صادر می‌شود. **أَطِيعُوا الرَّسُولَ**

۵- پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله معصوم است. فرمان اطاعت از پیامبر بدون

هیچ قید و شرطی، نشانه عصمت او و واجب‌الاتباع بودن اوست. **أَطِيعُوا الرَّسُولَ**

۶- مؤمنان، به ایمان خود مغرور نشوند که اعمالشان در معرض خطر است

تقدم بر رهبر ممنوع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ۶۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدُمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ حجرات ۱

الا مؤمنان! زینهار از سبق تقدم نجوئید بر پیک حق

خدا ترس باشید و پرهیزکار سمیع و علیم است پروردگار

شان نزول امیرالمومنین علی علیه السلام: آیه درباره دو نفر از قریش نازل گردیده است. طائفه بنی تمیم نزد پیامبر آمده بودند و می خواستند تا یکی از میان ایشان از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله به سمت امیر برگزیده شود. ابوبکر یک نفر را که نام وی قعقاع بن معبد بود بدین منظور پیشنهاد نموده و اختیار کرده بود و عمر بن الخطاب فرد دیگری را که نام وی اقرع بن حابس بود بدین منظور پیشنهاد نموده و برگزیده بود. در این میان ابوبکر به عمر گفت: آیا مقصود تو از این انتخاب مخالفت با من بوده است؟ عمر در جواب گفت: مراد من از این انتخاب مخالفت با تو نبود سخنان این دو نفر به مشاجره لفظی کشیده شد و صداهای خود را در حین مشاجره بلند کرده و با آواز بلند با یکدیگر سخن می گفتند. سپس در چنین موقعی این آیه نازل گردید.

نکته ها سه سورهی مائده، حجرات و ممتحنه که درباره مسائل حکومتی و اجتماعی است، با جملهی **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا** شروع شده است.

در آغاز سورهی مائده: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ** ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌های خود وفادار باشید

و در سورهی ممتحنه: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ**

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دشمن من و دشمن خود را سرپرست خود قرار ندهید. و در این سوره: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقَدَّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ** ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر حکم خدا و رسول پیشی نگیرید. این آیه می‌خواهد مؤمنان را همچون فرشتگان تربیت کند، زیرا قرآن درباره‌ی آنها می‌فرماید: در سخن بر خدا سبقت نمی‌گیرند و تنها طبق دستور او عمل می‌کنند. **لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ** قرآن، موارد تقدّم و پیشی گرفتن بر پیامبر را بیان نکرده تا شامل نهی از انواع پیش افتادن‌ها در امور عقیدتی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیر آن در گفتار و کردار گردد. خداوند از تقدّم بر رهبر جامعه اسلامی به شدّت نهی نموده است، زیرا کسی که در کارهایش از خدا و پیامبر پیشی می‌گیرد، در مدیریت نظام اسلامی خلل وارد کرده و جامعه را به هرج و مرج می‌کشانند و در حقیقت نظام قانون‌گذاری را بازیچه تمایلات خود قرار می‌دهد.

عمل به این آیه، جلوی بسیاری از خطاها را می‌گیرد. زیرا گاهی خواسته‌ی مردم، پیروی انسان از حدس و تخمین یا میل به ابتکار و نوآوری و یا قضاوت عجولانه و یا گمان آزاداندیشی، انسان را وادار به گفتن، نوشتن و یا گرفتن تصمیماتی می‌کند که ناخودآگاه از خواسته‌ی خدا و رسول جلو می‌افتد. همان‌گونه که گروهی به گمان عبادت، قاطعیّت، انقلابی بودن و زهد و ساده زیستی، از خدا و رسول پیشی گرفتند و به قول معروف کاسه‌ی داغ‌تر از آش شدند.

پذیرش و عمل به آن دسته از آداب و عادات و رسوم اجتماعی و یا مقرّرات و قوانین بشری که ریشه در قرآن و حدیث ندارد و برخاسته از عقل و فطرت نیست، نوعی پیش افتادن از خدا و رسول است.

نمونه‌های پیش‌افتادن

به چند نمونه تاریخی از پیشی گرفتن بر پیامبر که در تفاسیر و روایات آمده، توجه کنیم:

۱. در عید قربان، گروهی قبل از پیامبر صلی الله علیه و آله قربانی کردند، به آنان گفته شد: «لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ»

۲. قوم بنی تمیم از پیامبر صلی الله علیه و آله امیر و حاکم خواستند. خلیفه‌ی اول و دوم هر کدام شخصی را پیشنهاد کردند و با هم مشاجره می‌کردند که کاندیدای من بهتر است، آیه نازل شد: لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ ... و لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ

۲. بعضی اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله خواب و خوراک و آمیزش با همسر را بر خود حرام کردند. پس هرکس از این راه پیروی نکند، از من نیست. فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِي فَلَيْسَ مِنِّي

۳. با این که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ازدواج موقت را شرعی و قانونی اعلام فرمودند، اما خلیفه‌ی دوم آن را حرام کرد.

۷. در سال هشتم هجری که پیامبر صلی الله علیه و آله برای فتح مکه از مدینه حرکت کردند، بعضی از مسلمانان در این سفر روزه خود را افطار نکردند، با این که می‌دانستند مسافر روزه ندارد و می‌دیدند که پیامبر صلی الله علیه و آله افطار کرده. اینها در واقع از پیامبر صلی الله علیه و آله پیشی گرفتند.

پیام ها

- ۱- پیش از درخواست و دستور به کاری، باید ابتدا زمینه‌های روانی پذیرش را در مخاطب ایجاد کرد. جمله‌ی «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» به مؤمنان شخصیت می‌دهد و رابطه‌ی آنان با خدا را که زمینه‌ی انجام دستور است، بیان می‌کند.
- ۲- از آنجا که فرمان پیش نیفتادن از خدا و رسول، فرمان ادب است، خود این آیه نیز مخاطب را با ادب ویژه صدا می‌زند. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا...
- ۳- حرام کردن حلال خدا و یا حلال کردن حرام‌ها، نوعی پیشی گرفتن بر خدا و رسول است.
- ۴- هرگونه بدعت و جعل قانون در برابر قانون الهی ممنوع است. لا تُقَدِّمُوا...
- ۵- سرچشمه‌ی قانون و رفتار ما باید قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله باشد.
- ۶- حکم رسول، حکم خداست و بی‌احترامی به او بی‌احترامی به خداست.
- ۷- پیشی گرفتن از خدا و رسول، بی‌تقوایی است. لا تُقَدِّمُوا ... وَ اتَّقُوا
- ۸- برای انجام تکالیف، دو اهرم ایمان و تقوا لازم است. آمَنُوا ... وَ اتَّقُوا
- ۹- التزام عملی باید همراه با تقوای درونی باشد. لا تُقَدِّمُوا ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ
- ۱۰- کسانی که به خاطر سلیقه‌های شخصی یا آداب اجتماعی، بر خدا و رسولش پیشی می‌گیرند، از ایمان و تقوا دور شده‌اند. لا تُقَدِّمُوا ... وَ اتَّقُوا
- ۱۱- تندروی‌های خود را توجیه نکنیم. لا تُقَدِّمُوا ... إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ
- ۱۲- ایمان به حضور و آگاهی خداوند، زمینه پرهیز و خداترسی می‌گردد

ادب به هنگام صحبت کردن

۷۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ
كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ (حجرات ۲)

مبادا همان سان که با خویشتن بگویند با بانگ محکم سخن

رسول خدا را هم این سان خطاب نمایند دور از طریق صواب

چو گشتید دور از طریق ادب شود محو اعمالتان نزد رب

ندانید هرگز که خود از کجا شما را رسیدست این سان بلا

شان نزول آی ۲ تا ۵: اختلاف عمر و ابوبکر در مقابل منزل پیامبر و بلند شدن صدای آن ها. همچنین قومی از سفهای بنی تمیم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و گفتند: یا محمد نزد ما بیا تا با تو حرف بزنیم. پیامبر از سوء ادب و طرز رفتار بد آن ها مغموم گردید و آیه ۴ نازل شد. آنان به پیامبر گفتند: نزد تو آمده ایم تا به تو فخر فروشیم بنابراین به شاعر و خطیب ما اجازه بده تا شعر گویند و سخن برانند. بعد از این گفت و شنود به خطیب و شاعر رسول خدا صلی الله علیه و آله جوایز نیکو بخشیدند و همگی آن طائفه به دین اسلام گرویده و مسلمان شدند.

نکته ها در آیه ی ۶۳ سوره ی نور نیز سفارش شده که پیامبر را مانند خود صدا نزنید، بلکه با احترام و مؤدبانه نام ببرید. قرآن، حبط اعمال را، يك جا برای کفر و شرك آورده و يك جا برای بی ادبی در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، پس کیفر بی احترامی به پیامبر، هم وزن کیفر کفر و شرك است. یکی از یاران پیامبر که در حضور پیامبر بلند سخن گفته بود، هنگامی که شنید صدای بلند او سبب از بین

رفتن و نابودی کارهای خوب او می‌شود، بسیار ناراحت شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: صدای بلند تو برای خطابه و سخنرانی بود و حساب تو از دیگران جداست. در جمله‌ی **أَنْ تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ**، این نکته نهفته است که برخی اعمال آثار وضعی دارد و آن آثار وابسته به دانستن یا ندانستن ما نیست. برخی گناهان، سبب پیدایش قحطی، زلزله، کوتاه شدن عمر، ذلت و خواری می‌شود، گرچه خود انسان از عامل پیدایش این آثار خبری نداشته باشد. گرچه بلند کردن صدا بی‌ادبی به پیامبر صلی الله علیه و آله است که به خاطر مقام والای آن حضرت، سبب حبط اعمال می‌شود، ولی قرآن به ما سفارش کرده که نسبت به همه‌ی مردم ادب را رعایت کنیم و آرام سخن بگوییم. چنانکه لقمان علیه السلام به فرزندش می‌گوید: **وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ** صدای خود را فرو گیر و آرام سخن بگو. سپس صداهای بلند را به صدای الاغ تشبیه کرده است: **إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ** مسئله‌ی صدای بلند و آلودگی صوتی، امروزه یکی از مشکلات جامعه‌ی بشری است که گاهی به اسم عروسی، گاهی به اسم عزا، گاهی در مسجد و گاهی در کوچه و خیابان و زمین ورزش، آرامش را از مردم سلب می‌کند

۱ برای آموزش ادب به دیگران، ما نیز باید آنان را مؤدبانه صدا بزنیم

۲ مقام و موقعیت افراد، در عمل آنان اثر دارد. (جسارت مؤمن نسبت به پیامبر، کیفر سنگینی دارد

۳ سفارش به احترام بزرگان، از زبان دیگران زیبا است.

۴ گاهی انسان ندانسته تیشه به ریشه خود می‌زند. **تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ**

مبارزه با شایعه

۷۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ حَجرات ۶

الا مؤمنان به یزدان اگر یکی فاسق آورد ناگه خبر

نماید تحقیق بر سقم و راست که آیا درست است یا نه خطاست

مبادا که از جهل آن شخص و بس رسانید رنجی به قومی و کس

وز آن پس پشیمان بگردید و زار که بیهوده کردیم این گونه کار

شیخ طوسی : این آیه درباره ولید بن عقبه بن ابی معیط نازل گردیده هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله او را برای گرفتن زکات از طائفه بنی المصطلق فرستاده بود. طائفه مزبور به عنوان احترام و استقبال از نماینده پیامبر برای گرفتن زکات از محل خود بیرون آمده بودند. ولید پنداشت که خیال کشتن او را دارند لذا مراجعت کرد و نزد پیامبر آمد و گفت: یا رسول الله طائفه بنی المصطلق از دادن زکات امتناع ورزیده اند در صورتی که چنین نبوده است . پس از دروغی که ولید در مورد سرباز زدن قبیله بنی المصطلق از پرداخت زکات گفت، این آیه فسق او را آشکار ساخت تا پیامبر و مؤمنان بر اساس خبر او عمل نکنند.

نکته ها امام حسین علیه السلام در احتجاجی که با ولید بن عقبه داشت فرمود: به خدا سوگند من تو را در دشمنی ات با علی بن ابی طالب علیه السلام ملامت نمی کنم، زیرا خداوند، علی را مؤمن و تو را فاسق خوانده است. سپس آیه فوق را تلاوت کردند.

سؤال: در این آیه دستور تحقیق و بررسی آمده، ولی درآیه ۱۲ همین سوره، تجسس، حرام شمرده شده است، آیا می‌شود تحقیق و تفحص، هم حرام باشد و هم واجب؟

پاسخ: آنجا که تجسس حرام است، درباره‌ی رفتار شخصی مردم است که ربطی به زندگی اجتماعی ندارد، ولی آنجا که واجب است، موردی است که به جامعه مربوط است و می‌خواهیم بر اساس آن، اقدام و عملی انجام دهیم که اگر به خاطر احترام فرد، تحقیق و بررسی نکنیم ممکن است جامعه در معرض فتنه و آشوب قرار گیرد.

فسق چیست و فاسق کیست؟

فسق در اصطلاح قرآنی، به خارج شدن از راه مستقیم گفته می‌شود. این کلمه در برابر عدالت به کار می‌رود و فاسق به کسی گویند که مرتکب گناه کبیره‌ای شود و توبه نکند. فسق، ۵۴ بار در قرآن آمده و در موضوعات و مصادیق مختلفی به کار رفته است از جمله:

۱. در مورد انحراف‌های فرعون و قوم او: «إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»
۲. در مورد افراد چند چهره و منافق: «إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»
۳. در مورد آزار دهندگان به انبیا و سرکشان از دستورات آنان: «قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا... الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ»
۴. در مورد حيله گران: «... بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»
۵. در مورد کسانی که طبق قانون الهی داوری و قضاوت نمی‌کنند: «وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»

۶. در مورد کسانی که وظیفه‌ی مهم امر به معروف و نهی از منکر را رها می‌کنند:

أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا ... بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۷. در مورد کسانی که خانه، تجارت، فامیل و مادیات را بر جهاد در راه خدا ترجیح

می‌دهند: إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ ... أَحَبَّ ... وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

۸. در مورد گناهان علنی و انحرافات جنسی و شهوت‌رانی‌های ناروا. (قرآن به قوم

لوط که گناه را در مجالس علنی و بی‌پروا انجام می‌دادند، لقب فاسق داده است)

«رَجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ»

۹. در مورد بهره‌گیری از غذاهای حرام: حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ ... ذَلِكَمُ فِسْقٌ

۱۰. در مورد تهمت زدن به زنان پاکدامن: يَزْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ... هُمُ الْفَاسِقُونَ

تحقیق، داروی دردهای اجتماعی

در طول تاریخ، انبیا با مردم و اجتماعاتی روبرو بوده‌اند که به انواع بیماری‌های

اجتماعی و اخلاقی مبتلا بوده‌اند و حتی امروز با آن همه پیشرفت‌های مهمی که

در زندگی بشر شده، هنوز آن بیماری‌ها به قوت خود باقی است.

بیماری‌هایی همچون: تقلید کورکورانه از نیاکان و پیروی از عادات و آداب و رسوم

خرافی. پیروی از خیالات، شایعات، پیشگویی‌ها و رؤیاهای بی‌اساس. داوری و

موضع‌گیری بدون علم، ستایش یا انتقاد بدون علم و نوشتن و گفتن بدون علم.

داروی شفابخش برای همه آن بیماری‌ها، تحقیق و بررسی است که در این آیه

آمده است. اگر جامعه اهل دقت و تحقیق و بررسی باشد، همه‌ی این آفات و

بلاهای اجتماعی یکسره درمان می‌شود. مشابه این آیه، آیه ۹۴ سوره نساء است

که می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ

أَلْقَى إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا... ای مؤمنان! هرگاه در راه خدا گام بر می‌دارید و سفر می‌کنید، تحقیق و بررسی کنید و به کسی که اظهار ایمان می‌کند نگوئید تو مؤمن نیستی و بخاطر به دست آوردن غنائم بی‌گناهی را نکشید. زیرا نزد خداوند غنائم فراوانی است.

خبر در اسلام

اسلام درباره‌ی چگونگی سخن و نقل خبر تأکیدهای فراوانی کرده است از جمله: **الف**) قرآن از کسانی که هر خبری را می‌شنوند و نسنجیده آن را نشر می‌دهند، به شدت انتقاد کرده و می‌فرماید: خبر را به اهل استنباط عرضه کنید و اگر حقانیت آن ثابت شد، آنگاه آن را پخش کنید.

ب) قرآن برای کسانی که با پخش اخبار دروغ، در جامعه دغدغه ایجاد می‌کنند، کیفری سخت معین فرموده است

ج) پیامبر صلی الله علیه و آله در سال آخر عمر شریف خود در سفر حج فرمودند: کسانی که خبرهای دروغی از من نقل می‌کنند، زیادند و در آینده زیادتیر خواهند شد، هر کس آگاهانه به من نسبت دروغ بدهد، جایگاهش دوزخ است و هر چه از من شنیدید، به قرآن و سنت من عرضه کنید، پس اگر موافق آن دو بود بپذیرید وگرنه رد کنید.

د) امام صادق علیه السلام به کسی که خبرهای دروغی را به پدرش امام باقر علیه السلام نسبت می‌داد، لعنت کردند و فرمودند: هر چه از ما شنیدید، اگر شاهد و گواهی از قرآن یا سایر سخنان ما بر آن پیدا کردید، بپذیرید وگرنه نپذیرید.

ه) امام رضا علیه السلام: سند سخنان ما، قرآن و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است.
و) یکی از مهم‌ترین علوم اسلامی، علم رجال که برای شناخت خبر صحیح از غیر صحیح، افرادی را که حدیث نقل می‌کنند، مورد ارزیابی و بررسی قرار می‌دهد.

پیام‌ها

- ۱ - افراد مؤمن باید اهل تحقیق و بررسی باشند، نه افرادی زودباور و سطحی‌نگر.
- ۲ - همه‌ی اصحاب پیامبر عادل نبوده‌اند، در میان آنان افراد فاسق و منافق بود
- ۳ - افشاگری و رسوا کردن افرادی که کارشان سبب فتنه است، مانعی ندارد .
- ۴ - زمینه فتنه دو چیزست: تلاش فاسق، زودباوری مؤمن. فاسِقٌ ... فَتَبَّيَّنُوا
- ۵ - اصل در اسلام، اعتماد به مردم است، اما حساب کسی که فسق او بر همه روشن شد، از افراد عادی جداست. إِنْ جَاءَكُمْ فاسِقٌ ... فَتَبَّيَّنُوا
- ۶ - افراد فاسق، در صدد ترویج اخبار دروغ و نوعی شایعه پراکنی هستند. بِنَبَأِ
- ۷ - ایمان، با خوش‌باوری سازگار نیست. آمَنُوا ... فَتَبَّيَّنُوا
- ۸ - تحقیق و بررسی را به تأخیر نیندازید فَتَبَّيَّنُوا (حرف ف نشانه‌ی اقدام سریع)
- ۹ - گاهی فاسق راست می‌گوید، نباید همه جا سخن او را تکذیب کرد، بلکه تحقیق
- ۱۰ - جامعه اسلامی، در معرض تهاجم خبری است و مردم باید هوشیار باشند
- ۱۱ - در مدیریت، باید علاج واقعه را قبل از وقوع کرد. ابتدا تحقیق و سپس اقدام
- ۱۲ - بیان فلسفه و رمز و راز احکام الهی، انگیزه‌ی مردم را برای انجام دستورات زیاد می‌کند. (فلسفه تحقیق، دوری از ایجاد فتنه است.) فَتَبَّيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا
- ۱۳ - یکی از اهداف خبرگزاری‌های فاسق، ایجاد فتنه و بهم زدن امنیت نظام است.
- ۱۴ - اقدام عجولانه و بدون بررسی و تحقیق، نوعی جهالت است. بِجَهَالَةٍ
- ۱۵ - پایان کار نسنجیده، پشیمانی است. فَتَبَّيَّنُوا ... نَادِمِينَ

تمسخر عیبجوی و لقب زشت ممنوع

۷۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ حجرات ۱۱

الا مؤمنان به پروردگار که دارید ایمان به روز شمار

همه در حق هم چه مرد چه زن نماید پرهیز از شک و ظن

چه بسیار پندارهائی که هست که همچون گناهی به دل برنشست

ز حال درونی هم هیچگاه تجسس نورزید باشد گناه

مگوئید پشت سر هم سخن مسازید غیبت به هیچ انجمن

کسی از شما هیچ راضی بشد خورد گوشت مرده اخوان خود؟

شما راست نفرت خود از این عمل بود حکم غیبت همین در مثل

بترسید و باشید پرهیزکار رحیم است و تواب پروردگار

شان نزول

لقب از اسمائی ناخوشایندی بود که در جاهلیت مرسوم بوده و اگر کسی را به لقب او می خواندند، و بدش می آمد لذا این آیه نازل گردید و نیز انس گوید این قسمت از آیه **وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ** درباره عائشه و حفصه زنان پیامبر نازل شد زیرا آنان ام سلمه یکی دیگر از زوجات رسول خدا صلی الله علیه و آله را به باد مسخره و استهزاء گرفته بودند.

نکته ها : لمز عیب‌جویی در روبرو و همز عیب‌جویی در پشت سر است و تنابز نام بردن و صدازدن دیگران با لقب بد است. آری، یکی از برکات عمل به دستورات اسلام، سالم‌سازی محیط و جلوگیری از درگیری‌های اجتماعی است. شاید بتوان گفت که عنوان تمسخر و تحقیر که در این آیه مطرح شده، از باب نمونه است و هر سخن یا حرکتی که اخوت و برادری اسلامی را خدشه‌دار کند، ممنوع است با آنکه زنان در واژه «قوم» داخل بودند، اما ذکر آنان به صورت جداگانه، بیانگر خطر بیشتر تمسخر و تحقیر در میان آنان است

تمسخر و استهزای دیگران استهزا و مسخره کردن، در ظاهر يك گناه، ولی در باطن چند گناه است؛ گناهایی مانند: تحقیر، خوار کردن، کشف عیوب، اختلاف افکنی، غیبت، کینه، فتنه، تحریک، انتقام و طعنه به دیگران در آن نهفته است.

ریشه‌های تمسخر

۱. گاهی مسخره کردن برخاسته از ثروت است که قرآن می‌فرماید: **وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَ عَدَّدَهُ** وای بر کسی که به خاطر ثروتی که اندوخته است، در پیش رو یا پشت‌سر، از دیگران عیب‌جویی می‌کند.

۲. گاهی ریشه‌ی استهزا، علم و مدرک تحصیلی است که قرآن درباره این گروه می‌فرماید: **فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ وَ حَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ** آنان به علمی که دارند شادند و کیفر آنچه را مسخره می‌کردند، ایشان را فرا گرفت

۳. گاهی ریشه‌ی مسخره، توانایی جسمی است. کفار می‌گفتند: **مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً** کیست که قدرت و توانایی او از ما بیشتر باشد؟

۴. گاهی انگیزه‌ی مسخره کردن دیگران، عناوین و القاب دهان پر کن اجتماعی است. کفار فقرایی را که همراه انبیا بودند تحقیر می‌کردند و می‌گفتند: **ما نَرَاكَ**

اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا أَنْ يَنْزِلُوا فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ

۵. گاهی به بهانه تفریح و سرگرمی، دیگران به تمسخر گرفته می‌شوند

۶. گاهی طمع به مال و مقام، سبب انتقاد همراه با تمسخر از دیگران می‌شود.

گروهی، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره‌ی زکات عیب‌جویی می‌کردند، وَ مِنْهُمْ

مَنْ يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ

يَسْخَطُونَ ریشه‌ی این انتقاد طمع است، اگر از همان زکات به خود آنان بدهی

راضی می‌شوند، ولی اگر ندهی همچنان عصبانی شده و عیب‌جویی می‌نمایند.

۷. گاهی ریشه‌ی مسخره، جهل و نادانی است. هنگامی که حضرت موسی برای حل

اختلاف و درگیری دستور کشتن گاو را داد، بنی‌اسرائیل گفتند: آیا ما را مسخره

می‌کنی؟ موسی علیه السلام گفت: أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ به خدا پناه

می‌برم که از جاهلان باشم. یعنی مسخره برخاسته از جهل و نادانی است.

۸. گاهی سرچشمه تمسخر، ریاکاری و بهانه‌گیری و شخصیت‌شکنی است. يَلْمِزُونَ

الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ

مِنْهُمْ یکی از کارهای مبارك رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از بعثت تغییر نام افراد و

مناطق بود که دارای نام زشت بودند. زیرا نام بد، وسیله‌ای برای تمسخر و تحقیر

است.

عقیل، برادر حضرت علی علیه السلام بر معاویه وارد شد، معاویه برای تحقیر او

گفت: درود بر کسی که عمویش ابولهب، لعنت شده‌ی خداوند است و خواند:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ عَقِيلٍ فَوْرِي پاسخ داد: درود بر کسی که عمه‌ی او چنین است

و خواند: وَ امْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ (زن ابولهب، دختر عمه‌ی معاویه بود.)

پیام ها

- ۱- ایمان، با مسخره کردن بندگان خدا سازگار نیست. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ
- ۲- کسی که مردم را از توهین به دیگران باز می‌دارد نباید در شیوه‌ی سخنش توهین باشد. لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ (نفرمود: لا تسخروا یعنی شما که مسخره‌کننده هستید.)
- ۳- مسخره، کلید فتنه، کینه و دشمنی است. لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ ... (بعد از بیان برادری و صلح و آشتی در آیات قبل، از مسخره کردن نهی شده است)
- ۴- در شیوه‌ی تبلیغ، آنجا که مسئله‌ای مهم است یا مخاطبان متنوع هستند، باید مطالب تکرار شود. قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ ... وَ لَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ
- ۵- ریشه‌ی مسخره کردن، احساس خودبرتربینی است که قرآن این ریشه را می‌خشکاند و می‌فرماید: نباید خود را بهتر از دیگران بدانید، شاید او بهتر از شما باشد. عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا
- ۶- ما از باطن و سرانجام مردم آگاه نیستیم، پس نباید ظاهریین، سطحی‌نگر و امروز بین باشیم.
- ۷- عیب‌جویی از مردم، در حقیقت عیب‌جویی از خود است. وَ لَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ
- ۸- نقل عیب دیگران، عامل کشف عیوب خود است.
- ۹- بد صدا زدن، يك طرفه باقی نمی‌ماند، دیر یا زود مسئله به دو طرف کشیده می‌شود. لَا تَنَابَرُوا بِالْأَلْقَابِ (تَنَابَرُوا برای کار طرفینی است)
- ۱۰- مسخره کردن و بدنام بردن، گناه است و توبه لازم دارد
۱۱. مسخره، تجاوز به حریم افراد است و اگر مسخره‌کننده توبه نکند، ظالم

بدگمانی تجسس و غیبت ممنوع

۷۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا
وَ لَا يَغْتَبْ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَ
اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات ۱۲)

الا مؤمنان به پروردگار که دارید ایمان به روز شمار

همه در حق هم چه مرد چه زن نمایید پرهیز از شک و ظن

چه بسیار پندارهائی که هست که همچون گناهی به دل برنشست

ز حال درونی هم هیچگاه تجسس نورزید باشد گناه

مگوئید پشت سر هم سخن مسازید غیبت به هیچ انجمن

کسی از شما هیچ راضی بشد خورد گوشت مرده اخوان خود؟

شما راست نفرت خود از این عمل بود حکم غیبت همین در مثل

بترسید و باشید پرهیزکار رحیم است و تواب پروردگار

نکته ها این آیه نیز به عواملی چون سوءظن، تجسس و غیبت، که صلح و صفا و اخوت میان مؤمنان را به هم می‌زند اشاره می‌کند. در قرآن، به حسن ظن سفارش شده و از گمان بد نسبت به دیگران نهی گردیده است. همان‌گونه که آیه‌ی نهم این سوره، برای امنیت و حفظ جان مردم، همه‌ی مسلمانان را مسئول مبارزه با یاغی و تجاوزگر دانست، این آیه نیز برای حفظ آبروی مردم؛ سوءظن، تجسس و غیبت را حرام کرده است

امروزه حقوق‌دانان جهان، از حقوق بشر حرف می‌زنند، ولی اسلام به مسائلی از

قبیل تمسخر، تحقیر، تجسس و غیبت توجه دارد که حقوق دانان از آن غافلند. هیچ گناهی مثل غیبت به درزندگی بی رحمانه تشبیه نشده است. آری، حتی حیوانات درنده هم نسبت به هم جنس خود تعرض نمی کند.

اقسام سوء ظن و بدگمانی سوء ظن بعضی پسندیده و برخی ناپسند است :

۱. **سوء ظن به خدا**، در حدیث داریم: کسی که از ترس خرج و مخارج زندگی ازدواج نمی کند، در حقیقت به خدا سوء ظن دارد؛ گویا خیال می کند اگر تنها باشد خدا قادر است رزق او را بدهد، ولی اگر همسر داشته باشد، خدا قدرت ندارد. این سوء ظن، مورد نهی است.

۲. **سوء ظن به مردم**، که در این آیه از آن نهی شده است.

۳. **سوء ظن به خود**، که مورد ستایش است. زیرا انسان نباید به خود حسن ظن داشته باشد و همه کارهای خود را بی عیب بیندارد. علی علیه السلام در برشمردن صفات متّقین در خطبه همام می فرماید: یکی از کمالات افراد باتقوا آن است که نسبت به خودشان سوء ظن دارند. آری، افرادی که خود را بی عیب می دانند، در حقیقت نور علم و ایمانشان کم است و با نور کم، انسان چیزی نمی بیند.

افرادی که نور ایمانشان کم است، جز گناهان بزرگ چیزی به نظرشان نمی آید و لذا گاهی می گویند: ما که کسی را نکشته ایم! از دیوار خانه ای که بالا نرفته ایم! و گناه را تنها این قبیل کارها می پندارند، اما اگر نور ایمان زیاد باشد، تمام لغزش های ریز خود را نیز می بینند و به درگاه خدا ناله و استغفار می کنند. اگر کسی نسبت به خود خوش بین شد، هرگز ترقی نمی کند. او مثل کسی است که دائماً به پشت سر خود و به راههای طی شده نگاه می کند و به آن مغرور می شود.

غیبت و پیامدهای آن غیبت آن است که انسان در غیاب شخصی چیزی بگوید که مردم از آن خبر نداشته باشند و اگر آن شخص بشنود، ناراحت شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دست از سر مرده‌ها بردارید و بدی‌های آنان را بازگو نکنید، کسی که مُرد، خوبی‌هایش را بیان کند. امام صادق علیه السلام فرمود: غیبت کننده اگر توبه کند، آخرین کسی است که وارد بهشت می‌شود و اگر توبه نکند، اولین کسی است که به دوزخ برده می‌شود

امام رضا علیه السلام از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که هر کس از ریختن آبروی مسلمانان خود را حفظ کند، خداوند در قیامت لغزشهای او را نادیده می‌گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس زن یا مردی را غیبت کند، تا چهل روز نماز و روزه‌اش پذیرفته نمی‌شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: در قیامت هنگامی که نامه‌ی اعمال انسان به دست او داده می‌شود، عده‌ای می‌گویند: چرا کارهای خوب ما در آن ثبت نشده است؟ به آنها گفته می‌شود: خداوند، نه چیزی را کم و نه چیزی را فراموش می‌کند، بلکه کارهای خوب شما به خاطر غیبتی که کرده‌اید از بین رفته است. در مقابل افراد دیگری، کارهای نیک فراوانی در نامه‌ی عمل خود می‌بینند و گمان می‌کنند که این پرونده از آنان نیست، به آنها می‌گویند: به واسطه‌ی غیبت شدن، نیکی‌های کسی که شما را غیبت کرده، برای شما ثبت شده است.

اگر از بدن انسان زنده قطعه‌ای جدا شود، امکان پر شدن جای آن هست، ولی اگر از مرده چیزی کنده شود، جای آن همچنان خالی می‌ماند. غیبت، بردن آبروی مردم است و آبرو که رفت دیگر جبران نمی‌شود. لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا

جبران غیبت برای جبران غیبت‌ها، در صورتی که غیبت‌شونده زنده و در قید حیات است؛ اگر به او بگوییم که ما غیبت تو را کرده‌ایم ناراحت می‌شود، به گفته بعضی مراجع تقلید، نباید به او گفت، بلکه باید بین خود و خداوند توبه کرد و اگر امکان دسترسی. از حضرت آیه‌الله گلپایگانی قدس سره پرسیدم: آیا لازم است به دیگران بگوییم که ما غیبت شما را کرده‌ایم تا ما را حلال کنند؟ فرمود: نه، زیرا او ناراحت می‌شود و ناراحت کردن مسلمان، خود گناه دیگری است. پس جبران غیبت، استغفار است و حلالیت خواستن در همه جا لازم نیست

به شنوندگان غیبت است، به گونه‌ای با ذکر خیر و تکریم آن فرد، تحقیر گذشته را جبران کنیم و اگر غیبت‌شونده ناراحت نمی‌شود، از خود او حلالیت بخواهیم؛ اما اگر غیبت شونده از دنیا رفته است، باید توبه کرده و از درگاه خداوند عذرخواهی کنیم که البته خداوند توبه‌پذیر و بخشنده است

موارد جواز غیبت

۱. در مقام مشورت در کارهای مهم؛ یعنی اگر شخصی درباره‌ی دیگری در مورد ازدواج و گزینش و مسئولیت دادن و ... مشورت خواست، ما می‌توانیم عیب‌های آن فرد را به مشورت‌کننده بگوییم.
۲. برای ردّ سخن و عقیده‌ی باطل اشخاصی که دارای چنین اعتقاداتی هستند، نقل سخن و عیب سخن آنها جایز است، تا مبادا مردم دنباله‌رو آنها شوند.
۳. برای گواهی دادن نزد قاضی، باید حقیقت را گفت گرچه غیبت باشد.
۴. برای اظهار مظلومیت، بیان کردن ظلم ظالم مانعی ندارد.
۵. کسی که بدون حیا و آشکارا گناه می‌کند، غیبت او مانعی ندارد.

۶. برای ردّ ادعاهای پوچ، غیبت مانعی ندارد. کسی که می‌گوید: من مجتهدم، دکترم، و ما می‌دانیم که او اهل این صفات نیست، جایز است به مردم آگاهی دهیم تا فریب نخورند.

شنیدن غیبت وظیفه شنونده، گوش ندادن به غیبت و دفاع از مؤمن است. در حدیث می‌خوانیم: **الساکت شریک القائل** کسی که غیبت را بشنود و سکوت کند، شریک جرم گوینده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس غیبتی را بشنود و آن را ردّ کند، خداوند هزار باب شرّ را در دنیا و آخرت بر او می‌بندد، ولی اگر ساکت بود و گوش داد، گناه گوینده نیز برای او ثبت می‌شود. و اگر بتواند غیبت‌شونده را یاری کند، ولی یاری نکند، در دو دنیا خوار و ذلیل می‌شود. در روایتی، غیبت کردن؛ کفر و شنیدن و راضی بودن به آن، شرک دانسته شده.

در آیه‌ی ۳۶ سوره اسراء می‌خوانیم: **إِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصَرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا** هر یک از گوش و چشم و دل انسان، در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرند. بنابراین ما حق شنیدن هر حرفی را نداریم

پیام‌ها

۱- ایمان، تعهدآور است و باید از يك سری افکار و اعمال دوری نماید. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا ...** (ایمان، با سوءظن و تجسس و غیبت سازگار نیست.)

۲- برای دوری از گناهان حتمی، باید از گناهان احتمالی اجتناب کنیم. (بنابراین از آنجایی که برخی گمان‌ها گناه است، باید از بسیاری گمان‌ها، دوری کنیم.)

۳- در جامعه‌ی ایمانی، اصل بر اعتماد، کرامت و براءت انسان‌هاست **إِنَّ بَعْضَ**

الظَّنِّ إِنَّكُمْ

۴- برای جلوگیری از غیبت باید زمینه‌های غیبت را مسدود کرد. (راه ورود به غیبت، اول سوء ظن و سپس پیگیری و تجسس است، لذا قرآن به همان ترتیب نهی کرده

۵- گناه، گرچه در ظاهر شیرین و دلنشین است، ولی در دید باطنی و ملکوتی، خباثت و تنفرآور است. «يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا» (باطن غیبت، خوردن گوشت مرده است و درباره هیچ گناهی این نوع تعبیر بکار نرفته است.)

۶- از شیوه‌های تبلیغ و تربیت، استفاده از مثال و تمثیل است. أُيْحِبُّ أَحَدُكُمْ

۷- در شیوه نهی از منکر، از تعبیرات عاطفی استفاده کنیم. أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ

۸- غیبت و بدگویی از دیگران حرام است، از هر سنّ و نژاد و مقامی که باشد.

۹- مردم باایمان، برادر و هم‌خون یکدیگرند. لَحْمَ أَخِيهِ

۱۰- همان گونه که مرده قدرت دفاع از خود را ندارد، شخصی که مورد غیبت قرار گرفته است، چون حاضر نیست، قدرت دفاع ندارد. مَيْتًا

۱۱- غیبت کردن، نوعی درزندگی است. يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا

۱۲- غیبت، با تقوا سازگاری ندارد. لَا يَغْتَبُ ... وَ اتَّقُوا اللَّهَ

۱۳- تقوا، انسان را به سوی توبه سوق می‌دهد. وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ

۱۴- در اسلام بن‌بست وجود ندارد، با توبه می‌توان گناه گذشته را جبران کرد

۱۵- عذرپذیری خداوند، همراه با رحمت است. تَوَّابٌ رَحِيمٌ

۱۶- توبه پذیری خداوند، جلوه‌ای از رحمت اوست. تَوَّابٌ رَحِيمٌ

تقوی و آثار دنیوی و اخروی

۷۵. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (حدید ۲۸)

الا مؤمنان به پروردگار بترسید از شوکت کردگار

بیارید ایمان به دین رسول نمایید آیین او را قبول

که ایزد شما را دو بهره دهد ز لطفش دو خوان بهرتان می نهد

به دلها کند نور ایمان عطا بیابید ره بر بهشت خدا

بخشاید ایزد خطا و گناه غفور و رحیم است یکتا اله

شان نزول پیامبر جعفر را با ۷۰ نفر به حبشه فرستاده بود تا نجاشی و قوم او را به اسلام دعوت نمایند. نجاشی از اثر این دعوت خود را با ۴۰ نفر از کسان او اسلام آوردند وقتی که جعفر خواست به مکه برگردد. ۴۰ نفر از تازه مسلمانان مزبور گفتند: چون جعفر با یاران خود راه دریا در پیش دارند ما آنان را راهنمایی می کنیم و در ضمن به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله هم نائل خواهیم گشت. اینان وقتی به مکه آمدند، اصحاب پیامبر را در عسرت و سختی دیدند. از پیامبر اجازه خواستند تا از اموال خویش به اصحاب فقیر کمک نمایند. پیامبر اجازه داد و آیه ۵۲ سوره قصص **الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ** درباره آنان نازل گردید. بعد از نزول این آیه آنان به مسلمین گفتند: ای معشر مسلمانان کسانی که از ما به کتاب شما قرآن ایمان آورده باشند از برای آنها دو اجر خواهد بود و کسانی که ایمان به قرآن نیاورده باشند دارای یک اجر مانند شما خواهند بود سپس این آیه نازل گردید و فهمانید که دو اجر و بهره نصیب کسانی خواهد

بود که ایمان به محمد آورده باشند و دو اجر مزبور عبارت از بخشایش نور و مغفرت الهی است ولی کسی که ایمان به محمد نیاورده باشد. او را هیچ اجر و مزدی نخواهد بود.

نکته ها

در حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله می خوانیم: آن مسیحیانی که به من ایمان آوردند، حق رهبانیت را ادا کردند. البته می توان آیه را مستقل از آیه قبل معنا کرد که مقصود آن باشد که مسلمانان، ایمان خود به خدا و رسول را تعمیق بخشند.

ممکن است مقصود از **كَفَلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ**، یکی نور باطنی و یکی دیگر مغفرت الهی باشد که در ادامه آیه آمده است.

۱. لازمه ایمان به خدا، تقوا و پرهیزکاری است. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ

۲. همواره باید ایمان خود را عمیق تر کنیم. آمَنُوا ... آمَنُوا

۳. هر يك از ایمان و تقوا سهمی از رحمت است. آمَنُوا اتَّقُوا ... كَفَلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ

۴. مؤمن متقی، هرگز در بن بست قرار نمی گیرد. آمَنُوا اتَّقُوا ... يَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا...

۵. مؤمن، معصوم از گناه نیست، ولی متقی است و با سپر تقوا به میدان می آید.

لذا خداوند خطاهای او را می بخشد. اتَّقُوا اللَّهَ ... يَغْفِرْ لَكُمْ وَ اللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۶. در دریافت الطاف الهی، سنّ و نژاد و قبیله و ادعا ملاک نیست، ایمان و تقوا

ملاک است. اتَّقُوا اللَّهَ وَ آمِنُوا ... يُؤْتِكُمْ كَفَلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ

نجوی بر پیامبر

۷۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْأَيْمَانِ وَالْعُدْوَانِ وَ مَعْصِيَةِ الرَّسُولِ وَ تَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ مجادله ۹

الا مؤمنان به پروردگار که دارید ایمان به روز شمار

چو نجوا نمایند با یکدیگر نهانی بجوئید از هم خبر

نگوید هرگز ز کار گناه نه بر دشمنی رسول اله

چو نجوا نمایند در انجمن به تقوا و نیکی بود آن سخن

بترسید از ایزد کبریا که محشور گردید سوی خدا

شان نزول رؤسای منافقین نسبت به امیرالمومنین علی علیه السلام کینه داشتند. هنگامی که پیامبر در محفلی از علی به خوبی یاد کرده بود. آن‌ها مشغول نجوی و زیرگوشی حرف زدن شدند. پیامبر وقتی نجوای آنان را دید، خشمگین شد به قسمی که صورت وی برافروخته گردید سپس فرمود:

سوگند به خدائی که جان من در دست توانای اوست هیچ بنده مؤمنی داخل بهشت نشود مگر آن که مرا دوست داشته باشد و اگر کسی ادعا کند که مرا دوست می‌دارد ولی نسبت به علی دشمنی بورزد درباره دوستی من دروغ گفته است زیرا دوست داشتن من توام با دوست داشتن علی است سپس این آیه درباره رؤسای مزبور نازل گردید.

نکته ها: بِرّ شامل هر کار نیکی می‌شود و نمونه‌هایی از آن در آیه ۱۷۷ سوره بقره آمده است: **وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ...**

نجوا و درگوشی سخن گفتن می‌تواند احکام متفاوتی داشته باشد از جمله :

آنجا که فاش شدن اسرار، به ضرر اسلام و مسلمانان باشد، نجوا واجب است .

آنجا که سبب ترس و دلهره‌ی دیگران شود، نجوا حرام است .

و آنجا که برای کمک به دیگران و سفارش به تقوا باشد، مستحب است .

موضوع و محتوای گفتار، ارزش آن را مشخص می‌کند. اگر موضوع نجوا، نیکی و تقوا باشد يك ارزش است ولی اگر گناه و ستم و توطئه باشد حرام است.

البته گاهی محتوی نیز خوب است، اما موقعیت خوبی نیست. مثلاً در جمع مؤمنان دو نفر درگوشی سخن بگویند .

پیام ها

- ۱- مؤمن محترم است، حتی هنگام نهی از منکر احترام او را حفظ کنید. «یا آیه‌ها الذین آمنوا
- ۲- در امر به معروف و نهی از منکر و ارشاد و تبلیغ، راه‌های حق و باطل و مصادیق آن را باید روشن کرد. فلا تتناجوا ... تناجوا
- ۳- همه‌ی سخنان را نباید آشکار و نهان گفت. گاهی باید نهی از منکر یا امر به معروف، در خفا و پنهان باشد. تناجوا بالبرِّ و التَّقوی
- ۴- مبادا نجوای بد را به جای نجوای خوب قلمداد کنیم. تناجوا ... و اتَّقوا اللهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ
- ۵- تقوا و پرهیزکاری و توجه به معاد، زمینه دوری از سخنان نارواست

احترام بر نشستن در مجالس

۷۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُرُوا فَانشُرُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ مجادله ۱۱

الا اهل ایمان به یکتا خدا

اگر گفته شد این سخن بر شما

که اندر مجالس چه بیش و چه کم

تعارف نمایید جا را به هم

نیوشید امر یگانه خدا

که او هم فزاید به وسع شما

چو گویند بر پا شوید از مکان

نیوشید فرمان رب جهان

که ایزد مقامی ببخشد بلند

بر آنان که در بحر دانش درند

بر اعمال روشن به سر ضمیر

همه هست آگه خدای خبیر

شان نزول اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله در مجالسی که پیامبر حضور داشت، سعی می کردند نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله جای گرفته و بنشینند و هر کسی کوشش می کرد تا افتخار نزدیک بودن به رسول خدا را برای خویش فراهم آورد تا این که روزی پیامبر در صفا نشسته بود و جایگاه آن تنگ بود جمعی از مهاجر و انصار که از اهل بدر نبودند حاضر شده و در جاهای نزدیک پیامبر جای گرفتند در این هنگام قومی از بدریان آمدند در حالی که برای نشستن آن ها جا و مکانی وجود نداشت لذا مقابل پیامبر ایستادند و کسی هم به آن ها جا نمی داد.

رسول خدا هم برای بدریان احترام خاصی قائل بود و آن ها را مورد لطف خویش قرار می داد. پیامبر وقتی دید که بدریان ایستاده اند چند نفری را که نزدیک وی

بودند به نام صدا زد و فرمود: فلانی برخیز و سپس یکی از بدریان را به جای او نزدیک خویش می نشانید. این روش در نزد آن‌ها ناپسند آمد و می گفتند: رفتار پیامبر در این مورد عادلانه نیست و در همان حال جبرئیل آمد و این آیه را نازل گردانید. بعد از نزول این آیه در هر مجلسی اگر کسی دیر وارد می شد دیگران جاهای خود را آماده می کردند و به آن‌ها جای می دادند.

نکته ها خداوند در قرآن برای چند گروه، جایگاه و درجات مخصوصی قرار داده است: انبیا، مجاهدان، نمازگزاران، اهل انفاق، مؤمنانی که عمل صالح انجام می دهند و دانشمندان. شاید جمله **يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ** نشانه‌ی آن باشد که فرمان برپا، به خاطر ورود مؤمنان و دانشمندان است، یعنی به احترام آنان قیام کنید. آری، عالم مؤمن بر مؤمن عادی برتری دارد، چنانکه مؤمن بر غیر مؤمن برتری دارد. قرآن در جای دیگر می فرماید:

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

پیام ها ۱ - جا دادن و احترام به تازه واردان، يك ارزش است. **فَأَفْسَحُوا ... فَأَنْشُرُوا**

۲ - عمل به دستورات خدا، زمینه برای دریافت پاداش‌های بیشترست **فَأَفْسَحُوا**

۳ - گشایش در کار دیگران، سبب گشایش خداوند در امور شماست. **فَأَفْسَحُوا**

۴ - رعایت آداب اجتماعی، حتی در نشست و برخاست، سفارش اسلام است.

۵ - به احترام ورود بزرگان و دانشمندان به اهل مجلس گفته شود که برخیزید.

۶ - علم، هدیه و تفضّل الهی است **أُوتُوا الْعِلْمَ** عمل دانشمند، پاداش بیشتری دارد. در نشست و برخاست‌ها، خدا را فراموش نکنیم. صاحبان علم و دانش، باید در جامعه اسلامی از جایگاه بالا و والایی برخوردار باشند.

کفاره نجوی کردن

۷۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةٌ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَظْهَرُ فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ مجادله ۱۲

الا مؤمنان چون سخن در خفا بخواهید گوئید با مصطفی

تصدق نمایند قدری ز مال که باشد نکوتر شما را به حال

اگر هم فقیرید و نادار نیز برای تصدق نیابید چیز

نگیریم این کارتان را گناه غفور و رحیمست یکتا اله

نکته ها

گروهی از مردم به خصوص ثروتمندان مرتبا مزاحم پیامبر می شدند و خصوصاً با پیامبر سخن می گفتند و کاری که مایه اندوه دیگران و یا کسب امتیاز و تقرب بی دلیل برای آنان بود. آیه نازل شد تا آزمونی برای علاقه واقعی آنان باشد. البته این حکم جنبه موقتی و آزمایشی داشت و پس از مدتی حکم برداشته شد.

حضرت علی علیه السلام می فرماید: آیه ای که نه قبل از من و نه بعد از من کسی به آن عمل نکرد، آیه صدقه است. دیناری داشتم، آن را به ده درهم تبدیل کردم، هر بار که می خواستم با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نجوا و گفتگو کنم، درهمی صدقه می دادم.

طهارت و پاکی دو نوع است:

۱. جسمی و ظاهری، وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا

۲. روحی و باطنی. ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ وَأَظْهَرُ

پیام ها

- ۱- ایمان، مسئولیت آور است. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ...
- ۲- صدقه را باید پیش از انجام کار پرداخت کرد. فَقَدِّمُوا ... صَدَقَةً
- ۳- معلّم می تواند برای آموزش، هزینه ای را مشخص کند. چه خود دریافت کند و چه به دیگران حواله دهد. فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً
- ۴- میزان صدقه تعیین نشد تا هرکس تصمیم بگیرد. «صَدَقَةً
- ۵- از هر راهی باید برای فقرزدایی استفاده کرد. شرط ملاقات خصوصی با پیامبر، پرداخت صدقه به فقرا بود. فَقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَاكُمْ صَدَقَةً
- ۶- در انتخاب میان پول و پیامبر، میزان ایمان و علاقه مردم شناخته می شود.
- ۷- صدقه، قوانین و محدودیت های اجتماعی، خیرات بسیاری را برای فرد و جامعه به دنبال دارد. ذَلِكَ خَيْرٌ
- ۸- وابستگی به دنیا، پلیدی و دل کندن از آن پاکی است. ذَلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرُ
- ۹- صدقه، نوعی تطهیر است. أَظْهَرُ چنانکه در جای دیگر داریم خُذْ... صَدَقَةً
- ۱۰- در احکام اسلام بن بست نداریم. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا ...
- ۱۱- قانون گذار باید مراعات همه مردم را در وضع قانون بکند. فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا ...
- ۱۲- فقرا بخاطر ناتوانی بر صدقه، احساس حقارت نکنند، چون مشمول رحمت الهی ند
- ۱۳- هیچ گاه اسلام کسی را به خاطر فقر طرد نکرده و محروم نساخته است

بنگر به آنچه برای فردا آماده کرده ای

۷۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ لْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ حشر ۱۸

الا مؤمنان به پروردگار
همیشه بترسید از کردگار
بینید تا بهر عقبای خویش
چه توشه کنون می فرستید پیش
بترسید از قهر یکتا خدا
که داند همه کارهای شما
نکته ها

فرمان تقوا در این آیه تکرار و تأکید شده است که علاوه بر تأکید، می تواند معانی متعددی داشته باشد، از جمله :

۱. تقوای اول مربوط به اصل کار و تقوای دوم مربوط به کیفیت آن باشد.
۲. تقوای اول مربوط به انجام کار خیر و تقوای دوم مربوط به ترك محرمات باشد.
۳. و شاید تقوای اول مربوط به توبه از گذشته و تقوای دوم مربوط به ذخیره آینده باشد.

در روایات می خوانیم: با نیمی از يك دانه خرما، یا اگر ندارید با سخنان خوب، دل های را شاد کنید تا در قیامت که خداوند می پرسد: من به تو چشم و گوش و ... دادم چه ذخیره ای فرستادی، شرمنده نباشید.

زیرا در آن روز بعضی به هر سو می نگرند، ولی ذخیره ای که وسیله نجاتشان باشد از پیش نفرستاده اند.

پیام ها

- ۱ - ایمان، زمینه تقوا و شرط ثمر بخشی ایمان، داشتن تقوا است. یا .. اتَّقُوا اللَّهَ
- ۲ - به امید کار خیر وارثان نباشیم، هرکس به فکر قیامت خود باشد ما قَدَمْتُ لِعَدِ
- ۳ - در آنچه به عنوان عمل صالح ذخیره می کنیم، دَقْتُ كُنَيْمِ. وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مَا
- ۴ - محاسبه نفس لازم است. وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ (اگر امروز دَقْتُ نَكْنِیْمِ، دَقْتُ فَرْدَا سَبَبِ شَرْمَنْدِیْ خَوَاهِدَ بُوْد. یَوْمَ یَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَمْتُ یَدَاہُ ... یا لَیْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا
- ۵ - قیامت، نزدیک است. لِعَدِ (چنانکه می فرماید: إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَ نَرَاهُ قَرِيبًا)
- ۶ - آینده نگری و عاقبت اندیشی، لازمه ی ایمان است. ما قَدَمْتُ لِعَدِ
- ۷ - تقوا، زمینه محاسبه نفس و محاسبه نفس، سبب رشد و تقویت تقوا است. وَ لَتَنْظُرَ نَفْسٌ مِیَانِ دُو اتَّقُوا اللَّهَ قَرَارِ گَرْفْتَه است.
- ۸ - هیچ کس در هیچ مرحله ای خود را ایمن نداند. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ
- ۹ - ایمان به خیر بودن خداوند، عامل تقوا است. وَ اتَّقُوا اللَّهَ ... إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ



ارتباط مخفیانه با دشمن

۸۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَ قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ ممتحنه ۱

الا مؤمنان به پروردگار که هستید ثابت قدم و استوار

نبایست از کافران دغا که خصم منند و عدوی شما

بگیرید یار و گزینید دوست که این قوم، با اهل ایمان عدوست

همانا که در حق قرآن کتاب ره کفر را کرده اند انتخاب

که با جرم ایمان به پروردگار براندندتان با رسول از دیار

اگر ترک گفتید شهر و وطن که خشنود گردهم از این کار من

برای جهاد به راه خدا وطن را بگفتید ترک جلا

مبادا که با مردم کفرکیش نهانی ره انس گیرید پیش

منم آگه از آنچه بندید کار چه باشد نهان یا بود آشکار

هرآن کس کز این کار صورت بتافت همانا به کفر و ضلالت شتافت

نکته ها حفظ اسرار نظامی به قدری لازم است که حضرت علی علیه السلام حامل

نامه که زنی بود که مامور بود به مشرکین خبری را ببرد، را به کشتن تهدید کرد و

فرمود: سرت را برای رسول خدا می فرستم!

دشمن شناسی

قرآن در آیات متعددی از برنامه‌ها و توطئه‌های دشمن خبر می‌دهد و وظیفه‌ی مسلمانان را به آنان گوشزد می‌نماید:

الف) افکار و آرزوهای دشمن:

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا قطعاً سخت‌ترین دشمنان اهل ایمان را یهودیان و مشرکان خواهی یافت مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ نه کفار از اهل کتاب و نه مشرکان، هیچ کدام دوست ندارند که از طرف پروردگارتان به شما هیچ خیری برسد. وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ آرزو دارند که شما نرمش نشان دهید تا با شما سازش کنند. وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ آرزو دارند که شما در رنج قرار گیرید. وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ ... آرزو دارند که شما از اسلحه و سرمایه خود غافل شوید.

ب) توطئه‌های دشمن:

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا مخالفان، هرگونه توطئه‌ای را بر ضدّ شما به کار می‌برند. يَشْتَرُونَ الضَّلَالَةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ آنان گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند شما نیز گمراه شوید.

ج) رفتار دشمن:

إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُبِينًا کافران دشمنان آشکار شمایند. يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ آمَنُوا با خدا و مؤمنان خدعه می‌کنند.

إِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً ۚ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُوا أَمْرَهُ وَكُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ دِينًا يُرِيدُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ ذَكِيٌّ ۚ

اِنْ يَتَّقُواكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ اَعْدَاءً اگر بر شما مسلط شوند، دشمن شما می گردند .
آمِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجَهَ النَّهَارِ وَ أَكْفَرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ به آنچه که بر مؤمنان نازل شده صبحگاهان ایمان بیاورید و شامگاهان از ایمان برگردید (تا شاید مؤمنان نیز در حقانیت دین مردد شده و) برگردند .

د) وظیفه‌ی مسلمانان در برابر دشمن :

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ ۗ إِنَّ دُشْمَانَكُمْ كَانُوا هُمُ الْوَدَّاعُ ۗ

هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ آنان دشمنند پس از آنان حذر کن . وَ اَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ... آنچه توان دارید برای مقابله با دشمن آماده کنید . لا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا ۚ سِوَىٰ مَا رَزَقْتُمْ مِنْهُمْ ۗ هُمْ يَسْتَكْبِرُونَ

تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا غیر خودی‌ها را محرم اسرار نگیرید که رعایت نمی کنند .

پیام ها

- ۱- جامعه ایمانی حق ندارد با دشمنان خدا، رابطه دوستانه و صمیمانه داشته باشد. **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ**
- ۲- ایمان به خداوند با برقراری پیوند دوستی با دشمن خدا سازگار نیست .
- ۳- دشمن خدا در حقیقت دشمن مؤمنان نیز هست. **عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ**
- ۴- گرچه کفار دشمن ما هستند، ولی دلیل اصلی متارکه‌ی ما با آنان، دشمنی آنها با خداست. کلمه‌ی «عَدُوِّي» قبل از «عَدُوَّكُمْ» آمده است .
- ۵- القای مودت و ابراز دوستی با دشمنان، جرأت را در برابر مؤمنان بیشتر می کند.
- ۶- اوامر و نواهی خود را به طور مستدل بیان کنید. **لا تَتَّخِذُوا ... قَدْ كَفَرُوا ...**
- ۷- در سیاست خارجی، برقراری رابطه و قطع روابط باید بر اساس ملاک‌های دینی باشد.

- ۸- دین از سیاست جدا نیست. (فرمان قطع رابطه با دشمنان يك دستور سیاسی است که در متن قرآن آمده است). لا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ
- ۹- کفار تنها در عقیده مخالف شما نیستند، بلکه کمر به حذف شما بسته‌اند
- ۱۰- دشمنی کفار با شما به خاطر ایمان شما به خداست. اَنْ تُؤْمِنُوا بِاللّٰهِ رَبِّكُمْ
- ۱۱- برقراری رابطه با کفار در صورتی جایز است که آنها به ارزشهای شما احترام بگذارند و در صدد توطئه نباشند. لا تَتَّخِذُوا ... قَدْ كَفَرُوا ... يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ
- ۱۲- اسلام خواهان عزت مسلمانان است. (اظهار مودت به گروهی که به مکتب شما کافرند و بر ضد شما توطئه می‌کنند، ذلت است).
- ۱۳- يك دل، دو دوستی بر نمی‌دارد. ... وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ
- ۱۴- جهاد باید خالصانه و برای خدا باشد. جِهَاداً فِي سَبِيلِي وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي
- ۱۵- خداوند از ارتباطات مخفیانه با کفار آگاه است. اَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ
- ۱۶- توجه به علم خداوند، سبب کاهش گناهان است. اَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ
- ۱۷- در تربیت، هم امر و هم نهی، لا تَتَّخِذُوا هم استدلال، عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ هم انگیزه. يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَ إِيَّاكُمْ وَ هم تهدید. وَ اَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ
- ۱۸- چه بسیارند مؤمنانی که بد عاقبت می‌شوند. آمَنُوا ... ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ
- ۱۹- چه بسیارند افرادی که در آغاز رزمنده بودند، ولی در اثر رابطه با دشمنان، بد عاقبت شدند. خَرَجْتُمْ جِهَاداً فِي سَبِيلِي وَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي ... ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ
- ۲۰- فکر تأمین منافع از طریق روابط سری با دشمنان دین، بیراهه رفتن و حرکتی بی‌فرجام است. «وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ»

حمایت از زنان و پذیرش آنان

۸۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ
بِإِيمَانِهِنَّ فَإِنْ عَلِمْتُمُوهُنَّ مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَهُمْ وَلَا
هُم يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَآتُوهُنَّ مَا أَنْفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ
أُجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَسَأَلُوا مَا أَنْفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُمْ أَنْفَقُوا ذَلِكَمُ
حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ممتحنه ۱۰

هر آنکه ببینید جمعی زنان	الا اهل ایمان و ای مؤمنان
بکردند هجرت از این سرزمین	که با نام اسلام و با نام دین
که جویند از جای امنی پناه	بیایند سوی شما گر زر راه
که کذب است ایمانشان یا که راست	به رازی که دارند آگه خداست
که بر صدق گفتارشان پی برید	زنان جمله در امتحان آورید
به آیین اسلام دل داده اند	چو دیدید ایمان بیاورده اند
که هستند کافر به یزدان و کیش	مرانیدشان سوی ازواج خویش
نبایست جویند با هم وصال	که این زن برآن شوی نبود حلال
بر این مؤمنه زن بگردد حرام	همین گونه هم شوی کافرمرام
بکردند آن شوهران بهر زن	ولی هرچه خرجی که اندر وطن
همه مال را پس به آنها دهید	ببایست در پیش ایشان نهید
که در عقد آرید زنهای پاک	نباشد شما را گناهی و باک

به شرطی که با رغبت و با رضا	نمایید مهر زنان را عطا
نباشید پابند هرگز بر آنکه	بودند اینها زن کافران
الا مسلمین گر زنان شما	بگشتند کافر به دین خدا
گریزند بر سوی کفار رب	نمایید مهر گذشته طلب
اگر هم که زنهایی از کافرین	بگشتند مؤمن به اسلام و دین
توانند آن کافران هرچه مال	که کردند خرجش ستانند حال
بود حکم از سوی پروردگار	سزد تا شود بینتان برقرار
همانا علیم است یکتا خدا	حکیم است در کار خود کبریا

نکته ها یکی از بندهای قرارداد صلح حُدیبیه این بود که اگر مشرکی از مکه به مسلمانان مدینه پیوست، مسلمانان او را به مشرکان بازگردانند.

این آیه می‌فرماید: مسئله بازگرداندن شامل زنان مهاجری که به مسلمانان پناهنده شده‌اند نمی‌شود. این آیه از آیات حقوقی و اجتماعی قرآن است. مهریه زن کافری که مسلمان شده، به جامعه اسلامی بپیوندد، به شوهر کافرش داده می‌شود، **آتُوهُم مَّا أَنْفَقُوا** و این مهریه را باید از بیت المال پرداخت. هجرت ممکن است به خاطر فرار از شوهر یا علاقه به زندگی جدید یا جاسوسی یا رسیدن به مال و فامیل باشد، لذا باید با آزمایش انگیزه‌ها روشن شود.

کفار چند دسته هستند: یا همگی بر کفر اصرار دارند که آیه اول مبنی بر براءت و متارکه مسلمانان، به آنان نظر داشت. **لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ ... قَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ** یا به طور دسته جمعی دشمنی با شما را ترك می‌کنند.

عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً (آیه ۷) یا تفکیک صورت می‌گیرد، مثلاً زن مسلمان می‌شود، ولی مرد، کافر باقی می‌ماند و یا بالعکس که در این صورت، مسلمان به شما ملحق می‌شود. جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ در بیان مهریه اول کلمه نفقه به کار رفته، أَنْفَقُوا ... أَنْفَقْتُمْ ولی در مورد مهریه ازدواج دوم، کلمه أُجُورَهُنَّ به کار رفته است. با توجه به پنج موردی که کلمه أُجُورَهُنَّ در قرآن آمده است، به نظر می‌رسد کلمه اجر برای زنان بیوه و ازدواج دوم آنها است.

پیام‌ها

- ۱- زنان در انتخاب دین و انجام وظایف دینی تابع شوهر نیستند و حتی می‌توانند برای حفظ دین خود هجرت نمایند. جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ
- ۲- مدعیان بازگشت از کفر به ایمان، باید مورد آزمایش و امتحان قرار بگیرند.
- ۳- هر کجا که خطر جاسوسی و امثال آن هست، گزینش و آزمایش لازم است.
- ۴- با دید مثبت به مردم نگاه کنید. جَاءَكُمْ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ فَاَمْتَحِنُوهُنَّ (با این که هنوز امتحان نشده‌اند، اما آیه لقب مؤمن به آنان داده است).
- ۵- علم خداوند به امور، از ما سلب مسئولیت نمی‌کند. فَاَمْتَحِنُوهُنَّ اللَّهُ أَعْلَمُ در برخورد با افراد، ما مأمور به ملاک‌های ظاهری هستیم، نه وسواس و سوءظن.
- ۷- نقش ایمان در مسایل خانوادگی و زناشویی بسیار مهم است. اگر زن کافری مؤمن شد، او را به شوهر کافرش برنگردانید زیرا همسر کافر محیط خانواده را ناسالم می‌کند فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ . ۸- مهریه، حق زن است. أُجُورَهُنَّ
۹. سلطه و حکومت کافر بر مسلمان از هر جهت ممنوع است، خواه سیاسی و اجتماعی باشد که قرآن می‌فرماید: لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا و خواه خانوادگی باشد: زن مسلمان نباید تحت امر شوهر کافر باشد.

- ۹- جامعه و محیط در فرد مؤثر است. ممکن است محیط کفر، زن مسلمان را در خود هضم کند، پس او را به کفار برنگردانید. کفر یکی از طرفین ازدواج، منجر به طلاق قهری می‌شود. ۱۰. دستورات الهی، عالمانه و حکیمانه است.
- ۱۱- به علاقه شخصی مرد به همسر قانع نشوید، ممکن است شوهر، زن را دوست داشته باشد ولی جامعه فاسد بر روح زن فشار وارد کند.
- ۱۲- ایمان، زیر بنای ازدواج است و کافر، کفو و همتای مؤمن نیست. لا هُنَّ حِلٌّ
- ۱۳- جدایی زناشویی دلیل نادیده گرفتن حقوق مالی نیست، حتی اگر کافر هزینه‌ای را پرداخته باید از طرف مسلمانان به او پرداخت شود. لا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَ آتَوْهُم
- ۱۴- هر ازدواجی، مهریه جداگانه دارد. (مهریه قبلی که شوهر کافر داده است پردازید و برای ازدواج دوم که خودتان اقدام می‌کنید باید مهریه جداگانه بدهید.)
- ۱۵- حق مالکیت و حقوق مالی کفار غیر حربی محفوظ است. آتَوْهُمَ مَا أَنْفَقُوا
- ۱۶- اولین نیاز زن همسر شایسته است. لا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ
- ۱۷- سابقه کفر، مانع ازدواج با تازه مسلمان نیست. لا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ
- ۱۹- هم نیاز غریزی باید تأمین شود، «تَنْكِحُوهُنَّ» و هم نیاز مالی. أُجُورَهُنَّ .
- ۲۰- از زن بودن و تنهایی و غربت و تازه مسلمان بودن دیگران سوء استفاده نکنید.
- ۲۱- کفر، کلید جدایی است و مسائلی از قبیل ازدواج و عشق به همسر و فرزند و سابقه زندگی مانع جدایی نیست. وَ لَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ .
- ۲۲- حفظ حقوق، طرفینی است، حق شما و حق کفار نباید نادیده گرفته شود. (اگر زن مسلمانی کافر شد و به کفار پیوست، مهریه‌ای که هزینه کرده‌اید از کفار بگیرید و اگر زن کافری به مسلمانان پیوست، مهریه‌ای که کافر پرداخت کرده به او بدهید.) پذیرفتن پناهنده، در اسلام پذیرفته شده است،

عدم دوستی با مغضوبین

۸۲. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ ممتحنه ۱۳

الا ایکه دارید ایمان به رب
ز قومی که ایزد گرفته غضب
مگیرید بر خویشان هیچ یار
نباشید با این کسان دوستدار
که قوم یهودان به روز جزا
به کل ناامیدست و روز لقا
چو آن کافرانی که در زیر گور
امیدی ندارند برآن غفور

تولی گاهی به معنای دوستی و گاهی به معنای قبول ولایت و سرپرستی است و هر دو معنی در این آیه نهی شده است. مراد از غضب شدگان در این آیه، یهود هستند و مراد از کفار، مشرکان مکه، یهودیان از ثواب آخرت مأیوسند و مشرکان منکر قیامت، از مردگان خود. اولین آیه این سوره در باره‌ی براءت از دشمنان خدا و مسلمانان بود و آخرین آیه نیز در همین باره است. این تنها سوره‌ای است که آیه اول و آخر آن با «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» آغاز شده است.

غضب شدگان در قرآن

در قرآن افراد و گروه‌هایی مورد غضب الهی قرار گرفته‌اند، از جمله:
درباره یهود می‌فرماید: **وَبَاؤُ بِغَضَبِ** آنان به قهر و غضب الهی گرفتار شدند.
درباره قاتلان و منافقان می‌فرماید: **غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ** خداوند بر آنان غضب کرد.
درباره عالمان بی‌عمل می‌فرماید: **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ** نزد خداوند غضب بزرگی برای کسانی است که به گفته‌ها و وعده‌های خود عمل نمی‌کنند.

افرادی نظیر قارون، فرعون، ابولهب و بلعم باعورا نیز در قرآن مورد غضب قرار گرفته‌اند.

یأس از آخرت، یعنی یأس از قدرت، حکمت و عدالت خدا. کسی که آخرت را قبول ندارد، به بن‌بست می‌رسد. او دلیلی برای بودن و ماندن ندارد. زیرا پیش خود می‌گوید: اگر بعد از مدّت‌ها رنج و تلاش باید با مُردن نابود شویم، از همین امروز خود را نابود کنیم، بهتر است.

اگر همه به سوی نابودی می‌رویم، تعلیم و تربیت و خدمت معنا ندارد. اگر این ساختمان قرار است منفجر شود، ساخت و حفاظت و تعمیر و تزئین آن معنا ندارد.

اگر فدا و فنا می‌شویم، چرا از کامیابی‌ها و هوس‌ها صرف نظر کنیم؟

ما که مورد سؤال قرار نمی‌گیریم، پس تا زنده‌ایم مردم را فدای هوس‌های خودمان کنیم.

۱- دوست خدا، با کسانی که مورد غضب او هستند، رابطه دوستی ندارد. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا

۲. گرچه اهل کتاب به قیامت اعتقاد دارند، اما چون به ثواب آخرت امیدی ندارند، مغضوب خدا هستند، وضعیّت آنها در قیامت، با کافران منکر معاد تفاوتی ندارد. يٰۤاَيُّهَا مِنَ الْاٰخِرَةِ كَمَا يٰۤاَيُّهَا مِنَ الْكٰفِرِ

گفتار با عمل

۸۳. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا

لَا تَفْعَلُونَ صف ۳. ۲

الا مؤمنان به پروردگار که دارید ایمان به روز شمار

چرا می نمایید چیزی بیان که هرگز نسازید انجام آن

بترسید اینک از این زشت کار که در خشم می آورد کردگار

که گوئید چیزی به روی زبان ولی در عمل عاجز آئید ز آن

شان نزول

این آیه درباره منافقین نازل گردید که با زبان خود چیزی می گفتند که به آن عمل نمی کردند و نیز گویند: درباره قومی نازل شده که می گفتند هر وقت دشمنی را ببینیم، فرار نمی کنیم و روی بر نمی گردانیم ولی وقتی که دشمن را دیدند، فرار کردند. و درباره قومی نازل شده که گفته بودند قتال و پیکار می نمائیم ولی دروغ می گفتند. و درباره عده ای نازل شده که گفته بودند ما اگر بدانیم محبوبترین اعمال در نزد پروردگار جهاد است درباره آن کوشش و شتاب به عمل خواهیم آورد. ولی وقتی که جهاد واجب گردید شانه خالی کردند

نکته ها مقت به معنای خشم و غضب شدید است.

مشابه این توبیخ را در آیه أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ می خوانیم.

عمل نکردن به گفتار، گاهی به خاطر ناتوانی است و گاهی از روی بی اعتنایی که این مورد توبیخ است. عالم بی عمل، به درخت بی ثمر، ابر بی باران، نهر بی آب، زنبور

بدون عسل، سوزن بدون نخ و الاغی که کتاب حمل می کند، تشبیه شده است. حضرت عیسی علیه السلام فرمود: **أشقى الناس من هو معروف عند الناس بعلمه مجهول بعمله** کسی که نزد مردم به علم معروف است، ولی به عمل معروف نیست، شقی ترین مردم است.

امام صادق علیه السلام فرمود: **من لم يصدق فعله قوله فليس بعالم** کسی که کارهایش تأکید کننده ی گفتارش نباشد، عالم نیست.

پیام ها

۱- ایمان باید با عمل و صداقت همراه باشد وگرنه مستحق سرزنش و توبیخ است. (تمام آیه)

۲- قبل از این که انتقاد کنید، به بیان نقاط مثبت پردازید. شما که ایمان دارید، چرا عمل نمی کنید؟ **يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... لِمَ ... لا تَفْعَلُونَ**

۳- یکی از روش های تربیت، توبیخ بجا و به موقع است. **لِمَ تَقُولُونَ ما لا تَفْعَلُونَ**
۴- وفای به عهد، واجب و خلف وعده، از گناهان کبیره است. **كَبُرَ مَقْتًا**

۵- چه زشت است که تمام هستی در حال تسبیح خداوند باشند، **سَبَّحَ لِلَّهِ وَلِي** انسان با سخنان بدون عمل، خداوند را به غضب آورد. **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ**

۶- گفتار بدون عمل، **خطرناك** است. **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا ما لا تَفْعَلُونَ**
(کلمات «كَبُرَ»، «مَقْتًا» و «عِنْدَ اللَّهِ»، نشان از خطرناك بودن موضوع است)

۷- اگر امروز کار شما با وعده ها و شعارهای دروغین حل شود، اما نزد خداوند وضع خطرناکی خواهید داشت. **كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ ...**

تجارت نجاتبخش

۸۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ . تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ . يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (صف ۱۰-۱۲)

الا مؤمنان به یکتا خدا	بخواهد آيا شوم رهنما
به سودای نیکی که بسیار سود	به سوی شما روی خواهد نمود
شما را رهائی دهد از عذاب	که باشد بسی دردناک آن عقاب
تجارت بود این، به یکتا خدا	بیارید ایمان و بر مصطفی (ص)
به راه خداوند صاحب جلال	بجنگید همواره با جان و مال
چنین کار از هر عمل بهترست	اگر عقلتان بر شما رهبرست

نکته ها

در آیه قبل، غلبه دین اسلام بر سایر ادیان وعده داده شد، ولی تحقق این وعده سه شرط لازم دارد:

الف) قانون کامل و جهانی که همان قرآن است، نوری که خداوند آن را کامل کرده و هیچ کس قدرت خاموش کردنش را ندارد.

ب) وجود رهبر معصوم که حضرت مهدی، بقیة الله و ذخیره الهی است.

ج) آمادگی مردم که در این آیه مطرح شده است.

این آیات، هم وزن آیه ۱۱۱ سوره توبه است که می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِآنَ لَهُمُ الْجَنَّةُ...**

در تجارت چند فرض وجود دارد:

۱. تجارت بد: «بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنفُسَهُمْ»

۲. تجارت بدون سود: «فَمَا رَبِحَتْ تِجَارَتُهُمْ»

۳. تجارت کم سود: مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ

۴. تجارت زیان بار: إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ

۵. تجارت بسیار زیان بار: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ»

۶. تجارت رسوا: «الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ»

۷. تجارت راکد: «تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا»

۸. تجارت مستمر و بادوام: «تِجَارَةٌ لَّنْ تَبُورَ»

۹. تجارت نجات بخش: «تِجَارَةٌ تُنْجِيكُمْ»

۱۰. تجارت سودآور: «تِجَارَةٌ مَرْبِحَةٌ»

حضرت علی علیه السلام می فرماید: **ليس لانفسكم ثمن الا الجنة فلا تبيعوها الا**

بها قیمت شما بهشت است، پس خودتان را ارزان نفروشید: دنیا، تجارت خانه

اولیای الهی است: **الدنيا متجر اولياء الله جالب آن که حضرت علی علیه**

السلام این سخن را به کسی فرمود که از دنیا بدگویی می کرد.

در تجارت با خدا، ما سرمایه را از خود او می گیریم و با قیمت گزاف به خودش

می فروشیم

در فرهنگ اسلام برای بسیاری از امور مادّی، مشابه معنوی نیز وجود دارد.
برای مثال :

(الف) خوراك مادّی: كَلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ
خوراك معنوی: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ كه امام می فرمایند: الى علمه یعنی،
ببیند چه می آموزد.

(ب) لباس مادّی: سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ لباس معنوی: وَ لِبَاسُ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ

(ج) زینت مادّی: خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ زینت معنوی: حَبَّبَ إِلَيْكُمُ
الْإِيمَانَ وَ زَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ

(د) سفر مادّی: وَ إِنْ كُنْتُمْ عَلَى سَفَرٍ سفر معنوی: إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا

(ه) رزق مادّی: مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ رزق معنوی: وَ ارزقني حج بيتك الحرام

(و) شیرینی مادّی: حلاوة الدنيا شیرینی معنوی: حلاوة الايمان حلاوة ودك

(ز) پاداش مادّی: جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ پاداش معنوی: وَ رِضْوَانٌ مِنْ

اللَّهِ أَكْبَرُ **(ح) پدر مادّی: وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ** پدر معنوی: أنا و علی ابوا هذه الامة

(ط) هجرت مادّی: وَ هَاجَرُوا هجرت معنوی: وَ الرَّجَزَ فَاهْجُرُوا

در حدیث می خوانیم که علی علیه السلام فرمود: أنا التجارة المربحة المنجية
من العذاب الاليم التي دل الله عليها في كتابه فقال هل أدلكم على تجارة ... من
همان تجارت پرسودی هستم که باعث نجات از عذاب الیم است همان که
خداوند در قرآن به آن اشاره کرده است.

پیام ها

- ۱- مردم را با عنوان و لقب ایمانی آنها مخاطب قرار دهیم. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
- ۲- باید ابتدا در مردم آمادگی ایجاد کنیم و یکی از راههای آن، طرح سؤال است.
- ۳- تجارت، نیاز به راهنما دارد. هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى تِجَارَةٍ
- ۴- تجارت معنوی برای همه قابل درک نیست، فقط مؤمنان به خدا این معنا را درک می کنند. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ ...
- ۵- انسان فطرتاً به دنبال سود است، آن هم سودی ثابت و پایدار. عَلَى تِجَارَةٍ
- ۶- سود واقعی، نجات از قهر الهی است. تِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ
- ۷- دفع خطر، مهم تر از جلب منفعت است. تِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ
- ۸- تجارت، تنها در امور دنیوی نیست. تِجَارَةٍ ... تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ
- ۹- پیروی از پیامبران، تجارت پر سود است. تِجَارَةٍ ... تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ
- ۱۰- ایمان، درجات مختلفی دارد. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ... تُوْمِنُونَ
- ۱۱- در تبلیغ دین، از عناوین و موضوعات مورد توجه مردم باید استفاده کرد.
- موضوع تجارت و کسب درآمد مورد نظر همه است، لذا ایمان به خدا، به عنوان
- يك تجارت پر سود مطرح می شود. تِجَارَةٍ ... تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ
- ۱۲- ایمان، تنها باور قلبی نیست، تلاش و جهاد لازم دارد. تُوْمِنُونَ ... تُجَاهِدُونَ
- ۱۳- ایمان به خدا همراه با ایمان به رسول و جهاد با مال همراه با جهاد با جان.
- ۱۴- ایمان و جهاد موسمی و فصلی و مقطعی کارساز نیست، تداوم لازم دارد.
- تُوْمِنُونَ ... تُجَاهِدُونَ ... (فعل مضارع نشانه دوام و استمرار است.)

۱۵- ایمان سطحی سرچشمه‌ی کارهای مهم نمی‌شود، ایمان کامل لازم است.

۱۶- ایمان بر عمل مقدم است. **تُؤْمِنُونَ ... تُجَاهِدُونَ**

۱۷- حفظ دین، برتر از حفظ مال و جان است و باید برای حفظ دین، از مال و جان گذشت.

۱۸- جهاد از هیچ فردی برداشته نمی‌شود، گاهی با مال، گاهی با جان و گاهی با مال

و جان باید جهاد کرد. **تُجَاهِدُونَ ... بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ**

۱۹- در دستورات، از کار سبک‌تر شروع کنیم تا به کارهای سنگین‌تر برسیم.

(جهاد با مال قبل از جهاد با جان آمده است). **بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ**

۲۰- ارزش کارها به اخلاص است. **«فِي سَبِيلِ اللَّهِ**

۲۱- چه بسا تلخی‌ها که به نفع ما باشد ولی ما ندانیم. **تُجَاهِدُونَ ... خَيْرٌ لَّكُمْ**

۲۲- انسان فطرتاً به دنبال خیر و سعادت است و خداوند وعده رسیدن به آن را داده است.

۲۳- بهشت را به بها دهند نه بهانه. **تُؤْمِنُونَ ... تُجَاهِدُونَ ... يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ**

۲۴- عمل کامل، پاداش کامل را در پی دارد. (در این آیات، مسئله ایمان به خدا و

رسول و جهاد با مال و جان از يك سو و مغفرت همه گناهان و ورود در بهشت

و فوز بزرگ از سوی دیگر مطرح شده است). **يَغْفِرُ لَكُمْ ... جَنَّاتٍ ... مَسَاكِنَ ...**

۲۵- دریافت الطاف الهی، به پاك بودن و پاك شدن نیاز دارد. (اول مغفرت، بعد

بهشت و رستگاری بزرگ). **يَغْفِرُ لَكُمْ ... يُدْخِلُكُمْ ... ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ**

۲۶- انسان در میان عذاب الیم و فوز عظیم قرار دارد که با معامله‌ای با خدا، از

عذاب رها می‌شود و به فوز می‌رسد. **تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ ... ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ**

یاوران (دین) خدا باشید

۸۵. یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَنْتَ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرْتَ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ صف ۱۴

الا مؤمنان به پروردگار بمانید خود یاور کردگار

همان سان که عیسی ابن مریم بگفت به حواریونش کلامی شگفت

چه کس بهر خشنودی کردگار مرا می شود همره و نیک یار

بگفتند مائیم یار خدا رسانیم یاری رسول ورا

بگشتند مؤمن بنی اسریل گروهی بگشتند کافر ز ایل

خدا نیز آنان که مؤمن شدند نکوسیرت و نیک باطن بُدند

مؤید بگرداند تا خود ظفر بیابند بر دشمنان سریه سر

نکته ها حواریون» به یاران خاص حضرت عیسی گفته می شود که دوازده نفر بودند و نامشان در انجیل های کنونی ذکر شده است. ریشه ی این کلمه از «حور» به معنای شستن و سفید کردن است و به خاطر پوشیدن لباس های سفید و داشتن قلب های پاک و یا این که هم خود باطنی پاک داشتند و هم دیگران را دعوت به پاکی می کردند، این واژه درباره ی آنان بکار رفته است. امام صادق علیه السلام: شیعیان ما حواریون ما هستند، حواریون عیسی علیه السلام او را در برابر دشمنان و یهود یاری نکردند، ولی شیعیان، ما را یاری می کنند و در راه ما شهید یا شکنجه و تبعید می شوند.

- ۱- مؤمن باید گام به گام رشد کند، در آیات قبل دعوت به تجارت با خدا بود، در این آیه رسماً به انصار الله بودن دعوت می‌کند، «كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ» (یعنی برای همیشه بر نصرت قانون و اولیای الهی پایدار باشید)
- ۲- خداوند نیازی به نصرت ما ندارد، زیرا همه‌ی نصرت‌ها و پیروزی‌ها از اوست. نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَلِيْ اَنْصَارِ خِدا بُوْدِن، بَرای ما افتخار است. كُونُوا اَنْصَارَ اللَّهِ
- ۳- انبیای الهی مردم را برای خدا می‌خواهند، نه برای خود و یا گروه و حزب خود.
- ۴- پیامبران برای غلبه بر دشمن، مسیرهای عادی و طبیعی را طی می‌کردند و از اسباب ظاهری و نیروهای مردمی استفاده می‌کردند. مَنْ اَنْصَارِيْ اِلَى اللَّهِ
- ۵- رهبر باید ارزیابی دقیقی از یاران خود داشته باشد. «مَنْ اَنْصَارِيْ اِلَى اللَّهِ
- ۶- اقرار گرفتن از یاران، نوعی تجدید بیعت و اعلام وفاداری نَحْنُ اَنْصَارُ اللَّهِ
- ۷- دعوت رهبران دینی را پاسخ دهیم. مَنْ اَنْصَارِيْ ... نَحْنُ اَنْصَارُ اللَّهِ
- ۸- انسان مختار است که دعوت انبیا را بپذیرد و سعادت‌مند شود و یا آن را رد کند و بدبخت شود. فَاَمَنْتُ طَائِفَةً ... وَ كَفَرْتُ طَائِفَةً
- ۹- معمولاً همه مردم به يك پیامبر ایمان نیاورده‌اند، بلکه بعضی کفر می‌ورزیدند و بعضی ایمان می‌آوردند، ما نیز نباید انتظار ایمان آوردن همه مردم را داشته باشیم. داشتن ایمان، رمز دریافت تأییدات الهی است. فَاَمَنْتُ ... فَاَيَّدُنَا ...
- ۱۱- حضرت عیسی علیه السلام، هم خودش مورد تأیید خداوند بود، «وَ اَيَّدُنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» و هم یاران خاص آن حضرت. «فَاَيَّدُنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا عَلٰى عَدُوِّهِمْ فَاصْبَحُوْا ظٰهِرِيْنَ
- ۱۲- خداوند همان گونه که پیامبرش را تأیید و یاری می‌کند، «وَ اَيَّدُنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ» پیروانش را نیز یاری می‌کند. «فَاَيَّدُنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا»

ندا برای نماز جمعه

۸۶. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذُرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ جمعه ۹

الا مؤمنان به یکتا خدا

چو دعوت بگردد بیاید ندا

که در روز جمعه برای نماز

بسائید رو بر درش با نیاز

شتابید بر سوی ذکر خدا

نمایید کسب و تجارت رها

که این کار یعنی «نماز و سجود»

بود بهتر از هرچه دارد وجود

نکته ها رسول گرامی اسلام در معراج مشاهده فرمود که فرشتگان برای کسانی که روز جمعه به نماز جمعه حاضر شوند و غسل جمعه کنند، طلب مغفرت می نمایند و می گویند: «اللهم اغفر للذين يحضرون صلاة الجمعة اللهم اغفر للذين يغتسلون يوم الجمعة»

جایگاه روز جمعه در اسلام، در میان روزها، روز جمعه از اهمیت خاصی برخوردار است و روایات در این باره بسیار است که به برخی از آنها اشاره می شود: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: جمعه، سرور روزهای هفته و دارای بزرگترین مرتبه در نزد خداوند متعال است. جمعه، روز کمک به محرومان و فقر است. در حدیث می خوانیم که پرداخت صدقه و انفاق خود را در روز جمعه پرداخت کنید. جمعه، عید مسلمانان است. جمعه روز ظهور امام زمان ارواحنا فداه و پایان غیبت آن حضرت است: یخرج قائمنا یوم الجمعة در روز جمعه درهای آسمان برای بالا رفتن اعمال بندگان باز می شود.

پیامبر می‌فرماید: در روز جمعه خداوند کارهای نیک را چند برابر و کارهای زشت را محو می‌کند، به درجات مؤمنان می‌افزاید، دعاها را اجابت می‌کند، بلاها را دور و حاجات مؤمنان را برآورده می‌سازد. هرکس روز جمعه به زیارت قبر پدر و مادر یا یکی از آنها برود، گناهانش بخشیده و نام او در زمره نیکان نوشته می‌شود. در روز جمعه، غسل جمعه را ترك نکنید که سنت پیامبر اسلام است و از بوی خوش بهره‌گیرید و لباس نیکو در بر کنید

جایگاه نماز جمعه

اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله پس از هجرت به مدینه، اقامه نماز جمعه بود.

نمازی که دعوت به آن با جمله «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» شروع شده است.

نمازی که با جمله «فَاسْعَوْا إِلَى ذِكْرِ اللَّهِ» مردم به اقامه آن ترغیب شده‌اند.

نمازی که فرمان ترك داد و ستد را به همراه دارد.

نمازی که در روایات، هم وزن حج آمده عليك بالجمعة فانها حج المساكين

نمازی که بعد از خطبه‌اش دعا مستجاب می‌شود.

نمازی که با تکیه امام جمعه به اسلحه اقامه می‌شود.

نمازی که سبک شمردن و استخفاف آن، نشانه‌ی نفاق شمرده شده است.

نمازی که در آن امام جمعه باید مردم را به تقوا سفارش کند.

نمازی که در آن مردم از مسایل جهان آگاه می‌شوند.

نمازی که باید به جماعت برگزار شود و نمی‌توان آن را فردی خواند.

نمازی که سفارش شده تسهیلات لازم برای حضور زندانیان مالی در آن فراهم شود. نمازی که ثواب شرکت در آن برای مسافر، بیش از ثواب افرادی است که مقیم همان شهرند. نمازی که يك شب مانده به انجام آن، به تلاوت آیات آن سفارش شده است. نماز جمعه کفّاره گناهی است که انسان در طول هفته انجام می‌دهد، البته مادامی که گناهان کبیره را رها کند. کسی که کارگری را اجیر کرده او را از رفتن به نماز جمعه باز ندارد که گناه می‌کند. و در روایت دیگری می‌خوانیم هر کس به غیر از بیماری و عذر موجه دیگری سه جمعه در نماز جمعه حضور نیابد، خداوند بر قلب او مهر می‌زند. هر کس نتوانست در نماز جمعه شرکت کند، پس مبلغی را صدقه دهد (تا کفّاره‌ی عدم حضور او در نماز جمعه باشد). هنگامی که امام جمعه برای خواندن خطبه می‌ایستد، بر مردم لازم است که سکوت کنند و نماز نخوانند و با ادب بنشینند.

وظیفه امام جمعه

۱. آگاه نمودن مردم را به مسائل روز. امام رضا علیه السلام فرمود: نماز جمعه يك گردهمایی عمومی است تا امام جمعه مردم را به عبادت و اطاعت ترغیب کند و از گناه و معصیت پرهیز دهد و آنان را از آنچه در اطراف آنها روی می‌دهد و از آنچه برایشان مفید و یا مضر است، آگاه کند و یخبرهم بما ورد علیهم من الآفاق و من الاهیال التي لهم فیها المضرّة و المنفعة

۲. امام جمعه، مردم را از آنچه خداوند به آن امر کرده و آنچه از آن نهی فرموده و آنچه مایه‌ی صلاح و فساد آنان است، آگاه سازد و آنان را تعلیم دهد. «ان یعلمهم من امره و نهیه ما فیہ الصلاح و الفساد»

پیام ها

- ۱- برای دعوت مردم به عبادت باید بسترسازی کرد. (در ابتدای سوره قبل از دستور به شرکت در نماز جمعه، سخن از تسبیح موجودات است.) يُسَبِّحُ لِلَّهِ ...
- ۲- برای دعوت مردم، آنان را با احترام و نام نیک یاد کنیم. «يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
- ۳- حضور در نماز جمعه، نشانه ایمان است. يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ
- ۴- نماز، مایه‌ی ذکر خدا است. إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ ... فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
- ۵- برای حضور در نماز جمعه، شتاب کنید. لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا
- ۶- برای حضور در نماز جمعه، باید موانع موجود را برطرف کرد. «وَذَرُوا الْبَيْعَ» (رها کردن کسب و کار و تجارت از باب نمونه است وگرنه همه کارها را باید در هنگام نماز، رها کرد و در نماز جمعه حضور یافت.)
- ۷- خداوند که فرمان ترك تجارت می‌دهد، آن را با وعده‌های حق جبران می‌کند.
- ۸- نشانه علم واقعی، انتخاب بهترین‌ها در هر زمان است. ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
- ۹- در تربیت دینی، هم تشویق لازم است، يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هم فرمان لازم است، فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ هم نهی لازم است، ذَرُوا الْبَيْعَ هم استدلال لازم است. ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ

غفلت از یاد خدا

۸۷. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ منافقون ۹

الا مؤمنان به یکتا خدا
که دارید ایمان به روز جزا
مبادا که فرزند و مال زیاد
شود باعث غفلت از ذکر و یاد
که هرکس شود غافل از کردگار
زیانکار گردد به روز شمار
نکته ها

این آیه به مؤمنان هشدار می‌دهد که اموال و اولاد، شما را غافل نکند. عوامل بازدارنده از یاد خدا بسیار است، ولی مهم‌ترین آنها، اموال و اولاد است که این آیه به آنها اشاره نموده است. لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

شراب و قمار نیز مانع یاد خداست. يَصُدُّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

تجارت و داد و ستد نیز می‌تواند از موانع باشد. لذا قرآن از کسانی که داد و ستد، آنان را از یاد خدا باز نداشته ستایش کرده است. رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ

تکاثر و فزون‌طلبی از عوامل بازدارنده است. أَلْهَاكُمْ التَّكَاثُرُ

آرزوهای طولانی نیز مانع یاد خداست. يُلْهِهِمُ الْأَمَلُ

رفاه‌زدگی از عوامل دیگر غفلت است. مَتَّعْتَهُمْ وَ آبَاءَهُمْ حَتَّى نَسُوا الذِّكْرَ

البته علاقه به دنیا آنگاه خطرناک است که انسان، دنیا را مقدمه آخرت نبیند

و هدفش در تمام کارها، دنیا باشد. فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَنَّا دِكْرِنَا وَ لَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا از کسی که از یاد ما اعراض کرده و جز زندگی دنیا اراده‌ای ندارد، دوری کن.

روشن است که غفلت از یاد خدا، سبب هم‌نشینی با شیطان شده: وَ مَنْ يَعْشُرْ عَن ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقَيِّضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ و انسان را به عذاب شدید و فزاینده‌ای گرفتار می‌سازد. وَ مَنْ يُعْرِضْ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا آنچه خطرناک است غفلت از یاد خداست، نام بردن از اموال و اولاد، به خاطر آن است که این دو قوی‌ترین عامل غفلت هستند.

ذِكْرِ اللَّهِ» شامل همه‌گونه ذکر و یاد خدا می‌شود، اما بارزترین ذکر خدا، نماز است که باید مراقب بود رسیدگی به اموال و اولاد انسان را از نماز بازدارد. شاید دلیل مانع بودن مال و فرزند، جلوه‌های ظاهری آنهاست که انسان را از خدا غافل می‌سازد. «الْمَالُ وَ الْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا»

قرآن، مال و فرزند را مایه فتنه و آزمایش دانسته: «وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» و می‌فرماید: «وَ مَا أَمْوَالُكُمْ وَ لَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ» مال و فرزند، عامل قرب شما به خداوند نیستند.

- ۱- برای آن که مؤمنان را موعظه کنید و آنان بپذیرند، به آنان شخصیت دهید.
- ۲- لازمه ایمان، برتری دادن یاد خدا بر مال و فرزند است... آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ
- ۳- مال و فرزند، کم یا زیادش، می‌تواند مانع یاد خدا باشد. أَمْوَالُكُمْ ... أَوْلَادُكُمْ
- ۴- خسارت واقعی، غفلت از یاد خدا است. «فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (از دست دادن مال و فرزند، خسارت جزئی است، ولی غفلت از خالق خسارت کلی است.)

پرهیز از اهل و عیال که دشمنند

۸۸. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصَفَّحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ تغابن ۱۴

بدانید ای مؤمنان خدا	ز فرزندها و زنان شما
گروهی علیه شما دشمنند	از ایشان نمائید پرهیز چند
اگر عفو سازید از ایشان گناه	ببخشید آن کار زشت و تباه
همی چشم پوشی کند از خطا	به حق شما هم یگانه خدا
رحیم است و بسیار باشد غفور	کند از شما هر خطائی به دور

شان نزول شیخ طوسی «گویند: ابن عباس گوید: این آیه درباره عده ای از مسلمین نازل شده که در مکه مسلمان شدند و اراده هجرت به مدینه نمودند ولی زنان و اولاد آنها مانع شده بودند.

نکته ها عفو» به معنای گذشت و «صفح» به معنای ترك سرزنش و «مغفرت» به معنای از یاد بردن و به فراموشی سپردن است و این سه امر (عفو و صفح و مغفرت) سه گام در برخورد با خطاهای دیگران و از جمله همسر و فرزند است. امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که مسلمانان مکه بنای هجرت را گذاشتند، بعضی همسران و فرزندان، مانع آنها شده و با سوگند می گفتند: تو را به خدا هجرت نکن و عده ای می پذیرفتند و می ماندند. لذا این آیه نازل شد و مردان را از پذیرش این خواست همسران و فرزندان که مخالف فرمان رسول خدا بوده برحذر داشت. همسر و فرزندی که مانع انجام وظیفه شوند، آخرت و بهشت انسان را

می‌گیرند و لذا این گونه همسران و فرزندان دشمن شمرده شده‌اند در تمام قرآن، هیچ کجا کلمات عفو و صفح و مغفرت، پشت سر هم نیامده است، جز در مورد زندگی خانوادگی با همسر و فرزند. یعنی حتی در موردی که هم فکری نیست و باید از آنان بر حذر بود، باز هم عفو و صفح و مغفرت را باید مراعات کرد.

با توجه به شأن نزول، معیار شناخت دوست از دشمن، تشویق به کارهای خیر یا مانع تراشی در برابر انجام عمل خیر است. کسی که به خاطر منافع خود، دیگری را از انجام وظیفه‌اش باز می‌دارد، دشمن اوست.

بعضی از مهاجران، به همسر و فرزند خود می‌گفتند: ما هجرت می‌کنیم و اگر شما پشیمان شدید و هجرت کردید، ما در مدینه شما را تحویل نخواهیم گرفت. لذا ادامه آیه می‌فرماید: گرچه آنان در مکه مانع هجرت شما بودند، ولی اکنون که به شما ملحق شده‌اند، گذشته آنان را ببخشید و سرزنش نکنید.

مشابه این آیه را در سوره نور آیه ۲۲ نیز می‌خوانیم: **وَ لِيَعْفُوا وَ لِيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَ اللَّهُ عَفُورٌ رَحِيمٌ** مردم باید عفو و گذشت کنند، آیا دوست ندارید که خدا شما را ببخشد و خداوند بخشنده و مهربان است. (آری اگر ما دیگران را ببخشیدیم، خداوند نیز ما را می‌بخشد) گرچه عفو کردن **تَعْفُوا** و سرزنش نکردن **تَصْفَحُوا** مهم است، ولی به کلی نادیده گرفتن خطا **تَغْفِرُوا** مهم‌تر است؛ لذا اولاً کلمه **تَغْفِرُوا** بعد از آن دو آمده است که نشان دهنده مرحله بالاتری از عفو و صفح است. ثانیاً در پایان آیه خداوند به **عَفُورٌ** توصیف شده است، با این که خداوند به دو صفت دیگر نیز متصف شده: **كَانَ اللَّهُ عَفُورًا عَفُورًا**

و یا: **یا کریم الصفح**. در رهبری امت نیز قرآن به پیامبرش سه دستور می‌دهد: **فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ** علاوه بر گذشت و به کلی صرف نظر کردن لغزشها و بالاتر از همه مشورت کردن و شخصیت دادن به مردم لازم. پیامبر اکرم: زمانی خواهد آمد که هلاک مرد به دست همسر و فرزندش خواهد بود. زیرا آنان مرد را به خاطر فقرش سرزنش می‌کنند و او برای تأمین خواسته‌های آنان، به هر کاری دست می‌زند و هلاک می‌شود. یسخرانه بالفقر فیرکب مراکب

- ۱- لازمه ایمان واقعی، مقاومت در برابر خواسته‌های عاطفی و به ناحق همسر و فرزند است، گرچه ممکن است دشمنی آنان را به همراه داشته باشد **وَ أَوْلَادِكُمْ**
- ۲- تنها بعضی از همسران و فرزندان، مانع‌تراشی می‌کنند، نه همه. **مِنْ أَرْوَاجِكُمْ**
- ۳- باید مراقب بوده و فریب همسران و فرزندان ناهل را نخورد. **فَاخْذَرُوهُمْ**
- ۴- گرچه نباید تسلیم خواسته‌های نابجایی همسر و فرزندان شد، ولی رابطه عفو و گذشت و بخشش را مراعات کنید. **فَاخْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا**
- ۵- در مسیر خطاپوشی، تا آخرین مرحله پیش روید؛ ببخشید، سرزنش نکنید و به یاد خودتان هم نیاورید. **تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا**
- ۶- تعادل میان وظیفه و غریزه در زندگی خانوادگی لازم است، نه به خاطر عواطف و غرایز، دست از وظیفه و هجرت و جهاد بردارید و نه به خاطر انجام وظیفه، عواطف خانوادگی را نادیده بگیرید. **فَاخْذَرُوهُمْ وَإِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا**
- ۷- به دنبال عفو و مغفرت شما، عفو و مغفرت الهی است **إِنْ تَعَفُّوا وَتَصْفَحُوا**
- ۸- مغفرت الهی، همراه با رحمت و الطاف ویژه است. اگر شما دیگران را ببخشید، خداوند هم شما را می‌بخشد و هم مورد لطف ویژه قرار می‌دهد.

محافظت از آتشی که هیزم آن مردمان (گنهکار)

۸۹. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ تحریم ۶

چه خود را و چه اهل بیت و سرا	الا مؤمنان به یکتا خدا
مبادا بیابید آنجا حضور	بدارید از آتش داغ دور
چو هیزم بخواهند بودن در آن	چنان آتشی تا همه کافران
کند روشن آن آتش قهر و سوز	بر آن سنگ خارا است آتش فروز
گروهی ملائک همه سنگدل	نگهبان آن آتش مشتعل
نتابند رخ اندر انجام کار	که هرگز ز فرمان پروردگار
عمل کرده تنها به دستور آن	فقط هرچه هستند مأمور آن

نکته ها وقود» به معنای ماده اشتعال زاست، همچون نفت و زغال سنگ.

در حدیث می خوانیم: سنگ آتش زاء، همان کبریت و گوگرد است.

روایت: جوانی با شنیدن این آیه بر زمین افتاد و پیامبر اکرم به او وعده بهشت داد و فرمود: ذَلِكَ لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ بهشت مخصوص کسانی است که از مقام من پروا داشته و از وعده های عذاب من بترسند. در روایات می خوانیم که شیوه حفظ بستگان از آتش دوزخ، امر به معروف و نهی از منکر. آنان است که اگر قبول کردند، آنان را از آتش حفظ کرده ای و اگر نپذیرفتند، تو به وظیفه ات عمل کرده ای. شاید وَقُودُهَا النَّاسُ، اشاره به تجسم عمل انسان در قیامت باشد که خصلت ها و اعمال زشت او در دنیا، در آن روز آتش گیره می شود.

مسئولیت انسان در برابر خانواده

در آیات متعددی از قرآن به رسالت انسان در برابر خانواده‌اش اشاره شده است،

از جمله: **قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً**

وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطَبِرْ عَلَيْهَا اهلت را به نماز فرمان ده و برآن پایداری کن.

وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ نزدیک‌ترین بستگانت را هشدار ده.

يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَ أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ فرزندم! نماز به پا دار و امر به معروف کن.

قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ ای پیامبر! به زنان و دختران خود و سپس

زنان مؤمنان بگو...

إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ زيانكاران واقعی کسانی

هستند که خود و خانواده‌شان در قیامت باخت‌ه‌اند.

إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ مردان خدا در مورد خانواده بی‌تفاوت نیستند

وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ پیامبر، همواره خانواده‌اش را به نماز سفارش می‌کرد.

هم خودتان را حفظ کنید، **قُوا أَنْفُسَكُمْ** و هم از خداوند بخواهید شما را حفظ

کند **رَبَّنَا ... قِنَا عَذَابَ النَّارِ**

پیام‌ها

۱- ایمان داشتن کافی نیست، حفظ آن از خطرات و آسیب‌ها مهم است. پس باید

مراقبت کرد. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ**

۲- اولین گام در اصلاحات، اصلاح خود و بستگان و سپس اصلاح جامعه است.

در این آیه، اصلاح خود و بستگان و سپس در آیه نهم، اصلاح جامعه از طریق جهاد با کفار و منافقان آمده است. قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ

۳- ایمان به معاد و دوزخ، نقش مهمی در ایجاد تقوا و اصلاح خود و دیگران دارد.

۴- تربیت دینی فرزندان، بر عهده مدیر خانواده است.

۵- نفس انسان، سرکش است و نیاز به حفاظت دارد.

۶- اولی‌ترین فرد به حفظ انسان، خود انسان است.

۷- تا زنجیر از پای خود باز نکنیم، نمی‌توانیم دیگران را آزاد کنیم. خودسازی شرط موفقیت در ساختن خانواده و جامعه است.

۸- کیفرها کردن خانواده و نزدیکان، هیزم آتش دوزخ شدن است.

۹- کسانی که در دنیا سنگدل باشند، فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً در آن روز نیز در ردیف سنگ قرار می‌گیرند.

۱۰- در مدیریت، مسئول هر کار باید با آن کار سنخیت داشته باشد. اگر مسئول دوزخ، غلاظ و شداد نباشد، یا خودش اذیت می‌شود و یا به رسالت خود درست عمل نمی‌کند. عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ

۱۱- گرچه انسان معصیت کار به دوزخ می‌رود، امّا فرشتگان دوزخ، در عذاب کردن او معصیت خدا را نخواهند کرد. لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ

۱۲- فرشتگان، نه دستورات گذشته را تمرد کرده و می‌کنند، «ما أَمَرَهُمْ» نه دستوراتی که بعداً به آنان داده می‌شود. «ما يُؤْمَرُونَ»

توبه نصوح

۹۰. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُم سَيِّئَاتِكُمْ وَ يُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بَأْيَمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَ اغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ تحريم ۸

الا مؤمنان چون به یکتا اله	بخواهید توبه کنید از گناه
نمایید توبه، به اخلاص تام	خلوصی برازنده آن مقام
بود آنکه، مخفی بدارد خدا	گاهی که کردید روی خطا
درآرد خداتان میان جنان	که جویست زیر درختان آن
نسازد در آن روز رب جلیل	رسول خود و مؤمنان را ذلیل
در آن روز نوری که از کبریاست	رود پیش ایشان و هم سمت راست
بگویند ای داور ذوالجلال	رسان نور ما را به حد کمال
ببخشای ما را و می گیر دست	که هستی توانا به هر چیز هست

نکته ها

نصوح» از «نصح» به معنای خلوص و صدق است و گاهی به معنای محکمی نیز آمده است. در تفاسیر برای توبه نصوح مواردی آمده است، از قبیل: پشیمانی، استغفار، ترك گناه و تصمیم بر ترك در آینده، ترس از پذیرفته نشدن، گناه را در برابر خود دیدن و شرمنده شدن، گریه، کم سخن گفتن و کم خوردن و کم خوابیدن، پرداخت حقوق مردم و ...

اگر مغرور شویم و بگوییم که توبه ما صد در صد پذیرفته می‌شود، راه را برای انجام یا تکرار خلاف هموار کرده‌ایم و لذا ضمن امیدوار بودن، نباید صد در صد مطمئن باشیم. چنانکه در این آیه می‌فرماید: **عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ** و در آیه ۳۱ سوره نور می‌فرماید: **تُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ** توبه کنید، شاید رستگار شوید. کلمه **لعل** نشانه امیدوار بودن است در آیات قبل، سخن از نار بود، در این آیه سخن از نور است.

در آیات قبل سخن از پیشگیری بود، **قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَاراً** در این آیه، سخن از درمان است که اگر نتوانستید خود را حفظ کنید و گرفتار گناه شدید، راه توبه باز است و نباید امید شما به یأس تبدیل شود. **تُوبُوا إِلَى اللَّهِ ... عَسَى رَبُّكُمْ**

دعا و درخواست از خداوند، همیشه نقش دارد: چه در دنیا: **اهدنا الصراط المستقیم** و چه در قیامت: **أَتَمِّمْ لَنَا نُورَنَا** طلب مغفرت، هم در دنیا است: **رَبَّنَا فَاعْفُرْ لَنَا ذُنُوبَنَا** هم در آخرت: **رَبَّنَا ... وَاعْفُرْ لَنَا**

پیام ها

۱- در آیات قبل فرمان داد که خود را از آتش دوزخ حفظ کنید، **قُوا أَنْفُسَكُمْ ...** در این آیه، يك از راههای آن را توبه واقعی می‌داند. **تُوبُوا إِلَى اللَّهِ**

۲- گاهی از مؤمن، گناه سر می‌زند که باید توبه کند. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا توبُوا ...**

۳- توبه باید به درگاه خدا باشد، نه افشای گناه نزد بندگان. **تُوبُوا إِلَى اللَّهِ**

۴- یکی از تکالیف مؤمن، توبه از گناه است. **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا توبُوا ...**

۵- توبه باید خالصانه و صادقانه باشد نه لقلقه زبان. **تَوْبَةً نَّصُوحاً**

۶- توبه، زمان و مکان خاصی ندارد. تُوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا

۷- برای تشویق به توبه، باید مردم را به رحمت الهی امیدوار کرد. عَسَى رَبُّكُمْ

۸- پذیرش توبه، از شئون ربوبیت است. عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ

۹- ناپاکی و پلیدی در بهشت جای ندارد؛ اول پاک شدن، سپس وارد بهشت شدن.

يُكَفِّرَ ... يُدْخِلُكُمْ

۱۰- نتیجه توبه دو چیز است: محو گذشته «يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ» و تأمین آینده.

يُدْخِلُكُمْ جَنَّاتٍ

۱۱- ایمان به پیامبر کافی نیست، همراهی و تبعیت از آن حضرت لازم است. وَ

الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ

۱۲- عمل صالح دنیا، در قیامت به صورت نور ظاهر می‌شود. نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ

أَيْدِيهِمْ

۱۳- کسانی که در دنیا دنبال نورند، «وَ اتَّبِعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ» در آخرت

غرق نورند. نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ بِأَيْمَانِهِمْ

۱۴- در قیامت نیز تکامل هست. مؤمنان در آن روز به فکر تکمیل نور خود

هستند. رَبَّنَا أَنْتُمْ لَنَا نُورًا

۱۵- مؤمنان واقعی در فکر ریزش و کاهش بدی‌ها، «وَ اغْفِرْ لَنَا» و رویش و جهش

خوبی‌ها هستند. أَنْتُمْ لَنَا نُورًا

۱۶- امید به استجاب دعا، «أَنْتُمْ لَنَا نُورًا وَ اغْفِرْ لَنَا» برخاسته از قدرت مطلقه

اوست. إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

منابع :

تفسیر نور استاد قرائتی . تفسیر نمونه آیت الله مکارم . علامه طباطبائی،

تفسیر المیزان

جعفر سبحانی، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام

فتح الله کاشانی، منهج الصادقین جلد ۳، ۷ مجمع البیان جلد ۷

جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن جلد ۲

محمد حسین فضل الله، من وحی القرآن جلد ۱۱

فیض کاشانی، ملامحسن، تفسیر الصافی

قرآن منظوم (شاعر امید مجد)

و السلام علیکم و رحمه الله و برکاته